

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

شماره پنجم
آذر و دی ۱۴۰۴

خبرنامه داخلی

Official Expert Organization. Tehran

استان تهران



بررسی پیامدها و آثار قانون تسهیل بر نهادهای حرفه‌ای و حقوقی



امضای تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه بین
کانون کارشناسان رسمی دادگستری،
کانون وکلای و کانون سردفتران و دفتریاران



به اطلاع مخاطبان گرامی می‌رساند، مطالب و محتوای شماره جدید نشریه کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، پیش از وقوع جنگ و حوادث ناگوار اخیر، تهیه، تدوین و صفحه‌بندی شده است. این نشریه ضمن عرض تسلیت و گرامی‌داشت شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و جمعی از هموطنان عزیز، بر این امید است که هرچه زودتر صلح، امنیت و آرامش در وطن پرافتخارمان برقرار شود.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

Official Expert Organization, Tehran

سر مقاله / قانون تسهیل و اضبار ملی آن	۲
رییس کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران هشدار داد:	۴
خطر نابودی نهادهای حرفه‌ای خدمات قضایی	
تفکیک «حرف حاکمیتی» از «کسب و کارهای اقتصادی» الزامی است	۱۰
تخصیص حلقه مفقوده حرفه وکالت	۱۲
غفلت از «نیازسنجی» در قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»	۱۶
کانون کارشناسان اصل تسهیل در ورود را بپذیرد	۱۸
آسیب شناسی اجرای قانون تسهیل در نظام کارشناسی رسمی	۲۲
تفاوت کسب و کار با حرفه	۲۸
قانون تسهیل و حرفه کارشناسی: از «تسهیل ورود» تا «مدیریت اترگذاری»	۳۶
فرصت‌ها و تهدیدهای قانون تسهیل در کارشناسی رسمی	۳۸
مدیریت بحران «کیفیت» در عصر «تورم کمیت»	۳۹
دگرگونی مسیر ورود به حرفه کارشناسی	۴۰
غفلت قانون گذار از جایگاه واقعی کارشناسان رسمی	۴۳
چالش‌های قانون تسهیل برای نظام کارشناسی و راهکارهای عملیاتی	۴۴
کاربرد تجهیزات فنی در تشخیص اصالت اسناد مشکوک و معقول	۴۸
بررسی علل ساختاری ناترازی و تنش آبی از منظر کارشناسی، مدیریتی و حقوق عمومی	۵۲
مطالعه تطبیقی کارشناسی رسمی دادگستری در ایران و ۱۰ کشور مطرح جهان	۵۴
خبرنامه	۵۸
روایت‌های کارشناسی	۶۱
مفاخر کانون / محمدیوسف طاهری قزوینی	۶۴



خبرنامه داخلی کانون
کارشناسان رسمی
دادگستری استان تهران



شماره پنجم / آذر و دی ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: کانون کارشناسان رسمی
دادگستری استان تهران

مدیرمسئول: محمدجواد تیموری

شورای سردبیری: حسین احمدی،
منصور صفرزاده، حامد خانجانی

ویراستار ادبی: هانیه نعیمی

طراحی و صفحه آرایی: محمد طاهری

چاپخانه: آیین چاپ تابان

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه



جهت
دانلود نشریه
اسکن کنید



۱۰



۱۴



۱۲



۱۸



۲۸



۶۴





قانون تسهیل و اضرار ملی آن

سال ۱۳۹۰ یکی از قوانین موازی است که متأسفانه بر زمین مانده و با همین منظور قانون تسهیل در اقتصاد ایران، سابق بر این به تصویب مجلس رسیده است! اما با توجه به محورهای مهم این قانون که هدفش کاهش موانع و بهبود شرایط فعالیت بنگاه‌های اقتصادی با تأکید بر تعامل دولت و بخش خصوصی است، رها و بی‌ثمر مانده است.

قانون تسهیل صدور مجوز وکالت، سردفتری و کارشناسی رسمی (اصلاح ماده ۵ قانون‌های مربوط، مصوب ۱۴۰۱)

۲

درواقع هم به قوانین پایه این نهادها خدشه وارد کرده و هم به بهانه مقررات زدایی، استقلال نهادی و کنترل کیفیت صدور پروانه‌ها را از آنان سلب نموده است. به اشتباه گرفتن صدور مجوزهای بنگاه‌های اقتصادی و پروانه‌های اشتغال به کار با اعطای پروانه‌های حرفه‌ای اشخاص حقیقی صاحب تخصص برای اهداف خاص و محدود، نظیر کارشناسی‌های رسمی دادگستری، وکالت و سردفتران و دفتریاران که نه تنها جنبه بنگاهداری و رقابتی به مفهوم تولید کالا ندارند؛ بلکه صرفاً ارائه‌دهنده خدمات منحصر به فرد و حساسی به جامعه بوده و در جهت تحقق عدالت و یا ثبت و صدور اسناد و مدارکی هستند که مسئولیت حقوقی، سلامت و هدایت حاکمیتی و قضایی نیز در آنها قابل اهمیت فراوانی است. وانگهی خطاهای سیستمیک و گسترش دامنه آن به اشخاص غیرمتخصص و بی‌تجربه و در عین حال با انتظارات کاذب بالا؛ در آینده نه چندان دور، خسارات جبران‌ناپذیری به جامعه ذی‌نفعان و بهره‌برداران این‌گونه خدمات حرفه‌ای وارد خواهد کرد.

۱ امروزه مادر مدیریت نهادها با تضادهای تناقض‌های غریبی مواجه هستیم. از سوئی، علیرغم انتظار، در پابندی به حاکمیت قانون، با نقض آشکار آن روبه‌رو می‌شویم؛ نگران از تغییر قانون کارشناسان، عدول از مفاد مترقی و افول آن و نقض استقلال نهاد کارشناسی هستیم که البته در جای خودش بدان باید پرداخت. از سوی دیگر، به تازگی با وضع برخی قانون‌های بد دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. از جمله «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» مصوب سال ۱۴۰۰ که با هدف کاهش بروکراسی و به اصطلاح، مقابله با انحصار در اقتصاد ایران و به منظور تسهیل، شفاف‌سازی و تسریع در صدور مجوزهای کسب‌وکار، وضع شده است. در پی آن، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف شد تا با همکاری دستگاه‌های اجرایی، با ایجاد «سامانه ملی مجوزهای کسب‌وکار» زیر نظر «هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزها» مدیریت آن را عهده‌دار شود. اما در دل آن یک چالش و مسیر بحرانی به وجود آورده شده است که؛ نهادهای حرفه‌ای متبوع کارشناسان، وکلا و سردفتران و دفتریاران را دچار آسیب‌پذیری جدی و مخاطره در حیات آتی آنان کرده است. مسئله اساسی هم از آنجا آغاز شده است که مسببان و قانون‌گذاران، دچار خطای فاحش شده و کارشناسی و این قبیل جزف را به مثابه شغل تصور کردند و از قبیل آن، در صدور یاری رساندن به آمار اشتغال برآمدند! غافل از آن که به اصالت نهادهای تخصصی مزبور ضربات مهلکی وارد می‌کنند و هر آینه ممکن است در آینده، حیات آنان را به فقدان کارایی و مفسده‌انگیزی‌های معتناهی دچار نمایند. این در حالی است که «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» مصوب

در مورد پروانه کارشناسی رسمی دادگستری همواره سابق بر این، حسب نیازسنجی دستگاه قضایی کشور و برابر استعلام شورای عالی کارشناسان از قوه قضاییه؛ متناسب با اعلام نیاز، آزمون‌های دوره‌ای با رعایت استانداردهای علمی برگزار می‌شد. به گونه‌ای که در قالب آزمون با یک مسابقه تخصصی جهت گزینش افراد نخبه دارای برترین امتیازهای علمی و تجربی، از آن میان شایسته‌ترین‌ها برگزیده می‌شدند. نه به ترتیبی که الان چیده شده و به صورت جذب فله‌ای با کسب حد نصاب نمره‌ای، حداقل ۷۰ درصد میانگین یک درصد برتر نمره داوطلبان؛ به بهانه «رفع انحصار در حرفه‌های حقوقی و تخصصی و جلوگیری از محدودسازی تعداد مجوزها و برقراری عدالت در دسترسی افراد به این حرفه‌ها»، سنجش و پذیرش سهل‌انگارانه انجام می‌پذیرد! در نتیجه، پذیرش‌ها محتوم به جذب حداکثری افراد، چه بسا فاقد شرایط علمی و تجربی لازم و آن‌هم بدون مصاحبه علمی شده است! با این کیفیت برگزاری آزمون‌ها، آن‌هم به طور هر ساله؛ عملاً افراد فاقد احصای شرایط لازم و کافی و هم خارج از حد نصاب مورد نیاز قوه قضاییه و نهاد کارشناسی (اعم از کانون‌ها یا مرکز وابسته به قوه) وارد این نهادها می‌شوند. حجم مازادی که خارج از گنجایش، با وجود عدم نیاز، حتی امکان آموزش و کارآموزی آنها در ظرفیت موجود نهادهای متبوع فراهم نبوده و ظرفیت اجرایی سازمان‌های نهادهای مذکور را نیز اشغال کرده‌اند و عملاً آنها را از کارکرد فعلی‌شان نیز بازداشته‌اند! وانگهی، علاوه بر آنکه ظرف و مظروف و لازم و ملزوم با هم نمی‌خوانند، انباشت انتظارات کاذب پذیرفته‌شدگان در کنار محدودیت‌ها و تضادهای جاری نیز مزید بر علت شده است. از طرفی، براساس بند ج ذیل ماده ۱۵ قانون ک.ک.ر.د. «موفقیت در آزمون علمی و تجربی و گزینش صلاحیت اولویت‌های اخلاقی» آزمون تجربی یا همان مصاحبه علمی داوطلبان با حفظ استقلال کانون استان‌ها باید توسط هیئت علمی و کارشناسان برجسته و مجرب نهاد کارشناسان صورت پذیرد. در حالی که با سلب اختیار و استقلال

علمی و عملی ارکان کانون‌ها، نظام مسئولیت و کنترل و نظارت بر صدور پروانه‌های کارشناسان جدیدالورود را مخدوش کرده‌اند. ما می‌گوییم، اگر بر مبنای قانون ک.ک.ر.د. ماده ۱۷ قرار است با تایید هیئت مدیره‌ها و با امضای رئیس هیئت مدیره کانون‌ها، پروانه‌ها اعطا و واجد اعتبار شوند؛ پس در این تصریح قانونی، مسئولیت یکایک صدور پروانه‌های کارشناسی متوجه آنها بوده و نمی‌توان آنان را از فرآیند برگزاری آزمون‌های علمی و تجربی خلع ید و سلب اختیار نمود، ولی در عوض مسئولیت را هم متوجه آنها کرد!

فرض بر آن است که قانون‌گذار حکیم است و قانون را بر پایه حکمت وضع می‌کند. اما این دقیقاً برخلاف هشدارهای مختلفی است که از جانب دستگاه قضایی، وزارت دادگستری، کانون‌های کارشناسان، وکلا، سردفتران و دفتریاران و بسیاری از متخصصان آشنا با حرفه‌های مزبور، نسبت به مضرات و تبعات این قانون، همچنان تذکر داده می‌شود و اینک تجربه اجرایی شدن آن نیز حاکی از خطر اضمحلال شأن و جایگاه این نهادها است. فداکردن کیفیت به پای کمیت، تحت الشعاع قرار گرفتن صلاحیت‌های تخصصی و اخلاقی و سوابق تاریخی و ظرفیت‌های سازمانی و تهدید جدی اعتماد عمومی جامعه به این اصحاب جرف در آینده و پتانسیل بحران‌خیزی اجتماعی ناشی از آن؛ ایجاب می‌کند تا بازنگری در قانون تسهیل صورت گیرد و هر چه زودتر از مضرات و تبعات پذیرش بیش از نیاز و خارج از گنجایش این نهادها جلوگیری شود. صیانت از ظرفیت‌های موجود با اقرار به معقولات و پرهیز از محرمات، امر واجبی است. به موجب چنین قوانین ناصواب و مفسده‌انگیزی، حقوق اساسی مردم و سرمایه‌ها و دارایی‌های ملی، زایل و با خطر جدی روبه‌رو می‌شوند. لذا انجام کارشناسی‌های رسمی با کیفیت، دفاع عالمانه و حرفه‌ای وکیل مدافع، و ثبت دقیق و بی‌نقص املاک و اسناد تمامی دارایی‌های دولتی و خصوصی، منوط به توقف روند ناصواب این قانون، به مثابه امری ملی است.

شورای سردبیری نشریه



رئیس قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران هشدار داد: خطر نابودی نهادهای حرفه‌ای خدمات قضایی قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» باید اصلاح شود

حامد خانجانی/ رئیس قانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، با تشریح آثار مخرب قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» بر نظام کارشناسی، خواستار بازنگری و اصلاح این قانون شد. محمدجواد تیموری با بیان اینکه «اگر قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار به سرعت اصلاح نشود، ما در چند سال آینده آثاری از نهادهای حرفه‌ای خدمات قضایی نخواهیم داشت»، بر ضرورت رسیدگی هر چه سریعتر به این موضوع تأکید کرد. وی همچنین با انتقاد از سیل ورودی کارشناسان به قانون‌ها، عنوان کرد که این سیل، تخریب زیادی را در پی داشته و پیامدهای آن نیز در سال‌های آینده با تضعیف جایگاه کارشناسی، بیش از پیش ملموس خواهد بود. به گفته تیموری، طبق قانون، محدودیتی برای جذب کارشناسان وجود ندارد و قانون‌ها نیز به جز برگزاری دوره کارآموزی و آزمون جامع برای ارائه پروانه کارشناسی، امکان مصاحبه و اختبار برای جذب کارشناسان را ندارند. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

مروری بر چند قسمت از قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار داشته باشم. نکته اول درباره قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار این است که این قانون، جایگزین ماده ۷ مکرر قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۳۴ شده است. قانون سیاست‌های کلی اصل ۳۴ می‌خواهد به نوعی زمینه‌های توسعه فعالیت بخش خصوصی را در کشور فعال کند. در این قانون دو نوع مجوز تعریف شده است؛ مجوزهای ثبت‌محور که صرفاً با ثبت و ورود اطلاعات خاتمه پیدا می‌کند و گروه

■ آقای دکتر تیموری، لطفاً درباره تبعات اجرای قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» بر نظام کارشناسی توضیح دهید.
قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» و آثار آن در قانون‌ها از آزمون سال ۱۴۰۲ آغاز شده است. تعابیر مختلفی درباره ارزیابی این قانون انجام شده، اما علاقه مندم تا در این فرصت، از مدلی که سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) برای ارزیابی برنامه‌ها، طرح‌ها و قوانین مدنظر دارد، استفاده و نکاتی را مطرح کنم. در این راستا لازم است

د

شرط ورود و صدور پروانه کارشناسی، موفقیت در آزمون‌های این دوره‌ها به صورت جزئی و موفقیت در آزمون جامع انتهای دوره کارآموزی است

ارزیابی اجرای قانون تسهیل صدور مجوز کسب و کار بر کانون کارشناسان رسمی دادگستری



کارشناسانی که به صورت انبوه وارد این حوزه می‌شوند، به مرور زمان، مناصب مدیریتی کانون‌ها را هم برعهده می‌گیرند. یعنی یکسری افراد کم‌تجربه و دارای دانش پایین، وارد کانون می‌شوند و بر کرسی‌های مدیریتی کانون‌ها می‌نشینند و قاعدتاً جایگاه نهادی و سازمانی کانون‌ها افت پیدا می‌کند. از پیامدهای میان مدت این پدیده نامطلوب، تضییع حق مردم است

چون سطح آنها تنزل پیدا می‌کند، در نتیجه پذیرفته شدگانی که ۷۰ درصد هستند (و در مورد جانبازان نیز ۶۰ درصد اعلام شده است) در واقع سطح دانش و مهارت لازم برای ارائه خدمات کارشناسی را تقلیل می‌دهد.

موضوع بعدی در این ماده این است که در تبصره ۴ ماده یک امر شده است که هر گونه محدودیت و مانع در مسیر صدور مجوز، نباید وجود داشته باشد و اشباع بازار، محدودیت ظرفیت، حدود صنفی و موارد مشابه، مسموع نیست و فقط محدودیتی مجاز است که قبل از اعمال توسط هیئت وزیران تأیید شده باشد. این هم با ویژگی‌های امر کارشناسی در تناقض است و منجر می‌شود که کارشناسان از مهارت و دانش کافی برخوردار نباشند.

در موضوع دوم، که مربوط به معرفی مدل منطقی نتیجه‌محور سازمان UNDP است، عنوان آن Resultsbase management model است. آغاز طرح این مدل در سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۲ است با اصلاح و تکمیل آن هم-اکنون یکی از بهترین مدل‌هایی است که می‌تواند برنامه‌های توسعه کشورها را ارزیابی کند و در سه مرحله اساسی «تدوین برنامه»، «اجرای برنامه» و «ارزیابی نتایج» کمک کند. به طور خلاصه، در این مدل سه عبارت کلیدی داریم مبنی بر این که «چه داده‌ایم؟»، «چه تحویل گرفته‌ایم؟» و «نتیجه چه بوده است؟»

در مداخلات توسعه‌ای، قاعدتاً نتایج باید منتج

دوم، مجوزهای تأییدمحور هستند که نیاز به تأیید مراجع صدور مجوز دارند. هر سه کانونی که در این قانون مورد خطاب قرار گرفته‌اند، جزو گروه صدور مجوزهای تأییدمحور هستند. منتهی در جای جای این قانون، به نوعی کانون با تأییدیه‌ها برخورد کرده و به نظر می‌رسد که این یک تناقض آشکار در قانون است.

تبصره یک ماده ۴ قانون، برای کارشناسان تکلیف تعیین کرده و مقرر نموده هر ساله سازمان سنجش، باید آزمون برگزار کند و داوطلبانی که حداقل ۷۰ درصد از امتیاز میانگین نمرات یک درصد حائزان بالاترین امتیاز را دارند، در هر رشته بدون محدودیت و بدون این که سقفی برای تعداد پذیرفته‌شدگان وجود داشته باشد، می‌توانند کارشناس شوند.

این معیار، از نظر منطقی مشکل دارد، به لحاظ این که هر چقدر یک درصد حائزان بالاترین امتیاز، خودشان پایین‌تر باشند، موجب پذیرش تعداد بیشتری از متقاضیان کارشناسی می‌شوند. بنابراین این معیار برای تعیین صلاحیت کارشناس، مشکل اساسی دارد و به جای آن ما باید حداقل نمره را براساس تست‌های استاندارد می‌تواند دانش و مهارت کارشناس را مورد سنجش قرار دهد، مبنای قرار دهیم.

چون موضوع کارشناسی، موضوع مهمی است و این که اگر یک عده‌ای تباری کنند و پایین‌ترین امتیاز را بزنند، در آن صورت یک درصد حائزان بالاترین امتیازات، سطح‌شان پایین می‌آید و

به توسعه همه‌جانبه جامعه شود. بنابراین نتایج مهمتر از داده‌ها و گرفته‌ها هستند. اگر ما مواردی را به یک سیستم بدهیم و مواردی را بگیریم، اما نتایج مورد انتظار از آن حاصل نشود؛ یعنی منابع، وقت و سرمایه‌های خود را هدر داده‌ایم. یکی از مهمترین سرمایه‌ها، سرمایه‌های انسانی است. بنابراین اگر ما در تحلیل یک برنامه و یک قانون، به این نتیجه برسیم که آن نتایج مورد انتظار از انجام کار، محقق نمی‌شود، باید برگردیم و مراحل قبلی را اصلاح کنیم. شاید در مورد قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» هم این اقدام لازم باشد که البته به



توضیح که در برنامه‌های توسعه، چون پایداری و دوام مورد تأکید است، وزن آثار و نتایج بلندمدت بیشتر است.

■ تأثیرات قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» بر نظام کارشناسی، از چه جنبه‌هایی قابل بررسی است و به نظر شما وضع‌کنندگان این قانون رفع چه دغدغه‌هایی را مدنظر قرار داده بودند؟

قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» از ۶ منظر شامل «ورودی‌ها»، «اقدامات»، «خروجی‌ها»، «نتایج کوتاه‌مدت»، «پیامدهای میان‌مدت» و «آثار بلندمدت» قابل بررسی است. راه منطقی که سازمان ملل متحد توصیه می‌کند، رویکرد برنامه‌ریزی عقب‌گردی یا غایت‌نگر (Backward Planning) است. به این معنی که برنامه‌ریزان، تدوین‌کنندگان و وضع‌کنندگان قوانین هم باید از غایت، سرانجام و آثار بلندمدت مورد انتظار شروع کنند و با لحاظ اقتضائات مرحله‌ای لازم برای حصول آثار بلندمدت مطلوب به متن قانون برسند. نه این که قانونی را وضع کنند که به آثار نامعینی ختم شود. اگر این فرآیند در تدوین قانون تسهیل شکل می‌گرفت، به طور قطع به این ترتیب وضع نمی‌شد. یکی از خلأهای بنیادی که در حال حاضر مشاهده می‌شود، این است که فرآیند وضع این قانون، روال منطقی یک کار توسعه‌ای دنبال نشده است.

مسلم است که مسئله محوری نمایندگان مجلس، اشتغال بوده است و گفته‌اند «یک قانونی را وضع کنیم که بتوانیم مسئله اشتغال را آن هم با تمرکز بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، حل کنیم.» در این راستا تمهیدات مختلفی را در نظر گرفته‌اند؛ از جمله این که صدور مجوزها را آسان و تسهیل کنند. ظاهراً آنها بر این باور بودند که «اگر صدور مجوزها آسان شود، منجر به ایجاد شغل می‌شود و ایجاد شغل باعث می‌شود که در بازار رقابتی، کسی که توانمندتر است، رشد کند و در نهایت، از بیکاری به وضعیتی که شاغل است و درآمد دارد و زندگی او تأمین می‌شود، می‌رسد.» به نظر می‌رسد که آقایان با این مدل ذهنی اقدام به وضع این قانون کرده‌اند. علاوه بر این، شما مقاصد سیاسی و تأمین تقاضاهای بسیار زیاد و متنوع حوزه‌های انتخابیه نمایندگان مجلس را هم به آن اضافه کنید. همچنین نگاه پوپولیستی به

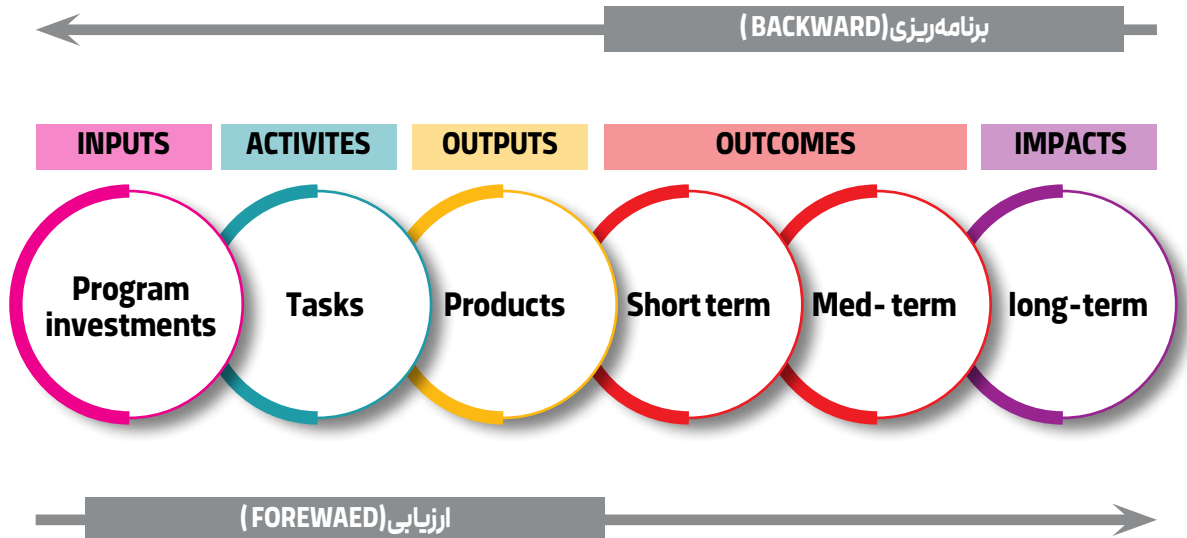
نظر من، به طور قطع لازم است و باید قانون را اصلاح کنیم. چرا که قانون فعلی، ما را به نتیجه مورد نظر نمی‌رساند.

این مدل دو قسمت کلیدی دارد. یک قسمت که قابل کنترل است و در دست طراحان، مجریان و ارزیابان برنامه است، مربوط به بحث کار برنامه‌ریزی شده است که این کار برنامه‌ریزی شده باید به نتایج مورد انتظار منجر شود. UNDP نتایج مورد انتظار را در سه بخش یا سه افق تقسیم کرده است: «نتایج کوتاه‌مدت»، «نتایج میان‌مدت یا پیامدها» و «نتایج بلندمدت یا آثار ناشی از اجرای برنامه یا مداخلات و بهره‌مندی از محصولات یا خدمات». بنابراین اگر ما بخواهیم کارآمدی یک برنامه یا مداخله‌ای را ارزیابی کنیم، باید نتایج حاصل از اجرای برنامه را در سه افق کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فوق‌الذکر بررسی نماییم. با این

د

اگر قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار به سرعت اصلاح نشود، مادر چندسال آینده آثاری از نهادهای حرفه‌ای خدمات قضایی مانند قانون کارشناسان رسمی دادگستری، قانون وکلا، قانون سردفتران و دفتریاران نخواهیم داشت

اصول مدل منطقی، تفاوت جهت در برنامه‌ریزی و ارزیابی : FOREWAED & BACKWARD



این که بتوانند به سرعت اقدامی را انجام دهند و اعلام کنند که کار مثبتی را انجام داده‌اند، این موارد هم می‌تواند به این مسئله دامن بزند و موضوع را گسترده‌تر کند. اما در مجموع، با توجه به توضیحاتی که ذکر شد و با نگاهی که داریم، با توجه به چهارچوبی که اکنون در ورودی‌های این موضوع در مجموعه نظام کارشناسی است و این هم محدود به کانون استان تهران نیست و کل کشور را شامل می‌شود، اما کانون استان تهران به لحاظ این که جاذبه‌های بیشتری داشته و در پایتخت واقع شده است، یکی از برترین کانون‌ها است، بنابراین استقبال از عضویت در کانون تهران بیشتر بوده است.

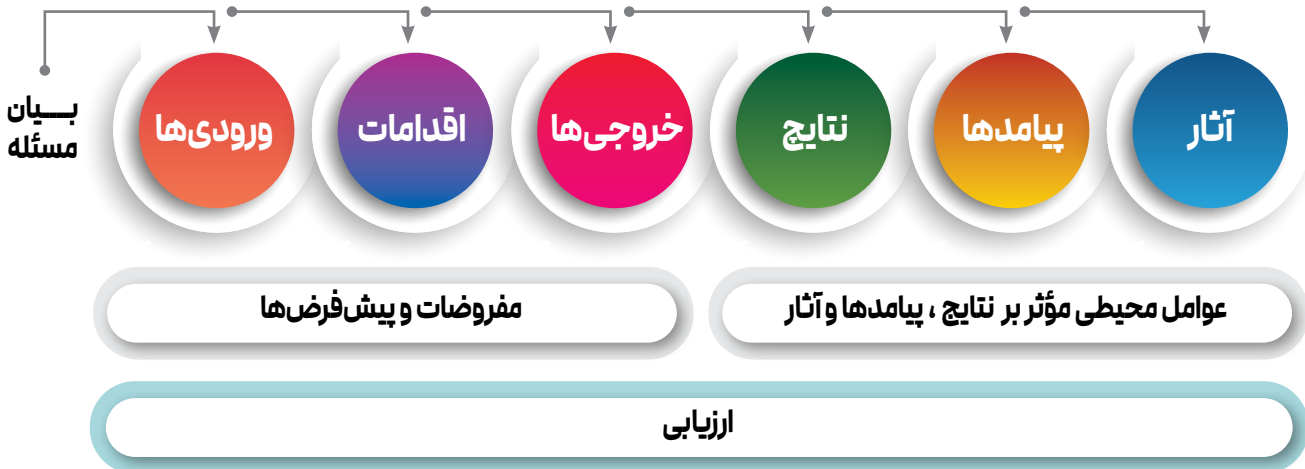
■ درباره تبعات ورود بی‌رویه کارشناسان به کانون‌های کارشناسی توضیح دهید. این موضوع باعث بروز چه مسائلی در کانون‌ها و به طور کلی در نظام قضایی می‌شود؟ باید تأکید کنم که جذب و ورود بی‌رویه، نامحدود و با مبنای ناصحیح کارشناسان، موجب می‌شود که کارشناسان رسمی دادگستری کم‌سواد و بی‌تجربه با جمعیت و کثرت بسیار بالا وارد حوزه کارشناسی شوند. وقتی این کارشناسان وارد کارشناسی می‌شوند و اقدام به فعالیت کارشناسی می‌کنند، خدماتی که ارائه

می‌دهند، انجام امور کارشناسی در دو حوزه قضایی و غیرقضایی است. به طور قطع، کاری که آقایان انجام می‌دهند، چون کارشناسانی که در کانون کارهای مهمی را انجام می‌دهند، حداقل ۳۰ سال سابقه کار کارشناسی دارند و متوسط عمرشان بالای ۵۰ سال است. بنابراین یک کارشناس که به تازگی فارغ التحصیل شده و فقط چند سال تجربه کار اجرایی و شاید نامربوط دارد، به طور قطع در بدو ورود، کارهای کارشناسی با اشکال و نواقص فراوان و کیفیت پایین ارائه خواهد داد. خروجی این اقدامات این است که گزارش‌های کارشناسی نامطلوب، پر از اشکال و با کیفیت نازل خواهد بود. گزارش کارشناس در سیستم و نظام قضایی، مبنای صدور حکم است. بنابراین بر مبنای گزارش کارشناسی ضعیف، احکام قضایی ناعادلانه و ضعیف، و با کیفیت نامناسب صادر می‌شود. چون قاضی بر حوزه‌های مختلف فنی و تخصصی احاطه ندارد و این کارشناس است که موضوع را برای قاضی شفاف می‌کند و براساس شفافیتی که کارشناس ایجاد می‌کند، انشای حکم براساس نظریه کارشناسی انجام می‌شود. در حوزه غیرقضایی هم، مناسبات، تعاملات و معاملات اقتصادی که بین اشخاص حقیقی و حقوقی به‌ویژه در صنایع و صنایع بزرگ اتفاق

یک کارشناس که به تازگی فارغ التحصیل شده و فقط چند سال تجربه کار اجرایی دارد، در بدو ورود، خدمات کارشناسی را با اشکال و نواقص فراوان و کیفیت پایین ارائه خواهد داد. در نتیجه، گزارش‌های کارشناسی نامطلوب، پراشکال و با کیفیت نازل خواهد بود

چارچوب کلی نمایش مدل منطقی

عنوان برنامه: ارزیابی نتایج اجرای قانون تسهیل صدور مجوز کسب و کار در کانون کارشناسان رسمی دادگستری



هم افت پیدا می‌کنند. بنابراین از پیامدهای میان‌مدت این موضوع، تضييع حق مردم است. حق الناس ضایع می‌شود، حقوق عموم مردم به مخاطره می‌افتد. اعتماد عمومی مردم به نظام قضایی کاهش پیدا می‌کند و مردم به این نتیجه می‌رسند که نمی‌توانند از این سیستم قضایی حق‌شان را بگیرند. وقتی این اعتماد سلب می‌شود، در واقع نظام قضایی صدمات بسیار بزرگی می‌خورد و حاکمیت و حکمرانی در کشور به مخاطره می‌افتد. همچنین اعتماد به نهادهای کارشناسی کاهش می‌یابد و مراجعات به نهادهای کارشناسی کمتر می‌شود. مهمترین مسئله‌ای که شاید در این امر، جنبه شخصی داشته باشد، بی‌اعتبار شدن پروانه کارشناسی رسمی دادگستری است. با کاهش اعتبار پروانه کارشناسی، جایگاه کانون‌های کارشناسان رسمی در جامعه تنزل می‌یابد و تضعیف می‌شود و مردم، کارشناسان را افراد کم‌سواد، بی‌تجربه و دارای تفکر زدوبندی تلقی می‌کنند و درکل، مسائلی از این قبیل به وجود می‌آید. با مخدوش شدن هرچه بیشتر جایگاه کارشناس در افکار عمومی، وضعیت کارشناسی در جامعه وخیم‌تر خواهد شد. آثار بلندمدت نیز این است که وقتی بی‌عدالتی

می‌افتد، اختلالاتی به وجود می‌آید و به یقین بی‌عدالتی در آن بروز خواهد کرد. یکی از نتایج کوتاه‌مدتی که بر اثر این خروجی‌ها به وجود می‌آید، کاهش رضایت عمومی اقشار مختلف مردم در جامعه است که با آنها سروکار داریم. به طور نمونه، نهاد بورس متضرر می‌شود و وقتی بورس متضرر می‌شود، به این معنی است که بین ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر از مردم متضرر می‌شوند. اعتراضات علیه کارشناسان زیاد می‌شود. شکایت، هم از طرف قضات به لحاظ کیفیت کار کارشناسی و هم از طرف وکلای طرفین دعوی، از کارشناسان زیاد می‌شود. تعداد پرونده‌های دادرسی انتظامی افزایش می‌یابد. معضلات اجرایی را در کانون‌ها به وجود می‌آورد. آموزش، ارتقای دانش و مهارت، بررسی مشکلات کار آنها، رساندن اجماع در این حوزه‌های کارشناسی، رسیدگی به شکایات و... معضلات اجرایی فراوانی را برای کانون‌های کارشناسی دارد. نکته بعدی این است که این کارشناسانی که به صورت انبوه وارد این حوزه می‌شوند، به مرور زمان، مناصب مدیریتی کانون‌ها را هم بر عهده می‌گیرند. یعنی یکسری افراد کم‌تجربه با دانش پایین، وارد کانون می‌شوند و بر کرسی‌های مدیریتی کانون‌ها می‌نشینند و قاعدتاً کانون‌ها

د

جذب و ورود بی‌رویه، نامحدود بامبنای ناصحیح، موجب می‌شود که کارشناسان رسمی دادگستری کم‌سواد و بی‌تجربه با جمعیت و کثرت بسیار بالا وارد حوزه کارشناسی شوند



در آیین نامه
اجرائی این
قانون، امکان
مصاحبه و اختبار
را از ما گرفته اند
و تنها ابزاری که
کانون کارشناسان
رسمی استان‌ها
دارند، برگزاری
دوره کارآموزی
است

۵۰۰ نفر در طول سه سال وارد کانون شده‌اند. در حالی که طی ۷۰ سال تعداد کارشناسان تنها به سه هزار و ۶۰۰ نفر رسیده است. فرمایشات شما بسیار کلان‌نگر بود و کل سیستم قضایی و حقوقی و چه بسا نظام حکمرانی را مورد تحلیل و بررسی قرار دادید. اگر بخواهیم شرایط خود کانون کارشناسان را در نظر بگیریم، برای این که آسیب‌ها و خساراتی که این هشت هزار و ۵۰۰ نفر به بار می‌آورد کمتر شود، شما و هیئت مدیره استان تهران چه تمهیداتی را در نظر گرفته‌اید؟ امکانات و ضوابط موجود، چقدر دست ما را باز می‌گذارد که بتوانیم آثار خرابی این سیل ورودی کارشناسان را کاهش دهیم؟ به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. در حال حاضر این سیل راه افتاده و تخریب خود را هم انجام می‌دهد. با چهارچوبی که در قانون برای این منظور معین شده است، ما محدودیتی برای تعداد کارشناسان نداریم و نمی‌توانیم تعداد آنها را محدود کنیم. در آیین‌نامه اجرایی این قانون، الزاماتی که برای قوه قضاییه تکلیف شده، این است که امکان مصاحبه و اختبار را از ما گرفته‌اند و امکان مصاحبه و اختبار را نداریم. تنها ابزاری که هیئت مدیره کانون کارشناسان رسمی استان‌ها و ما در کانون تهران در اختیار داریم، برگزاری دوره کارآموزی است. طبق مصوبه‌ای که ابلاغ شده، ما ۱۲۰ ساعت آموزش تئوری برگزار می‌کنیم. حداقل یک دوره یک‌ساله کارآموزی برگزار می‌کنیم. از این ۱۲۰ ساعت آموزش کارآموزی، ۱۰۰ ساعت مربوط به آموزش عمومی است و ۲۰ ساعت از آن شامل آموزش تخصصی است.

ما به جدیت مسئولیت قسمت آموزش را برعهده گرفته‌ایم و در این زمینه کوتاهی نمی‌کنیم. شرط ورود و صدور پروانه کارشناسی، موفقیت در آزمون‌های این دوره‌ها به صورت موردی و جزئی و موفقیت در آزمون کلی و جامع انتهایی این دوره است که بعد از سپری کردن دوره کارآموزی برگزار می‌شود. بنابراین اگر یک کارآموز در آزمون جامع ما موفق نشود و پذیرفته نشود، پروانه کارشناسی به او ارائه نخواهیم کرد. این تنها ابزاری است که فعلاً در اختیار ما است تا بتوانیم فرآیند ورود کارشناسان را به کانون کنترل و از ورود کارشناسان دارای دانش، تجربه و مهارت ناکافی به کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری جلوگیری کنیم.

افزایش می‌یابد، فساد گسترش پیدا می‌کند. یعنی فساد سیستمی در نهادها و دستگاه‌های اجتماعی، اقتصادی و اجرایی افزایش می‌یابد. امنیت اقتصادی و اجتماعی به خطر می‌افتد، جرم‌خیزی و جرم‌ستیزی در سیستم قضایی ناعادلانه منجر به کاهش امنیت اجتماعی و جانی و مالی مردم می‌شود. سرمایه‌های انسانی، کاهش و فرار مغزها افزایش پیدا می‌کند. کارشناسان خوب ترجیح می‌دهند به حرفه کارشناسی نپردازند یا مهاجرت کنند. فارغ‌التحصیلانی که قبل از وضع و اجرای قانون تسهیل فقط بیکار بودند، تبدیل می‌شوند به فارغ‌التحصیلان بیکار دارای پروانه بی‌ارزش. این معضل بزرگی است که نتیجه این قانون است و عدم تحقق اهداف توسعه عدالت اجتماعی، قضایی و اقتصادی را به دنبال دارد و ابعاد مختلف زندگی مردم را به مخاطره و آسیب می‌رساند. بنابراین اگر ما یک جمع‌بندی داشته باشیم، این ورودی، آن آثار را در پی خواهد داشت. پس اگر بخواهیم آن آثار به وجود نیاید، باید با رویکرد غایت‌نگر برگردیم و گام به گام طبق مدل معرفی شده اصلاحیه‌های لازم را اعمال کنیم. یعنی اگر انتظار ما این است که کارشناسان بتوانند کمک کنند تا بیکاران در این طرح صاحب شغل پایدار و آبرومندانه باشند و بتوانند خدمات ارائه کنند و دانش و توانایی خود را توسعه دهند، باید برگردیم و گام به گام اصلاح کنیم. قدر مسلم، یکی از اصلاحاتی که به شدت لازم و اهمیت و ضرورت آن بسیار زیاد است، اصلاح قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار است که این قانون اگر به سرعت و به ضرورت اصلاح نشود، ما در چند سال آینده آثار وجودی قابل ملاحظه‌ای از عملکرد نهادهای اجتماعی خدمات قضایی و رسمی مانند کانون وکلا، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، کانون سردفتران و دفتریاران نخواهیم داشت. ما برای این منظور برگزاری همایشی را در دستور کار داریم که در این همایش به صورت مفصل‌تر درباره مباحث موردنظر بحث خواهیم کرد.

■ فرض کنیم که امروز این قانون لغو شود. در کانون کارشناسان رسمی استان تهران سه سال آزمون برگزار شده و سال اول دو هزار و ۵۰۰ نفر، سال دوم سه هزار نفر، و سال سوم سه هزار و ۵۰۰ نفر، یعنی در مجموع هشت هزار و



پیشنهاد رییس شعبه دوم دادگاه کانون کارشناسان رسمی دادگستری
برای اصلاح قانون تسهیل:

تفکیک «حرف حاکمیتی» از «کسب‌وکارهای اقتصادی» الزامی است

رییس شعبه دوم دادگاه کانون کارشناسان رسمی دادگستری، ضمن تشریح چرایی تصویب قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» به بیان آثار منفی اجرای این قانون در سیستم قضایی پرداخت و در ادامه، پنج راهکار پیشنهادی مهم برای اصلاح این قانون مطرح کرد. احمد قاسمی، در گفت‌وگو با نشریه کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، یکی از مهمترین تبعات اجرای این قانون را تضعیف اعتماد قاضی به نظر کارشناس می‌داند و معتقد است: «در چنین شرایطی، نقش کارشناسی از «بازوی فنی دادگاه» به «نظر قابل تردید» تنزل می‌یابد که همین مسئله، کارآمدی کل سیستم را مخدوش می‌کند.» به گفته این مقام قضایی، «کارشناسی، ابزار تحقق حقیقت قضایی و بازوی فنی قاضی و تضمین‌کننده تصمیم صحیح دادگاه است، نه یک فعالیت اقتصادی آزاد. بنابراین، اشتغال‌زایی هدف ذاتی این حرفه نیست، بلکه صرفاً اثر تبعی آن محسوب می‌شود.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

بلکه تحقق «عدالت قضایی» است. به بیان دیگر، کارشناسی ابزار تحقق حقیقت قضایی و بازوی فنی قاضی و تضمین‌کننده تصمیم صحیح دادگاه است، نه یک فعالیت اقتصادی آزاد. بنابراین باید تأکید کنم که اشتغال‌زایی هدف ذاتی این حرفه نیست، بلکه صرفاً اثر تبعی آن محسوب می‌شود. در واقع، اشتغال‌زایی در حرفه حقوقی و کارشناسی، «مشروط» است، نه مطلق؛ بنابراین اگر منظور از اشتغال‌زایی، جذب افراد واجد صلاحیت واقعی براساس نیاز واقعی نظام قضایی همراه با نظارت موثر و مسئولیت انتظامی باشد، این نگاه موجه و معتبر است. اما اگر اشتغال‌زایی به معنای افزایش عددی پذیرفته‌شدگان بدون تناسب با نیاز و بدون تضمین کیفیت باشد، این نگاه فاقد اعتبار حرفه‌ای و ناقض حقوق عمومی است. همچنین «درآمدمحوری» خطرناک‌ترین انحراف در حرفه کارشناسی است. تبدیل کارشناسی به «منبع درآمد» به جای «مسئولیت حرفه‌ای» تبعات مخربی از قبیل تجاری شدن نظر کارشناسی؛ افزایش تعارض منافع؛ و نیز مخدوش شدن اعتماد قضایی می‌شود؛ امری که به طور مستقیم با فلسفه این حرفه در تعارض است.

لطفاً به تبعات و آثار اجرای این قانون در سیستم قضایی اشاره کنید.

مورد اول، تضعیف کارکرد کیفی کارشناسی در فرآیند

آقای دکتر قاسمی لطفاً بفرمایید به نظر شما چه مواردی موجب پیدایش و تصویب قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» و لحاظ کردن حرفه‌های حقوقی در این قانون شده است؟

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار به دلایل متعددی تصویب شد. از جمله این دلایل، می‌توان به مواردی همچون: پاسخ فوری به بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان (به‌ویژه فارغ‌التحصیلان رشته حقوق)؛ کاهش مداخلات دستگاه‌ها در صدور مجوز؛ همسویی با سیاست‌های کلان اشتغال و تولید؛ کاهش نارضایتی اجتماعی از دشواری ورود به مشاغل؛ غلبه رویکرد اقتصادی بر ملاحظات حقوق عمومی؛ تلقی آزمون و ظرفیت به عنوان مانع، نه ابزار صلاحیت‌سنجی؛ فقدان تفکیک میان حرفه حاکمیتی و فعالیت اقتصادی؛ تضعیف نقش نهادهای تخصصی در فرآیند تفتین؛ و همچنین سادگی‌سازی مفاهیم پیچیده مانند «انحصار» و «تنظیم‌گری» اشاره کرد.

نگاه اشتغال‌زایی و درآمدی به حرفه‌های حقوقی کارشناسی و وکالت را تا چه اندازه موجه و معتبر می‌دانید؟
متأسفانه در مواردی نگاه صرفاً اشتغال‌زایانه و درآمدمحور به حرفه کارشناسی رسمی، نگاهی ناقص و در تعارض با ماهیت این حرفه است؛ چرا که فلسفه وجودی حرفه کارشناسی «اشتغال» نیست،

د

نگاه صرفاً
اشتغال‌زایانه و
درآمدمحور به
حرفه کارشناسی
رسمی، نگاهی
ناقص و در تعارض
با ماهیت این
حرفه است؛ چرا
که فلسفه وجودی
حرفه کارشناسی
«اشتغال» نیست،
بلکه تحقق
«عدالت قضایی»
است



می‌شود. امری که با فلسفه حرفه کارشناسی در تعارض بنیادین است.

■ برای اصلاح این قانون چه پیشنهادهایی دارید؟

پیشنهاد اول من، تفکیک صریح «حرف حاکمیتی» از «کسب و کارهای اقتصادی» است. در این راستا باید ضابطه‌ای روشن پیش‌بینی شود، مبنی بر خروج حرفه کارشناسی رسمی از منطق صرف بازار؛ شناسایی کانون کارشناسان و مرکز مشاوران قوه قضاییه به عنوان نهاد تعیین‌کننده حقوق عمومی؛ نه مشاغل اقتصادی آزاد.

پیشنهاد دوم، جایگزینی «حذف ظرفیت» با «ظرفیت‌گذاری هوشمند مبتنی بر نیاز قضایی» است. در واقع، تعیین ظرفیت باید براساس آمار ورودی پرونده‌ها؛ نیاز واقعی محاکم؛ توزیع جغرافیایی؛ و بازنگری سالانه ظرفیت با داده‌های عینی قوه قضاییه انجام شود.

پیشنهاد سوم، تقویت و الزام‌آور کردن مرحله کارآموزی و ارزیابی عملی است. بر این اساس، باید به این موارد توجه شود: افزایش وزن صلاحیت عملی و اخلاق حرفه‌ای نسبت به آزمون نظری؛ ارزیابی‌های چندمرحله‌ای پیش از صدور پروانه دائم؛ امکان توقف یا تمدید کارآموزی در صورت احراز ضعف حرفه‌ای.

پیشنهاد چهارم، تفکیک «تسهیل فرآیند» از «تسهیل ورود» است. یعنی تسهیل در شفافیت مقررات؛ زمان‌بندی آزمون‌ها، و حذف تشریفات زائد. همچنین عدم تسهیل در معیارهای صلاحیت، نظارت حرفه‌ای، و مسئولیت انتظامی باید مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهاد پنجم، مشارکت کانون کارشناسان و مرکز مشاوران و مراجع قضایی به عنوان نهادهای حرفه‌ای در بازنگری قانون و «بازگشت به قانون‌گذاری مبتنی بر تخصص» است.

دادرسی است. به این ترتیب که با افزایش کمی ورودی‌ها، بدون تقویت متناسب، بدون آموزش حرفه‌ای، بدون کارآموزی موثر و همچنین بدون پلایش صلاحیت عملی؛ شاهد خواهیم بود که دادگاه‌ها با نظرات ناپخته، متعارض و بعضاً غیرمتمن مواجه می‌شوند؛ امری که به طور مستقیم کیفیت رسیدگی را کاهش می‌دهد.

مورد دوم این است که اجرای این قانون به جای کاهش اطلاع دادرسی، منجر به افزایش آن می‌شود. برخلاف تصور اولیه، پیامد عملی در محاکم منجر به افزایش اعتراضات به نظریه‌های کارشناسی؛ ارجاع‌های مکرر به هیئت‌های کارشناسی؛ تجدید کارشناسی‌های پی‌درپی و در نتیجه، طولانی‌تر شدن فرآیند رسیدگی می‌شود.

از دیگر تبعات اجرای قانون تسهیل، فشار مضاعف بر دستگاه قضایی و مراجع انتظامی است. به عبارتی، افزایش تعداد فعالان حرفه‌ای بدون ایجاد زیرساخت نظارتی متناظر، منجر به بروز مسائلی از قبیل افزایش شکایات انتظامی؛ گسترش تخلفات ناشی از ناآشنایی حرفه‌ای؛ و تراکم پرونده در دادسراهای انتظامی خواهد شد.

یکی دیگر از مهمترین تبعات آن، تضعیف اعتماد قاضی به نظر کارشناس است. این در حالی است که در نظام قضایی، اعتبار نظر کارشناسان مبتنی بر اعتماد حرفه‌ای است. در واقع، کاهش میانگین کیفیت باعث می‌شود تا قاضی با احتیاط مضاعف به نظر کارشناس بنگرد. در چنین شرایطی، نقش کارشناسی از «بازوی فنی دادگاه» به «نظر قابل تردید» تنزل می‌یابد که همین مسئله، کارآمدی کل سیستم را مخدوش می‌کند. همچنین تأثیر مخرب بعدی، تغییر تدریجی ماهیت حرفه‌ها از «مسئولیت‌محور» به «درآمدمحور» است. این امر به طور ناخواسته منجر به بروز رقابت ناسالم؛ نرخ‌شکنی حرفه‌ای و تجاری‌شدن خدمات قضایی



قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به دلایل متعددی تصویب شد. از جمله این دلایل، می‌توان به پاسخ فوری به بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان (به ویژه فارغ‌التحصیلان رشته حقوق) اشاره کرد

واکنش رییس کانون وکلای دادگستری مرکز به اجرای قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»:

تخصص، حلقه مفقوده حرفه وکالت جایگاه کانون وکلا در خطر است

رییس کانون وکلای دادگستری مرکز، با اشاره به تبعات مخرب تصویب قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» بر نهادهای مدنی از جمله کانون وکلا، کانون کارشناسان و کانون سردفتران، این قانون را از مضرترین قوانین برای تخریب جایگاه این نهادهای مدنی برشمرد و گفت که تداوم اجرای این قانون منجر به تضعیف کیفیت خدمات ارائه شده از سوی این نهادها خواهد شد. محمد شاه محمدی، همچنین با تأکید بر اینکه اجرای این قانون موجب شده تا سطح دانش و علم دانش آموختگان رشته حقوق به طور فاحشی کاهش یابد، یادآور شد که این قانون به طرز ناعادلانه ای فاصله بین «وکلاهای ماهر و متخصص» و «وکلاهای غیرحرفه‌ای» را کاهش داده و آنها را در سطح یکسانی قرار داده است. وی با انتقاد از مداخله غیرکارشناسی مجلس در تصویب قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»، خواستار چاره‌جویی از سوی مجلس و حاکمیت برای رفع معضلات ناشی از اجرای این قانون تصویب شد و تأکید کرد که در صورت غفلت از این مهم، به زودی خسارات جبران ناپذیری بر پیکره کانون وکلا و جایگاه وکالت وارد خواهد شد. مشروح این گفت‌وگو در پی می‌آید:

■ پیش از تصویب قانون تسهیل، چه حداقل‌هایی برای قبولی متقاضیان در آزمون مورد نیاز بود؟
پیش از آن، برای قبولی در این آزمون حداقل‌هایی لازم بود. به طور نمونه، طبق قانون کیفیت، سه نفر ظرفیت جذب کارآموز وکالت را تعیین می‌کردند که شامل رییس کل دادگستری استان، رییس دادگاه انقلاب و رییس کانون بودند. یعنی اکثریت با قوه قضاییه بود. یعنی اگر نیازسنجی می‌کردند و تشخیص می‌دادند که فرضاً برای کارآموزی وکالت، صد هزار نفر نیاز است، تصویب و جذب می‌کردند؛ چون قوه قضاییه از بدنه کارشناسی خود استفاده می‌کرد و از روی احساس در این باره تصمیم نمی‌گرفت. یعنی صرفاً با هدف اشتغال‌زایی برای فارغ‌التحصیلان بیکار، به ساختار استخوان‌دار یک مجموعه با قریب به یک قرن قدمت، آسیب نمی‌زد. در واقع قوه قضاییه به طور منطقی بررسی می‌کرد تا با توجه به تعداد پرونده‌ها و شرایط موجود، کارآموزان وکالت را در هر استانی جذب کند. به این ترتیب آزمون برگزار می‌شد و افراد حائز بالاترین امتیازها انتخاب می‌شدند و شروع به کارآموزی می‌کردند و بقیه در آزمون پذیرفته نمی‌شدند. اما متأسفانه برخی از این افراد به واسطه ارتباطات خاص، به نمایندگان مجلس فشار آوردند تا بتوانند ظرفیت‌ها را افزایش دهند؛ تا جایی که در نهایت مجلس به این موضوع ورود کرد.

■ با گذشت دو سال از اجرای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، به پیامدهای آن اشاره کنید. تداوم اجرای این قانون در آینده چه تبعاتی را به

■ آقای دکتر شاه محمدی لطفاً بفرمایید به نظر شما چه عواملی باعث تصویب قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» شد؟
از بین قوانین مضر برای نهادهای مدنی، قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» در بین کانون کارشناسان، کانون سردفتران و کانون وکلا مشترک است. در این بین در کانون وکلا هم با وجود اینکه همچنان معتقدیم این قانون اشتباه است، اما از روی ناچاری و پایبندی به قانون، آن را اجرایی می‌کنیم، اما بر این باوریم که این قانون، به نفع مردم نیست. در خصوص دلایل تصویب قانون تسهیل، باید عوامل را به دو دسته عوامل داخلی و عوامل بیرونی تقسیم کنیم. اصلی‌ترین عامل بیرونی این است که در سال‌های گذشته بیشتر واحدهای دانشگاهی اعم از آزاد، دولتی، غیرانتفاعی و... حتی در شهرهای دورافتاده با کمترین امکانات برای تأمین بودجه خودشان و بدون بررسی کارشناسی، تعداد پذیرش دانشجویان رشته‌های حقوق را افزایش دادند. با افزایش ورودی دانشجویان، کیفیت آموزش دانشگاه‌ها افت کرد. وقتی این دانشجویان با مدرک تحصیلی حقوق وارد جامعه شدند، انتظارشان از سطح حرفه و شغل‌شان بالا رفت و متقاضی کار متناسب با رشته تحصیلی خود شدند. این در حالی بود که زمینه اشتغال برای آنها فراهم نبود. حتی فرهنگ‌سازی نکرده بودند که این فارغ‌التحصیلان رشته حقوق، در حوزه بخش خصوصی مشغول به کار شوند. بنابراین همه این افراد در آزمون وکالت شرکت کردند و اکثریت آنها با نمره پایین پذیرفته شدند.



در سال‌های گذشته اکثر واحدهای دانشگاهی حتی در شهرهای دورافتاده با کمترین امکانات برای تأمین بودجه خودشان و بدون بررسی کارشناسی، تعداد پذیرش دانشجویان رشته‌های حقوق را افزایش دادند



همراه خواهد داشت؟

باید مقایسه کنیم و ببینیم که دو سال پیش از تصویب قانون تسهیل، یعنی در سال ۹۹، تعداد پرونده‌هایی که در قوه قضاییه وجود داشته، با تعداد پرونده‌هایی که امروز تشکیل می‌شود، چه تفاوتی کرده است. در واقع، وقتی تعداد پذیرش افراد را چهار تا پنج برابر افزایش می‌دهند، آیا نباید زمینه اشتغال آنها هم چند برابر شود؟ متأسفانه آنها تعداد پذیرش را بالا بردند و شعار می‌دادند که کانون‌های وکلا، کانون‌های کارشناسان و کانون سردفتران، انحصارگرا هستند. بیشتر قضات دلسوز بودند و متوجه بودند که اگر این قانون تصویب شود، قوه قضاییه متضرر می‌شود و سازمان قضایی کشور آسیب می‌بیند. لذا نقطه نظرات کارشناسی را مطرح کردند، اما هیچگاه درصداوسیمای ملی فرصتی برای انتقال این نظرات پیدا نشد.

بحث این بود که اگر تعداد وکلا را افزایش دهید، باعث می‌شود که عرضه و تقاضا به هم بخورد و قیمت ارائه خدمات کاهش یابد. اما هیچگاه به این نگاه نکردند که برای مردم کیفیت مهم است. در واقع کسی که ۱۲ درصد از ارزش دعوای خود را برای هزینه دادرسی می‌پردازد، لایق این است که خدمات با کیفیتی را دریافت کند. منصفانه نیست کسی که دانش، صلاحیت و مهارت کافی ندارد، اجازه داشته باشد که با حقوق مردم، تمرین و کارآموزی کند. اما متأسفانه این اتفاق افتاد و با وضع این قانون، ما در این مسیر اشتباه قرار گرفتیم.

■ **با توجه به افزایش ورودی‌ها، آیا تغییری در اشتغال‌زایی برای این افراد هم ایجاد شده است؟**

طبق آخرین آمار، تعداد پرونده‌هایی که در سال ۱۴۰۳ داشتیم، نسبت به ۱۴۰۰ کمتر شده است. این روند طبیعی است، چون اقتصاد مارشده نکرده است. نمایندگان حوزه اقتصادی مجلس که در کمیسیون اقتصادی و کمیسیون جهش تولید مسئولیت دارند، برای رشد اقتصاد کشور چه اقدامی انجام داده‌اند؟ تولید ناخالص داخلی کشور (GDP) افزایش پیدا نکرده و به تبع آن، میزان اشتغال هم تغییری نکرده است. اما از آن طرف، ورودی وکالت را به طور میانگین حدود سه یا چهار برابر افزایش داده‌اند؛ بدون اینکه برای این افراد شغل ایجاد کنند. به طور نمونه، در تهران قبل از تصویب قانون تسهیل، حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر پذیرش داشتیم و تعیین شهر می‌کردیم، اما امسال حدود ۲ هزار و ۵۰۰ نفر برای استان تهران پذیرفته شده‌اند. در حالی که برای این ظرفیت، که به حدود ۶ برابر افزایش یافته، اشتغال ایجاد نشده است.

در واقع، افراد مدعی اقتصاد که در حوزه‌های اقتصاد دولتی ورود داشتند، به بهانه اشتغال‌زایی مجوزها را افزایش دادند و گفتند که اینها انحصارگر هستند؛ در حالی که مادر سطح کشور ۲۹ کانون داریم. یعنی ۲۹ مرجع مستقل با اختیارات قانونی که از نظر حدود اختیارات همه مستقل هستند و به آنها برچسب انحصارگر می‌زنند. یعنی حتی مفهوم انحصار را به خوبی جا نینداخته‌اند و شاید عمداً به نحوی مطرح کرده‌اند که این هم برای سرکوب اعتراض معترضانی بودند که می‌گفتند به نظرات کارشناسی توجه کنید.

د

قبل از این که قانون تسهیل تصویب شود، پذیرفته‌شدگان باید حداقل نمره یعنی ۱۰ را کسب می‌کردند. امروز با نمره ۳ یا ۴ افراد را جذب می‌کنیم. به طور نمونه امسال فردی با معدل ۳٫۲ را پذیرفتیم و سال قبل حتی از این نمره هم کمتر بود!

د

مسئولان و نمایندگان مجلس در حوزه‌های وکالت، کارشناسی و سردفتری، حداقل مداخله را داشته باشند. اگر قرار است تصمیمی بگیرند، ابتدا با قوه قضاییه، مشورت و نظرات کارشناسی آنها را اخذ کنند

■ در حال حاضر شرایط پذیرش افراد در آزمون به چه صورت است و نمره حد نصاب چیست؟

پیش از آن که قانون تسهیل تصویب شود، پذیرفته‌شدگان باید حداقل نمره یعنی ۱۰ را کسب می‌کردند. حتی اگر نسبت به این موضوع اعتراض می‌کردند، دادگاه عالی انسانی قضات، با این استدلال که خدمات وکالتی و حقوقی وکلا باید از کیفیت لازم برخوردار باشد، تأکید می‌کرد کسی می‌تواند این خدمات را ارائه دهد که از حداقل استانداردهای علمی و آموزشی برخوردار باشد.

به بیان دیگر، در حالی که قبلاً حداقل نمره برای پذیرفته‌شدگان ۱۰ بود، امروز با نمره ۳ یا ۴ این افراد را جذب می‌کنیم! به طور نمونه، امسال فردی با معدل ۳/۲ را پذیرفتیم و سال قبل حتی کمتر از این نمره هم مورد قبول بود! در حالی که این افراد حتی حداقل‌ها را هم نمی‌دانند و وارد کارآموزی می‌شوند و کانون وکلا با هزینه خود به این افراد آموزش می‌دهند. درواقع، این نقص کار سیستم آموزش عالی را کانون وکلا متقبل می‌شود. به قدری به کانون‌ها فشار آوردند که آزمون مرحله اول را حذف کردند. در حالی که برگزاری این آزمون باعث می‌شد تا افرادی که وارد می‌شدند، اگر نیاز به آموزش بیشتر داشتند، این آموزش را در آن دوره می‌دیدند و می‌توانستند سطح علمی خود را افزایش دهند.

■ چطور شد که این اتفاق افتاد؟ یعنی ما از آن سطح بالای علمی که پذیرفته‌شدگان باید برخوردار بودند، به این سطح حداقلی کنونی رسیدیم؟

متأسفانه نمایندگان مجلس، به‌ویژه نمایندگان حوزه اقتصادی، از طریق کمیسیون جهش تولید، ورود کردند و با ظاهر دلسوزانه و شعارهای عوام‌پسند، وعده ایجاد اشتغال برای لیسانسه‌های بیکاری را دادند که خودشان بدون برنامه‌ریزی و بدون ارائه آموزش کافی، مدرک لیسانس به آنها داده بودند. این افراد هیچ‌گاه به ما جواب نداده‌اند و امروز هم جوابگو نیستند. کسانی که باید پاسخگوی وضعیت اقتصادی جامعه و مشکلات مردم باشند و برای اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی برنامه‌ریزی کنند، با برگزاری یک آزمون و ارائه مدرک کارآموزی غیراستاندارد، این افراد را به کارآموزان وکالت بیکاری تبدیل کردند که توقع آنها و خانواده‌هایشان از شغل و درآمدشان بالا رفت. در حالی که متأسفانه این امر هم انجام نشد، چون زیرساختی برای آن فراهم نکرده بودند.

علیرغم این که مجلس در این حوزه بسیار دخالت کرد، اما حتی یک ریال بودجه برای این منظور تخصیص نداد و به جز اینکه از کانون‌های وکلا خدمات معاضدتی و تسخیری رایگان برای مردم می‌گیرند، هیچ کمکی به این نهادها نمی‌کنند. آنها حتی راضی نشدند که ما از محل کمک‌ها و

هدایای همکاران خودمان، آنها را آموزش دهیم. حتی سختگیری می‌کردند که باید اختبار را هم حذف کنیم. حالا شما تصور کنید که با این سیستم آموزشی و با این معدل ورودی، این افراد می‌خواهند در چه سطحی خدمات ارائه کنند.

■ این موضوع چه آسیب‌هایی به دنبال داشته است؟

متأسفانه دغدغه آنها دغدغه واقعی مردم نبود. در حالی که در کوتاه‌مدت کانون وکلا، کانون کارشناسان و کانون سردفتران آسیب می‌بینند؛ اما آسیبی که در میان‌مدت به قوه قضاییه و حاکمیت وارد می‌شود، بسیار بیشتر از آسیبی است که به نهادهای مدنی وارد می‌شود. فرصت برای جبران اندک است و باید زودتر اقدامات عملی و اجرایی انجام دهند. چون ممکن است روزی فرابرسد که افسوس بخورند که چرا نهادهای مدنی را تقویت نکردند و با تصویب قوانین غیرکارشناسی آنها را تضعیف کردند. چون نهادهای مدنی که بعد از حدود یک قرن در بین جامعه و مردم جای خود را باز کرده‌اند، می‌توانند نقش واسطه بین حاکمیت و مردم باشند و در بحث گفت‌وگو، انتقال و حفظ حقوق حاکمیت و مردم نقش آفرین باشند اما اگر آسیب ببینند، آن فرصت هم از دست می‌رود.

کانون وکلا، کانون کارشناسان و حرفه‌مندان دلسوز، با ارائه نظرات کارشناسی تأکید می‌کردند که این تصمیمات باعث می‌شود تا سازمان قضایی و نهاد وکالت آسیب ببیند و درنهایت، متضرر اصلی، مردم و حاکمیت خواهند بود. چون مردم با این تصور که فرد دارای مجوز و پروانه وکالت یا پروانه کارشناسی، صلاحیت دارد و حاکمیت، این افراد را واجد صلاحیت تشخیص داده است، به آنها اعتماد می‌کنند. درواقع، مردم به مجلس یا کانون وکلا یا کانون کارشناسان اعتماد می‌کنند که این مجوز را به آنها داده‌اند. اما درنهایت وقتی می‌بینند کارشناسان یا وکلای موردنظر آنها دانش و صلاحیت کافی ندارند، این سوال برای آنها ایجاد می‌شود که پس چرا به این افراد مراجعه کرده‌اند و چرا باید بار اتلاف هزینه، وقت و آسیب روحی و روانی را به دوش بکشند. در بلندمدت آسیب این بی‌اعتمادی، متوجه حاکمیت و قوه قضاییه است.

■ چه راهکاری را برای حل این مسئله پیشنهاد می‌کنید تا امور به طور اصولی و بر مبنای منافع ملی پیش برود؟

اولین درخواست ما از مسئولان و نمایندگان مجلس این است که در حوزه‌های وکالت، کارشناسی و سردفتری، حداقل مداخله را داشته باشند. اگر قرار است تصمیمی بگیرند، ابتدا با قوه قضاییه که در واقع بخش حاکمیتی مرتبط با این نهادها است، مشورت و نظرات کارشناسی آنها را اخذ کنند. همچنین از نهادهای مدنی نظرخواهی کنند. چون



در کانون وکلا
با وجود اینکه
همچنان
معتقدیم این
قانون اشتباه
است، اما از روی
ناچاری و پابندی
به قانون، آن را
اجرای می‌کنیم،
اما بر این باوریم
که این قانون، به
نفع مردم نیست

وارد مسیر دیگری می‌شوند.

درواقع شعارهای نمایندگان مجلس دل‌فریب و وسوسه‌کننده است. بر اساس این قانون، شرکت‌های خصوصی هم می‌توانند به جای وکیل، از فرد دارای لیسانس حقوق که حتی نتوانسته معدل ۲/۳ را کسب کند، (چون در این صورت کارآموز وکالت می‌شد) استفاده کنند تا از حقوق شرکت‌های خصوصی دفاع کنند. در حالی که این تناقض دارد. چون این فرد دارای لیسانس حقوق اولاً دانش کافی برای دفاع را ندارد، دوماً هزینه‌ها را نیز کاهش نمی‌دهد. نمایندگانی که این قانون را تصویب کرده‌اند، یک نمونه ذکر کنند که یکی از این افراد را برای شرکت‌های خودشان معرفی کرده‌اند، یا یکی از پرونده‌های خود را به وکلایی با این سطح علمی داده‌اند. درواقع هرگز این کار را انجام نداده‌اند و انجام نخواهند داد و حتماً از بهترین وکلا برای استیفای حق خود استفاده می‌کنند.

■ تداوم پذیرش بی‌رویه وکلا چه تبعاتی را به همراه دارد؟

با تداوم این روند و پذیرش بی‌رویه، طی دو سه سال آینده برگزاری آزمون بی‌معنا است. یعنی هر فردی با هر سطح علمی در صورتی که لیسانس داشته باشد، در آزمون پذیرفته و کارآموز وکالت می‌شود. این در حالی است که امکانات کانون‌ها برای آموزش و افزایش مهارت این افراد کم است. از طرف دیگر، نهادهای قضایی برای آموزش این افراد با گرفتاری‌هایی مواجه می‌شوند، چون زیرساخت لازم را ندارند.

آنها منافع شخصی را در نظر نمی‌گیرند و بر منافع ملی و مردم تاکید دارند. اگر امنیت قراردادی و ساختار سند رسمی مازیر سوال برود، متضرر اصلی آن مردم هستند. اگر استانداردهایی از سوی این نهادهای مدنی تدوین می‌شود، صرفاً به خاطر منافع مردم و ملت است. لذا تقاضای ما این است که در زمان تصمیم‌گیری برای این نهادهای مدنی، نظر کارشناسی این مجموعه‌ها را با نگاه کارشناسی گوش کنند و اگر این نظرات درست بود، بپذیرند و به آنها عمل کنند.

■ علاوه بر قانون تسهیل، چه قوانین دیگری در حوزه وکالت وجود دارد که منجر به ایجاد چالش برای حرفه‌مندان این حوزه شده است؟

در حوزه وکالت علاوه بر قانون تسهیل، قانون دیگری به نام «قانون تامین مالی زیرساخت تولید» داریم که یک امتیازی را در قانون آیین دادرسی مدنی قائل شده بودند که البته امتیاز نیست و آسیب است؛ چرا که اجازه داده تا وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای حاکمیتی برای دفاع از حقوق‌شان به جای وکیل، از نماینده حقوقی استفاده کنند. در حالی که طبق اظهارات مسئولان عالی‌رتبه اجرایی کشور و وزرا، «بیشترین محکومیت‌ها در پرونده‌های مالی و بیشترین خسارات دولت در پرونده‌هایی بوده که نماینده حقوقی به جای وکیل دفاع کرده است.» در حالی که همان مجموعه بعد از یکی دو سال به جای نماینده حقوقی ناچار است مجدداً به یک وکیل مراجعه کند. چون با این دستمزدهایی که ارگان‌های دولتی می‌پردازند، نماینده‌های حقوقی انگیزه کافی برای ادامه فعالیت ندارند و به محض کسب تجربه،

■ برای حل این مشکل چه پیشنهادی قابل ارائه است؟

راهکار پیشنهادی این است که حداقل سطح علمی را برای این افراد در نظر بگیریم که پیشنهاد ما همان نمره ۱۰ است. در کنار آن، طبق قانون تسهیل، در تراز هم گفته شده که اگر کسی ۷۰ درصد امتیاز یک درصد برتر را داشته باشد، مورد قبول است. این ۷۰ درصد به ۸۰ تا ۸۵ درصد و درواقع به سطحی برسد که اختلاف آنقدر بالا نباشد. به عبارتی، ما امسال معدل ۱۸ به بالا را در بین پذیرفته‌شدگان داشتیم و از آن طرف معدل ۳ هم داشتیم. توجه کنید که این دامنه اختلاف بسیار زیاد است و جای تأسف است برای فردی که می‌خواهد وکیل انتخاب کند، «شانس» چقدر می‌تواند در انتخاب آنها اثرگذار باشد. پس باید این دامنه نوسان را کمتر کنیم. در مورد ایثارگران هم آن ضابطه ۶۰ درصد اضافه شود، یعنی به تناسب آن ۱۰ یا ۱۵ درصد اضافه شود.

اگر این دو معیار زودتر اصلاح شود، این امید وجود دارد که نهادهای مرتبط حداقل در حوزه کانون وکلا، بتوانند به مأموریت و وظیفه‌ای که طی حدود ۱۰۰ سال اخیر طبق قانون به آن عمل کرده‌اند، به خوبی عمل کنند؛ در غیر این صورت ممکن است به کیفیت خدمات، و به تبع آن، به جایگاه کانون وکلا و وکالت، آسیب وارد شود که جبران آن بعدها سخت و حتی غیرممکن خواهد بود.



رئیس کانون سردفتران و دفتریاران تهران تاکید کرد:

غفلت از «نیازسنجی» در قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» افت سطح علمی حرفه‌مندان، موجب تزلزل اقبال اسناد می‌شود

رئیس کانون سردفتران و دفتریاران تهران با اشاره به دلایل ظهور و بروز قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، سرمنشأ تصویب آن را رفع انحصار در خصوص برخی مشاغل می‌داند که به واسطه امضاهای طلایی و ارتباطات خاص، به انحصار برخی گروه‌های خاص درآمده بود. علی‌خندانی با تأکید بر این که ایرادی به کلیت این قانون وارد نیست، چالش اصلی آن را عدم شناسایی صحیح کسب و کارها می‌داند و معتقد است: «در حالی طبق قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، سه حوزه «کارشناسی»، «وکالت» و «سردفتری» را وارد مقوله کسب و کار کرده‌اند که اساساً این سه حوزه جزو کسب و کارها محسوب نمی‌شوند.» وی همچنین در این گفت‌وگو آسیب‌های ناشی از اجرای این قانون را به دولت، مردم و حرفه‌مندان تشریح کرده و با ارائه چند پیشنهاد، خواستار توجه به این راهکارها در اصلاحیه قانون شده است. مشروح این گفت‌وگو به شرح ذیل است:

طلایی و ارتباطات خارج از روال قانونی صادر می‌شد و لازم بود که این موارد ساماندهی شوند و فضای تسهیلگری ایجاد شود که خوشبختانه این اتفاق افتاد و نتیجه مثبتی هم داشت و مشکلی با آن نداریم. در واقع ایرادی به کلیت و ذات این قانون وارد نیست، اما بحث ما این است که اگر قرار بود اصلاحی در فضای کسب و کار اتفاق بیفتد، برای این اصلاح در ابتدا باید کسب و کار را شناسایی می‌کردند. آیا کارشناسی و وکالت، کسب و کار محسوب می‌شود؟ کسب و کار تعریف خاص خود را دارد، اما به این تعریف در قانون توجه نکردند. در واقع همه مجموعه‌هایی را که به نوعی و با هر کیفیتی، آزمون در آنها برگزار می‌شود و افراد زیادی متقاضی عضویت در آنها هستند، اما نتوانسته بودند مجوز دریافت کنند، وارد این مقوله گردند. پس اولین خطای تدوین‌کنندگان قانون تسهیل این بود که مجموعه‌هایی مانند کانون سردفتران، کانون کارشناسان و کانون وکلای که اصلاً به بحث کسب و کار مربوط نیستند، وارد مقوله کسب و کار کردند؛ این در حالی است که فضای کسب و کار الزامات خاص خودش را دارد. ما از الزامات فضای کسب و کار

■ **جناب آقای خندانی، به نظر شما چه مسائلی باعث تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار شد؟**
اکنون سه سال از اجرای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار می‌گذرد. اما اینکه چرا این قانون تصویب شد، در آن زمان فضایی در کشور حاکم بود که بعضی از مشاغل به انحصار برخی از افراد درآمده بود. یا یکسری امضاهای طلایی یا امتیازاتی وجود دارد که برخی افراد در سطح جامعه با توجه به شرایط علمی و ضوابط قانونی که دارند، محروم از گرفتن آن مجوزها هستند و لازم است پروسه‌های خارج از روال تشریفات قانونی را طی کنند که بتوانند آنها را دریافت کنند.
امروز درد مشترک ما در هر سه حوزه «کانون سردفتران»، «کانون کارشناسان» و «کانون وکلای»، تصویب و ابلاغ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار است. البته این قانون صرفاً مربوط به سه حوزه کانون سردفتران، کانون کارشناسان و کانون وکلای نیست و حوزه‌های بسیار زیادی را در کشور در بر می‌گیرد.
از طرفی، ما منکر این نیستیم که پیش از تصویب این قانون، در برخی از حوزه‌ها، مجوزهایی با امضاهای

د

اولین خطای تدوین‌کنندگان قانون تسهیل این بود که مجموعه‌هایی مانند سردفتران، کارشناسان و وکلای را که اصلاً به بحث کسب و کار مربوط نیستند، وارد مقوله اصلاح فضای کسب و کار کردند



وقتی هر فردی با هر سطح علمی وارد حرفه می‌شود، سطح خدماتی که به مردم ارائه می‌شود، تنزل می‌یابد. یعنی مردم به کسی مراجعه می‌کنند که تصور می‌کنند تخصص لازم را دارد، اما در واقع ندارد

پس از طی فرآیندهای لازم انجام می‌شود. وقتی هر فردی با هر سطح علمی وارد حرفه کارشناسی، وکالت یا سردفتری می‌شود، در نهایت سطح خدماتی که به مردم ارائه می‌شود، تنزل می‌یابد. در هر سه حوزه کارشناسی، وکلا و سردفتری، وقتی مردم می‌خواهند به یک فرد خبره و مسلط به اطلاعات حقوقی و علمی مراجعه کنند، اطلاع ندارند که آیا فرد مورد نظر واقعاً از صلاحیت علمی لازم برخوردار است، یا نیست. در واقع این افراد بر مبنای مجوزی که به آنها ارائه شده، فعالیت می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود که پایگاه اتقان اسناد در کشور متزلزل شود. به طور نمونه وقتی که فردی سردفتر می‌شود، باید آموزش لازم را طی کند، تسلط کافی به حوزه داشته باشد و تجربه لازم را کسب کند که وقتی روی کار می‌آید بتواند به خوبی به ایفای نقش بپردازد. سندی به او به عنوان سردفتر ارائه می‌شود و اگر خطایی بکند، این سند از اعتبار می‌افتد و آسیب به هر دو طرف می‌رسد؛ یا وکیل نمی‌تواند به خوبی از حق موکل خود دفاع کند و حق او در پرونده از بین می‌رود؛ یا کارشناس به عنوان فرد خبره و مسلط که قاضی از نظریه او تبعیت می‌کند، باید فرد مسلط و عالمی باشد. در صورتی که با این فرآیند و با این وضعیت علمی که احراز می‌شود و سطح آن در حال افت شدید نسبت به سطح مورد نظر است، ممکن است یک کارشناس با انجام کارشناسی غلط باعث شود تا مسیر پرونده به بیراهه برود و ضرر آن به مردم برسد. یعنی مردم به کسی مراجعه می‌کنند که تصور می‌کنند تخصص لازم را دارد، اما در واقع ندارد.

محروم هستیم و حتی در مواردی ممنوعیت داریم. به طور مثال سردفتران حق تبلیغ ندارند، در حالی که در فضای کسب و کار، هیچ کاری بدون تبلیغات معنی ندارد. همچنین مسائل متعدد دیگری در این قانون وجود دارد. به طور نمونه ما مشمول قانون تجارت هستیم و طبق آن نباید در شرکت‌های معینی، عضو هیئت مدیره باشیم یا فعالیت‌های اقتصادی شناسنامه‌دار انجام دهیم. پس اگرچه این قانون را برای تسهیل در اخذ مجوز یکسری از مشاغل، که مشکلاتی در مسیر آنها وجود داشت، تصویب کردند، اما با یک رویکرد خطا و اشتباه، سه مجموعه کارشناس، وکالت و سردفتری را نیز در فضای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار قرار دادند. در آن زمان جلسات متعددی را با کمیسیون جهش تولید که متولی این امر بود، برگزار کردیم. مجموعه‌های حقوقی شامل کارشناسان و سردفتران در این جلسات فعالانه حضور داشتند و دوستانی از نظام مهندسی نیز ما را همراهی می‌کردند. در این جلسات ما ادله خود ارائه و تأکید کردیم که این سه حوزه امور حاکمیتی انجام می‌دهند و نه کسب و کار، اما توجهی به هشدار ما نشد.

■ به نظر شما چرا این سه مجموعه را وارد مقوله قانون تسهیل کردند؟

تصور می‌کنم این بهانه‌ای بود تا مجموعه‌های دیگر جزو این قاعده قرار بگیرند، اما هدف اصلی‌شان تمرکز بر سه مجموعه مورد نظر حقوقی (وکالت، کارشناسی و سردفتری) بود. چون در اجرامی بینیم که اصلاً به سمت بسیاری از مجموعه‌هایی که این مشکلات در آنها وجود دارد، نرفته‌اند. یعنی هنوز قانون تسهیل در حوزه‌هایی که انحصار و مشکلات وجود دارد، عملیاتی نمی‌شود. اما در سه حوزه کانون وکلا، کانون کارشناسان و کانون سردفتران، به طور مرتب حضور دارند و رصد و پیگیری می‌کنند که فرضاً آیا آزمون برگزار شد یا نشد، چند نفر جذب شدند، روند جذب به چه صورت است و آیا مطابق با مقررات قانونی انجام شده یا نشده است. حتی در مرحله بعدی جذب (یعنی در مرحله گزینش و اختیار و کارآموزی) هم نظر می‌دهند؛ در حالی که این حساسیت را نسبت به حوزه‌های دیگر مشاهده نمی‌کنیم.

■ اجرای این قانون چه مشکلاتی ایجاد کرده و اگر در آینده اجرای آن به روال کنونی ادامه یابد، حرفه‌مندان و مردم چه آسیب‌هایی از اجرای این قانون می‌بینند؟

ایراد اساسی که به این قانون وارد است، این است که اصلاً «نیازسنجی» را در آن لحاظ نکرده‌اند. در صورتی که در به-کارگیری‌ها، اخذ مجوزها و ارائه مجوزها، مبنای اصلی «نیازسنجی» است که شامل نیازسنجی منطقه‌ای، اقتصادی و فرهنگی است. در هر نهادی، از جمله وزارتخانه‌ها، قضات و... این نیاز ایجاب می‌کند تا تعداد مشخصی از افراد مورد نیاز جذب شوند و جذب نیروها براساس ضوابط سختگیرانه و مشخصی (از جمله میزان نیاز، اخذ بالاترین نمرات در آزمون، بودجه کافی، مجوزهای تعیین شده و...) و

■ برای اصلاح قانون تسهیل که چالش‌های زیادی ایجاد کرده است، چه پیشنهادی دارید؟

ما پیش از تصویب این قانون، در مراحل مختلف، از کمیسیون مربوطه گرفته تا صحن مجلس، شورای نگهبان و... حضور داشتیم و دیدگاه‌های خود را مطرح کردیم، اما متأسفانه شنیده نشد و کار را به همان منوالی که مدنظرشان بود، انجام دادند. بعد از تصویب، ابلاغ و اجرای این قانون نیز از همان روز اول به دنبال اصلاح آن بودیم. سازمان ثبت و قوه قضاییه نیز به شدت دنبال اصلاح این قانون بودند، چون معتقدند که این قانون مشکلات زیادی را برای آنها و مردم ایجاد کرده است. مهمترین پیشنهاد ما در خصوص اصلاح این قانون، ارتقای سطح صلاحیت علمی افرادی است که وارد این حوزه‌ها می‌شوند و باید افراد مطلع، باتجربه و باسوادی باشند. پیشنهاد دوم این است که نیازسنجی را در هر منطقه‌ای مدنظر قرار دهند؛ چرا که ورود هر تعداد نیرو با هر کیفیتی در هر استانی بدون ضابطه و حد نصاب منطقه‌ای، آسیب بزرگی است.



عباس احمد آخوندی در گفت‌وگو با نشریه کانون کارشناسان رسمی دادگستری:

کانون کارشناسان اصل تسهیل در ورود را بپذیرد لزوم تدوین «نظام‌نامه اولویت‌های اخلاقی»

حامد خانجانی / وزیر اسبق راه و شهرسازی تاکید کرد: طبق قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، باید اصل تسهیل در ورود کارشناسان به حرفه کارشناسی رسمی را بپذیرد و از آن استقبال کند. عباس احمد آخوندی، این ورود را منوط به داشتن صلاحیت از سوی کارشناسان تازه‌وارد دانست و بر لزوم ورود آن دسته از کارشناسانی به کانون تاکید کرد که به دانش نوین و فناوری‌های نو آگاهی داشته باشند و بتوانند بر صلاحیت و اعتبار کانون بیفزایند. وی همچنین تدوین نظام‌نامه اولویت‌های اخلاقی برای کانون کارشناسان را یک امر ضروری برشمرد که لازم است اولویت‌های اخلاقی در آن تعریف شود و گفت: «نهادهای حرفه‌ای دنیا در صدر اولویت‌های خود به اصول اخلاق حرفه‌ای پرداخته‌اند، در حالی که هنوز در کانون کارشناسان این اولویت وجود ندارد.» مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

اعتبار قائل هستند.

بنابراین، حفظ موقعیت و اعتبار حرفه‌ای کانون کارشناسان رسمی دادگستری، باید به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود که این اصل خدشه‌دار نشود. قاعدتا در بحث رقابت و بحثی که در بین کارشناسان مختلف وجود دارد، بسیاری از کارشناسان تمایل دارند که به عنوان کارشناس رسمی معرفی شوند و فعالیت کنند و درواقع، در این سطح فعالیت کنند. بنابراین به نظر من کانون کارشناسان باید از اصل این موضوع یعنی «ورود افراد به صورت منصفانه و با رقابت حرفه‌ای درست» استقبال کند. یعنی اساساً سلامت کانون به این بستگی دارد که موانع ورود اشخاص جدید به حداقل کاهش پیدا کند. یعنی ما بر این باوریم که سازمانی سالم است که درواقع، مانع ورود غیرمستدل نداشته باشد و امکان ورود به آستان و براساس صلاحیت، در آن حرفه وجود داشته باشد. بنابراین به نظر من، کانون کارشناسان باید از اصل این ماده و اصل این نظریه و رویکرد قانون تسهیل استقبال کند و نباید در برابر آن مقاومت کند و بخواهد که شدت تمرکز در قانون را کاهش دهد.

اساساً «شدت تمرکز» مورد خوبی نیست. ما

■ آقای دکتر آخوندی، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار چه تبعات و مشکلاتی را برای نظام کارشناسی و وکالت ایجاد کرده است؟ به لحاظ محتوایی چه تحلیلی از این قانون دارید و چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید تا افرادی که وارد حرفه کارشناسی می‌شوند، حداقل صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و اعتباری را داشته باشند؟

از نظر من اصلی‌ترین بحث این است که یک انجمن حرفه‌ای یا یک کانون حرفه‌ای، بتواند اعتبار حرفه‌ای خودش را در جامعه حفظ کند. بر این اساس کانون کارشناسان رسمی دادگستری، به عنوان یک مرجع حرفه‌ای شناخته شده که این مرجع حرفه‌ای، اعتبار لازم را هم از جهت افکار عمومی جامعه دارد؛ یعنی بسیاری از افراد و نهادهای مدنی و جامعه مدنی وقتی با همدیگر اختلاف پیدا می‌کنند، به این نتیجه می‌رسند که به کارشناس مراجعه کنند؛ حتی بدون این که موضوع اختلاف، قضایی باشد. در عین حال، کانون کارشناسان رسمی از سوی مراجع قضایی به رسمیت شناخته شده است. همچنین در جاهایی مثل بانک‌ها و موسسات اعتباری، که می‌خواهند روی نظر کارشناسی، اعتبار مادی بدهند، آنها هم به نظر کانون کارشناسان رسمی



کانون کارشناسان باید از اصل این موضوع یعنی «ورود افراد به صورت منصفانه و با رقابت حرفه‌ای درست» استقبال کند. یعنی سلامت کانون به این بستگی دارد که موانع ورود اشخاص جدید به حداقل کاهش پیدا کند



اگر جامعه
نسبت به
صلاحیت
کارشناسان
کانون تردید
پیدا کند، در
آن صورت به
دنبال جایگزین
آن می‌رود. اگر
این تردید ایجاد
شود، کانون
کارشناسان
از حیز انتفاع
ساقط است و
زیانش به کل
جامعه می‌رسد



صلاحیت و اعتبار حرفه‌ای کانون در سطح جامعه کاهش پیدا کند، هیچ کمکی نه به جامعه و نه به حرفه نمی‌کند. چون اگر جامعه نسبت به صلاحیت کارشناسان کانون تردید پیدا کند، در آن صورت به دنبال جایگزین آن می‌رود. حال چه قاضی تردید پیدا کند که این کارشناس صلاحیت دارد یا خیر و چه دو نفری که با همدیگر نزاع دارند، تردید کنند و چه یک موسسه اعتباری یا مالی تردید کند که نظر کارشناس درست است یا خیر. اگر این تردید ایجاد شود، کانون کارشناسان از حیز انتفاع ساقط است و در واقع، زیانش به کل جامعه می‌رسد و فقط هم مربوط به اعضای کانون نیست. به هر روی، کانون کارشناسان در جامعه یک خدمتی را ارائه می‌کند که این خدمت معتبر است.

بنابراین، نگاه من به اصل «تسهیل در ورود کارشناسان به کانون» نگاه مثبتی است، اما بحث این است که چه کنیم تا صلاحیت‌ها حفظ شود. اگر فقط و فقط بحث این ماده مطرح باشد که در قانون تسهیل قید شده و براساس آن ۷۰ درصد امتیاز را بگیرد، اولاً «امتیاز» با «نمره آزمون» فرق دارد. در این ماده قانون آمده است که ۷۰ درصد امتیاز یک درصد را داشته باشد؛ نه ۷۰ درصد نمره

در اقتصاد موضوعی به نام شدت تمرکز داریم و به این معنا است که چند درصد بازار در اختیار تعداد افراد معدودی از فعالان آن حرفه است؛ چه کارشناسی باشد، چه صنعت باشد و چه هر کسب‌وکار دیگری باشد. اگر درصد بالایی از کسب‌وکار، در اختیار تعداد افراد معدودی باشد، ما می‌گوییم که در آن حرفه، در آن کسب‌وکار و در آن فعالیت، شدت تمرکز وجود دارد. این در حالی است که شدت تمرکز منجر به اقدامات غیرمنصفانه می‌شود و میزان رقابت را کاهش می‌دهد و در نهایت به نفع جامعه و مصرف‌کننده نیست. بنابراین ما باید از این قانون استقبال کنیم، چرا که هدفش این است که شدت تمرکز را کاهش دهد و ورود کارشناسان جدید را به حرفه تسهیل کند. یعنی باید در جهت سلامت کانون عمل کنیم. اما نکته بسیار مهم این است که کارشناسان باصلاحیت، نه کارشناسان بی‌صلاحیت یا کم‌صلاحیت، باید به کانون ورود کنند. کارشناسانی که بتوانند بر صلاحیت و اعتبار کانون بیفزایند و به دانش نوین و فناوری‌های نو آگاهی داشته باشند. اگر قرار باشد کارشناسانی وارد کانون شوند که فقط به صورت عددی تعداد کارشناسان کانون افزایش پیدا کند، اما میزان

د

نکته بسیار مهم این است که کارشناسان با صلاحیت، باید به کانون ورود کنند؛ کارشناسانی که به دانش نوین و فناوری‌های نو آگاهی داشته باشند و بتوانند بر صلاحیت و اعتبار کانون بیفزایند

آزمون. بنابراین کانون برای اینکه بخواهد به یک فردی امتیاز بدهد، برای دادن امتیاز باید اساساً ضوابط متعددی را رعایت کند.

در قانون مناقصات، قید شده که امتیاز قیمت، امتیاز صلاحیت شرکت‌کننده در مناقصه است؛ امتیاز فنی به علاوه امتیاز مالی. در اینجا هم در متن قانون تسهیل آمده است: «داوطلبانی که حداقل ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حائزان بالاترین امتیاز در هر رشته را کسب کنند، به عنوان پذیرفته شده، برای طی مراحل مقتضی به کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه معرفی می‌شوند.»

یعنی افراد باید در آزمون شرکت کنند، آزمون باید به صورت مکرر برگزار شود و برگزاری آزمون منوط به میزان و تعداد کارشناسان نیست؛ اما بعد بر ۷۰ درصد امتیاز تاکید کرده است. در اینجا اولاً این بحث وجود دارد که این امتیاز آیا همان نمره آزمون است یا امتیازی فراتر از نمره خام؟ این یک نکته است که می‌توان در آیین‌نامه تبیین کرد. اما چگونه می‌توان آن را تبیین کرد؟

طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی «هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تامین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران، حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.»

یعنی اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌گوید که دولت می‌تواند مبتنی بر قانون، آیین‌نامه وضع کند. بر این اساس، طبق اصل ۱۳۸ قانون اساسی می‌توان برای این ماده یک آیین‌نامه یا دستورالعمل نوشت تا در آنجا مبانی اعتبار امتیازات مورد بحث قرار بگیرد. چون اگر فقط آزمون مطرح باشد، اگر همه نمره‌های آزمون از یک حداقل اعتباری پایین‌تر باشند، ممکن است اگر یک درصد پایین‌تر باشند، ۷۰ درصد هم به طریق اولی پایین‌تر است؛ بنابراین اصلاً اعتبار آزمون ساقط می‌شود.

بنابراین در قانون هم نوشته شده ۷۰ درصد امتیاز و نوشته ۷۰ درصد نمره. در اینجا باید تعریفی صورت بگیرد. یک آیین‌نامه نیاز است که نمره را تعریف کند، امتیاز را تعریف کند و امتیاز معتبر را هم تعریف کند که امتیاز معتبر چیست که افراد باید حداقل ۷۰ درصد آن را داشته باشند. این کاری است که می‌تواند در آیین‌نامه بر اساس همین قانون انجام گیرد.

■ در خصوص امکاناتی که قانون کانون کارشناسان راجع به دوره کارآموزی و صلاحیت‌های اخلاقی و گزینشی در این خصوص مطرح می‌کند، چه پیشنهادی دارید؟

در قانون کارشناسان، برای عضویت در کانون چند مقرر تعیین شده است. یکی از ضوابط «آزمون و اولویت‌های اخلاقی» است. مدت هاست که در کشور راجع به بحث اصول اخلاق مهندسی، اخلاق کارشناسی و اخلاق حرفه‌ای بحث می‌شود. متأسفانه ما در ایران قوانین روشنی در این زمینه نداریم. یعنی قوانینی وجود ندارد که بتواند مفهوم تعارض منافع را به خوبی تبیین کرده باشد. این در حالی است که در دنیا قوانینی که کانون توجه‌شان به بحث تعارض منافع است، زیاد است و در دنیا بسیاری از قراردادهای اظهارنظرها به محض کشف وجود تعارض منافع، ابطال می‌شود. اما در ایران متأسفانه ما چنین قوانینی نداریم. شاید اولین باری که بحث تعارض منافع در ایران مطرح شد، در انتخابات هیئت مدیره‌های سازمان نظام مهندسی ساختمان در سال ۱۳۹۷ بود. در آن مقطع زمانی، من به عنوان وزیر راه و شهرسازی خدمت می‌کردم و این بحث مطرح شد که تعداد زیادی از کسانی که نامزد عضویت در هیئت مدیره سازمان‌های نظام مهندسی هستند، آنها یا جزو کارمندان وزارت راه و شهرسازی هستند و یا جزو اعضای شهرداری‌ها هستند و یا در نهادهایی مثل سازمان آب و فاضلاب، وزارت نیرو، وزارت کشور و... که در حوزه مهندسی فعالیت می‌کنند، مشغول به کار هستند. ما دیدیم که با پدیده «نشستن در دو طرف میز» مواجهیم. یعنی در واقع یک فردی هم در این طرف میز قرار دارد و هم در آن طرف میز و به راحتی تعارض منافع را می‌پذیرفتند و هیچ اشکال قانونی هم وجود نداشت. به همین دلیل ما آمدیم در سال ۱۳۹۷ یک آیین‌نامه‌ای را برای بحث اصول اخلاق حرفه‌ای در نظام مهندسی ایران نوشتیم که این آیین‌نامه، اولین آیین‌نامه قانونی شد. پیش از آن، در مجامع راجع به اخلاق حرفه‌ای زیاد صحبت شده بود و اخلاق حرفه‌ای را بیشتر به اخلاق جوانمردی ربط می‌دادند و در واقع مبنای قانونی برای اعمال قانون، در آن وجود نداشت و بیشتر «عیاری» بود تا «قانونی». این شاید اولین آیین‌نامه‌ای باشد که آمده برای قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، از منظر اخلاق حرفه‌ای، یک آیین‌نامه نوشته



برای بحث اولویت‌های اخلاقی، باید یک نظام‌نامه داخلی یا دستورالعمل داخلی برای کانون کارشناسان تدوین شود که در آن اولویت‌های اخلاقی تعریف شود

بند ط ماده ۱۵ قانون کارشناسان قید شده که «گذرانیدن دوره کارآموزی به مدت یک سال تحت نظر کارشناس رسمی‌ای که بیش از ۱۰ سال سابقه کارشناسی رسمی داشته و به عنوان کارشناس راهنما با معرفی هیئت مدیره کانون مربوط.» حال یک فردی که تقاضای ورود به کانون کارشناسان را دارد، نزد یک فرد با تجربه پیشین می‌رود که او را معرفی کند. حال کسی که می‌خواهد کارشناس را معرفی کند و بگوید که این کارشناس صلاحیت دارد و دوره کارآموزی را گذرانده است، به تعداد اعضای کانون کارشناسان، می‌تواند نظر شخصی وجود داشته باشد. برای اینکه ما بتوانیم تاجایی که ممکن است از اعمال نظرهای شخصی فروبکاهیم، یکی از راه‌حل‌ها این است که خود کانون برای این امر یک دستورالعملی را تهیه و یک سیاهه کنترلی را تنظیم کند که در آن تاکید کند، اگر کسی بخواهد فرد دیگری را معرفی بکند و بگوید که این فرد در نزد من کارآموزی انجام داده است، باید در انتها تایید کند که در دوره کارآموزی، صلاحیت علمی و صلاحیت اخلاقی او چقدر بود، پایبندی او به اصول حرفه‌ای چقدر بود، چقدر قانون را می‌دانست، چقدر پیامد تاییدیه‌ها و حرف‌های خودش را می‌فهمید، چقدر متوجه آثار حقوقی متأثر از تصمیمات خودش است، چقدر مسائل حقوقی محیط زیست را رعایت می‌کند. یعنی در واقع باید یک چک‌لیست و سیاهه کنترلی باید باشد که کسی که تایید می‌کند، فقط اکتفا نکند به این موضوع که فرد مورد نظر صلاحیت دارد یا ندارد، یا در نزد من به مدت یک سال دوره کارآموزی سپری کرد، یا نکرد. بلکه بتواند سیاهه کنترلی را ارائه دهد. این هم نکته بسیار مهمی است. همه اینها در جهت این است که بتوانیم اعتبار حرفه‌ای کانون کارشناسان را در سطح جامعه حفظ کنیم، برای اینکه این کانون دچار بی‌اعتباری نشود؛ وگرنه کانون کارشناسان باید اصل تسهیل در ورود را بپذیرد.

است. بعد از نوشتن و ابلاغ این آیین‌نامه، معلوم شد که تعداد زیادی از داوطلبان عضویت در هیئت مدیره سازمان‌های نظام مهندسی، در دوطرف میز قرار داشتند. بعضی از لیست‌هایی که اعلام شده بود، به طور مثال در سازمان نظام مهندسی تهران از ۲۵ نفر هیئت مدیره، ۲۴ نفرشان عضو یک نهاد عمومی و دولتی بودند که آن طرف میز می‌نشستند و تایید صلاحیت می‌شدند. این موضوع بسیار مهمی است. در کانون کارشناسان هم آیین‌نامه‌ای برای اولویت‌های اخلاقی نداریم. در بند ح ماده ۱۵ قانون کارشناسان آمده است: «موفقیت در آزمون علمی و تجربی و گزینش صلاحیت اولویت‌های اخلاقی.» بنابراین یک بحث بسیار مهمی که وجود دارد، این است که برای بحث اولویت‌های اخلاقی، باید یک نظام‌نامه داخلی یا دستورالعمل داخلی برای کانون کارشناسان تدوین شود. سپس در آن نظام‌نامه، موضوع اولویت‌های اخلاقی تعریف شود و مسائلی مانند تعارض منافع، محیط زیست، اولویت منافع عمومی بر منافع خصوصی، پایبندی به قانون و عدم تخلف از قانون، حُسن شهرت حرفه‌ای در حرفه و پاره‌ای از این مسائل که جزو اصول اخلاق حرفه‌ای است، می‌تواند این اصول اخلاق حرفه‌ای قید شود. بعد هم یک دستورالعمل مفصلی نیاز دارد که طی این دستورالعمل مفصل، این موارد قابل تشخیص باشد. یعنی در واقع کیفی نباشد که امکان اعمال نظرهای شخصی در آن وجود داشته باشد. فعلا یک نمونه آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای نظام مهندسی و دستورالعمل آن موجود است. کانون کارشناسان می‌تواند با استفاده از این یک نمونه، برای خود یک آیین‌نامه کلی و دستورالعمل جزئی برای آن تهیه کند. این نکته بسیار مهمی است. در حال حاضر تقریباً کمتر نظام حرفه‌ای را در دنیا سراغ داریم که اصول اخلاق حرفه‌ای خودش را در ابتدا مشخص نکرده باشد. یعنی اگر شما به درگاه‌های اینترنتی نهادهای حرفه‌ای دنیا مراجعه کنید، مشاهده می‌کنید که در صدر آنها به اصول اخلاق حرفه‌ای پرداخته شده است. در حالی که متأسفانه هنوز در کانون کارشناسان این اولویت وجود ندارد. پس نکته اول این است که می‌شود به اصول اخلاق حرفه‌ای اشاره کرد؛ البته نه اینکه به صورت توصیه باشد، بلکه باید لازم‌الاجتماع و معیاری برای این امر باشد. نکته دوم نیز مربوط به دوره کارآموزی است. در



اسماعیل زرغامی

مدیر دانش و پژوهش
کانون کارشناسان
رسمی دادگستری
استان تهران

آسیب شناسی اجرای قانون تسهیل در نظام کارشناسی رسمی

چکیده

تصویب و اجرای قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» در سال ۱۴۰۰، به ویژه ماده ۴ آن، معیارهای پذیرش کارشناسان رسمی دادگستری را از الگوی مبتنی بر ظرفیت سنجی براساس نیاز و احراز حداقل های قابل قبول شایستگی های علمی و مورد انتظار از متقاضیان کارشناسی، به نظام حد نصاب علمی شناور تغییر داد. این تغییر رویکرد، تحولی بنیادین و در عین حال چالش برانگیز در نظام حقوقی و اقتصادی ایران ایجاد کرده است.

مطلب حاضر، پژوهشی مبتنی بر تحلیل محتوا و واکاوی داده های آماری آزمون های سال های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳؛ بررسی بازخوردهای محاکم قضایی؛ و تحلیل روندهای بازار سرمایه است. این پژوهش به روشنی استدلال می کند که این قانون، فارغ از اهداف و نیت های مقنن، در عمل منجر به بروز بحران در قابلیت ها و توانایی های مورد انتظار از نهاد کارشناسی شده است.

یافته های این پژوهش نشان می دهد که ورود داوطلبانی با نمره های علمی بسیار پایین (حتی نزدیک به صفر در برخی دروس تخصصی) به جرگه کارشناسان رسمی، دست کم دو پیامد مخرب اساسی به همراه داشته است: پیامد نخست، «اطاله دادرسی و تزلزل در اقرار قضایی» است که در نتیجه افزایش قابل توجه اعتراض ها به نظریه های کارشناسی ضعیف و ارجاع مکرر پرونده ها به هیئت های کارشناسی چند نفره به وجود آمده است. پیامد دوم، زمینه «بروز خطرات به ظاهر نظام مند و قاعده مند در بازار سرمایه» از طریق ارائه ارزیابی های غیرواقعی است که زمینه ایجاد حباب در دارایی شرکت های بورسی و در نهایت، تهدید شفافیت مالی و اعتماد سرمایه گذاران را فراهم می کند. این وضعیت، افزون بر تضييع حقوق سهامداران و یا مشتریان و ایجاد آشفتگی در بازار سرمایه، فرآیند دادرسی و رسیدگی های قضایی را نیز به شدت تحت الشعاع قرار داده و می تواند ضربات جبران ناپذیری را به نظام وارد سازد.

از سوی دیگر، ورود کارشناسان بیش از حد نیاز واقعی، ضمن ایجاد آشفتگی غیرقابل کنترل در ساختار کارشناسی، منجر به بی اعتباری پروانه های کارشناسی نزد عموم و تضعیف اعتبار نظریه های کارشناسی نزد قضات شده و در بلندمدت، دستگاه قضا را از برخورداری از کارشناسان قابل اتکا و معین القضا در پرونده های تخصصی و فنی محروم خواهد ساخت. بدیهی است که چنین وضعیتی، بی مسئولیتی و کم توجهی در ارائه خدمات و محتوای نظریات کارشناسی را تشدید کرده و بستر رقابت ناسالم را نیز فراهم می آورد.

استمرار و تداوم اجرای قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در حوزه نحوه پذیرش کارشناسان رسمی دادگستری با وضعیت فعلی، خطر تبدیل نهاد کارشناسی رسمی از یک بازوی مشورتی امین، مؤثر و مورد انتظار، به عاملی تهدیدکننده و تضعیف کننده عدالت را به همراه خواهد داشت. بدون تردید، بیشترین آسیب ناشی از این قانون، نخست متوجه دستگاه قضا و قوه قضاییه و در مرحله بعد، متوجه جامعه خواهد بود. در نتیجه، اصلاح قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۰ و رویه های اجرایی آن، نه یک خواسته صنفی، بلکه ضرورتی ملی برای حفظ سلامت قضایی و اقتصادی کشور است و توقف اجرای این قانون تا زمان اصلاح ساختاری آن، به دستور رییس قوه قضاییه، می تواند نقش مؤثری در کاهش آسیب های اجتماعی و قضایی ناشی از آن ایفا کند.

۱. مقدمه

پایداری و توسعه نظام عدالت اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، در جوامع انسانی و به تبع آن در ایران، اتکای عمیقی به کارشناسی، نظریه‌های تخصصی کارشناسان و بالاخص، به نهاد کارشناسی رسمی دادگستری دارد. قاضی در بررسی و اکتشاف واقعیت‌های مورد ترافع و به ویژه در مقام انشای رأی در موضوعات تخصصی (نظیر راه و ساختمان، ماشین‌آلات تولیدی کارخانه‌ها، امور مالی، پزشکی و ثبتی) ناگزیر از رجوع به نظریه‌های کارشناسان خبره است. به حکم قانون تجارت بررسی‌های رسمی اقتصادی و معاملات عمده دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های وابسته، پذیرش بنگاه‌های اقتصادی در بورس و بسیاری از تصمیمات مهم اقتصادی و اجتماعی، باید بر اساس نظرات کارشناسان رسمی انجام گیرد. بدین جهت اهمیت سطح علمی، شایستگی، قابلیت و توانایی‌های کارشناسان در حد و پایه متناسب با انتظارات، امری قطعی و از بدیهیات عقلی است.

تا پیش از سال ۱۴۰۰، پارادایم حاکم برای انتخاب کارشناسان این حرفه، احراز صلاحیت بر اساس تخصص و توانایی و حصول اطمینان از کارایی و قابلیت و تعیین ظرفیت بر اساس نیازسنجی استانی بود. با «تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار»، قانون‌گذار با رویکردی اقتصادی محور، حرفه کارشناسی رسمی را در زمره «کسب‌وکارها» تعریف کرد. به دنبال آن، معیارهای سنجش و شایسته‌گزینی، با توجه به قابلیت و شایستگی حد مورد انتظار در سطح اهمیت موضوع و بر اساس ظرفیت مورد نیاز، برای ورود حذف شد. [۱،۲،۳]

مطابق ماده ۴ قانون تسهیل، عبارت «بر اساس نیاز مناطق کشور» از بند الف ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری حذف شد. جایگزین آن، روشی شد که بر اساس آن، هر داوطلبی که ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد برتر آزمون را کسب کند، پذیرفته می‌شود. [۴،۳]

این تغییر بدون در نظر گرفتن اهمیت تخصصی و نیاز خاص دستگاه‌ها و جامعه و حد و شان و فلسفه وجودی کارشناس و قانون کارشناسان مصوب سال ۱۳۸۱، کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری را از یک نهاد تخصصی-نظارتی که مسئولیت شایسته و اصلح‌گزینی و حفظ استانداردها را برعهده داشتند، به «نهاد صادرکننده مجوز» تقلیل داد.

با اندکی تأمل در قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» به وضوح روشن می‌شود که رویکرد این قانون، به طور قطع و به یقین، اقتصادی و مصلحتی است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان پایه‌ها و اسباب و فرآیند دادرسی عادلانه موضوع اصل ۱۵۶ قانون اساسی را صرفاً به واسطه یک

«مصلحت» سست کرد؟

منتقدان و حقوقدانان برجسته استدلال می‌کنند که طبقه‌بندی کارشناسی رسمی به عنوان یک «کسب‌وکار»، خطای استراتژیک قانون‌گذار بوده است. چرا که کارشناسی رسمی، بازوی فنی قوه قضاییه است و در عین حال، بررسی‌ها و نظرات کارشناسان، عنداللزوم بخشی از فرآیند عادلانه قضاوت و نیاز جامعه در سایر بخش‌ها است. کارشناسی، کالایی تجاری نیست که در زمره و تابع اشتغال و بازار آزاد قرار گیرد. اعمال قواعد بازار، مانند تسهیل ورود برای افزایش رقابت بر امری که نیازمند وثاقت و خبرگی است، منجر به کالایی‌شدن عدالت و کاهش کیفیت آن شده است. البته درخصوص اشتغال‌زایی این قانون از زاویه شمول‌گزینی کارشناسان رسمی دادگستری بر آن، لازم به ذکر است که این موضوع برداشت اشتباه و نادرستی است. چرا که طبق آمار، بیش از ۹۵ درصد متقاضیان در سازمان نظام مهندسی عضو هستند و همچنین در سایر اداره‌ها و بخش‌های خصوصی و دولتی شاغل به کار هستند. این وضعیت، دلیل روشن و غیر قابل کتمان برای خطا بودن شمول قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» به کارشناسی رسمی است. [۶،۵]

۲. بحران شایستگی علمی و قابلیت‌های ناشی از قانون تسهیل کسب‌وکار

یکی از آسیب‌های ناشی از قانون تسهیل کسب‌وکار، ایجاد بحران شایستگی و قابلیت‌های مورد انتظار در جامعه کارشناسی است که بر اساس این قانون پذیرفته می‌شوند. علت اصلی این صدمه به جامعه، در فرمول پذیرش کارشناسان بر اساس آن، نهفته است. حذف حد نصاب نمره علمی ثابت، که بر اساس صلاحیت‌ها و انتظارات جامعه و قوه قضاییه تعیین می‌شود و جایگزینی آن با تراز شناور، دروازه‌های ورود را به روی افرادی گشوده است که فاقد حداقل دانش تخصصی لازم هستند. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از آزمون‌های برگزارشده پس از اجرای قانون، به ویژه آزمون سال ۱۴۰۲، نشان‌دهنده افت قابل توجه استانداردهای علمی در میان اکثریت متقاضیان و قبول‌شدگان آزمون کارشناسی رسمی است. گزارش‌های شورای عالی کارشناسان و مرکز وکلا با آنالیز نمره‌های متقاضیان، نشان می‌دهد که پدیده تعجب‌برانگیز قبولی با نمره‌های منفی و نزدیک به صفر رخ داده است. در بسیاری از رشته‌ها، افراد با نمره‌های خام کمتر از ۳۰ درصد و در موارد متعددی با نمره‌های نزدیک به صفر یا حتی منفی در دروس کلیدی، موفق به کسب تراز قبولی شده‌اند. [۸،۷]

فرمول ۷۰ درصد میانگین یک درصد برتر در آزمون‌های سراسری با صدها هزار شرکت‌کننده، شاید به ظاهر و

مصلحتی و در غیر از زمینه کارشناسی قابل قبول باشد؛ اما در آزمون کارشناسی که برخی رشته‌های تخصصی (مانند ارزیابی آثار هنری، مواد ناریه، مهندسی نساجی، اسلحه‌شناسی، سینما، اشیای عتیقه و قیمتی، جواهرات و...) که کمتر از ۵۰ شرکت‌کننده دارند، دچار نقص فاحش می‌شود. در این حالت، یک درصد برتر، عملاً شامل یک نفر می‌شود. اگر آن یک نفر عملکرد ضعیفی داشته باشد، حد نصاب قبولی می‌تواند به یک از ۲۰ نیز سقوط کند. [۸،۹]

این مکانیسم سبب شده است تا افرادی که حتی بدیهیات رشته تخصصی خود را نمی‌دانند، پروانه کارشناسی دریافت کنند. رؤسای کانون‌های کارشناسان رسمی، هشدار داده‌اند که ارجاع امر کارشناسی به فردی که نمره ۲ از ۱۰ گرفته است، نه تنها کمکی به قاضی نمی‌کند، بلکه باعث گمراهی دادرسی می‌شود. [۱۰]

برخلاف قضات که ملزم به طی مراحل آزمون علمی دقیق و اختبار هستند، کارشناسان جدیدالورود که قرار است مرجع فنی-تخصصی قاضی در رشته‌هایی مانند قتل، معاملات بزرگ و کوچک، واگذاری کارخانه‌ها، حق الناس و... باشند، وقتی با استانداردهایی به مراتب پایین‌تر گزینش می‌شوند، مصیبت بار و مشکل آفرین خواهد شد. [۷]

۳. قانون تسهیل و تأثیر آن بر فرآیند دادرسی، اطلاع دادرسی و تزلزل آرا

کارشناسی از نظر شکلی و ماهوی، جایگاه خاصی در فرآیند دادرسی عادلانه دارد. اگرچه کارشناسی چند وجهی بوده و در اصل، بحث نظر و محتوا مطرح است، اما فرآیند اجرایی و شکلی کارشناسی، مسیری چندمرحله‌ای و پشت‌سرهم است که طی آن مستلزم زمان است.

اگر کارشناس منتخب به هر دلیلی از نظر توانایی، قابلیت و تجربه، متناسب و مناسب با موضوع و سطح پرونده نباشد، انتخاب کارشناس دیگر و یا هیئت کارشناسان و یا تعویض، مستلزم صرف زمان قابل توجه و هزینه اضافی خواهد شد. از این رو، اولین قربانی کاهش کیفیت کارشناسی، فرآیند دادرسی در دادگاه‌ها است. از آنجایی که نظریه‌های کارشناسی، نقش پایه‌ای و اساسی در بسیاری از آرای قضایی پرونده‌های فنی و تخصصی ایفا می‌کند، وقتی پایه کارشناسی سست باشد، تمام بنای حکم متزلزل خواهد شد. در چنین وضعیتی، طبق مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه‌ها می‌توانند در صورت اعتراض موجه طرفین یا عدم انطباق نظریه با اوضاع و احوال، موضوع را به هیئت کارشناسی ارجاع دهند.

پیش از قانون تسهیل، نظریه کارشناس بدوی، یک نفره، معمولاً از اتقان کافی برخوردار بود و فصل‌الخطاب

می‌شد، اما با ورود کارشناسان کم‌سوادی که توانایی استدلال فنی و نگارش گزارش صحیح را ندارند، طرفین دعوا به راحتی ایرادهای فاحش را در گزارش‌ها می‌یابند و اعتراض می‌کنند. قابل پیش‌بینی است که نرخ اعتراض پس از اجرای این قانون، به صورت قابل توجهی بالا می‌رود. [۱۲،۱۱]

برای روشن‌سازی تأثیر کارشناسان فاقد قابلیت و توانایی‌های لازم که صرفاً به واسطه تصویب و اجرای قانون تسهیل کسب‌وکار به نظام کارشناسی و لیست ارجاعات ثنا می‌پیوندند، لازم است به سیکل معیوب اعتراض و تشکیل هیئت‌های کارشناسی سه، پنج و هفت نفره اشاره شود که به صورت تصاعد هندسی، مدت زمان کارشناسی را افزایش می‌دهد. ارجاع به کارشناس بدوی، یک تا دو ماه زمان می‌برد. اعتراض به آن و ارجاع به هیئت سه نفره، سه تا چهار ماه دیگر زمان می‌برد. اگر هیئت سه نفره نیز که ممکن است ترکیبی از کارشناسان جدید و قدیم باشند، نظریه‌ای مخدوش ارائه دهند، کار به هیئت پنج، هفت، ۹ و حتی ۱۱ نفره می‌کشد. این فرآیند، زمان رسیدگی به پرونده‌ها را از ماه‌ها گاهی به چند سال افزایش داده و به طور مستقیم منجر به اطاله دادرسی شده است. [۱۳، ۱۴، ۱۵]

آشنایی با چهارچوب گزارش‌ها و نظریه‌های کارشناسی اهمیت دارد، زیرا اثرگذاری کارشناسان، زمانی محقق می‌شود که دارای صلاحیت و توانایی‌های واقعی بوده و از حیث شایستگی و قابلیت، مورد اعتماد قاضی باشند. در اطلاع دادرسی و یا اجتناب از آن را مشخص می‌کند. در این خصوص گفتنی است؛ در عمل، کارشناسان در گزارش‌های خود معمولاً فقط نتیجه نهایی را اعلام می‌کنند و گاهی این نتیجه صرفاً به صورت یک عدد یا یک خروجی خلاصه ارائه می‌شود، بدون توضیح فرآیند یا استدلال. به طور نمونه، اعلام می‌شود که مبلغ خسارت ۵۰ میلیارد تومان است، بدون این که محاسبات، متدولوژی یا مبنای علمی آن را تشریح کند. قاضی که قادر به ارزیابی صحت و سقم این عدد نیست و یا فرصت آن را ندارد، در صورت مشاهده گزارش‌های مبهم و غیرمستدل و یا شک به علت وجود کارشناسان کم‌توان، که بدون معیارسنجی‌های دقیق علمی و شایستگی، پذیرفته شده‌اند؛ حتی در صورت عدم اعتراض طرفین، از روی تردید و یا ناچاری تصمیم می‌گیرد که کارشناس را برای اخذ توضیح احضار کند و یا نظریه را رد کند. این رفت‌وبرگشت‌ها، علاوه بر اتلاف وقت، اعتماد قاضی به نهاد کارشناسی را از بین می‌برد و قاضی را در صدور رأی بلاتکلیف می‌گذارد. [۱۶،۱۱]

یکی دیگر از آسیب‌های قانون تسهیل کسب‌وکار، توزیع ناعادلانه جغرافیایی در دسترسی به عدالت است. قانون تسهیل با حذف قید نیاز منطقه‌ای، موجب

شرکت‌ها با ادله غیروارد، برای بالا بردن ارزش دارایی‌ها تسلیم شود. وقتی یک زمین یا کارخانه بیش از ارزش واقعی قیمت‌گذاری شود، ترازنامه شرکت به طور صوری اصلاح می‌شود، اما در واقعیت امر، اصلاحی صورت نگرفته است. [۲۳]

با این که سرمایه‌گذاران خرد در بورس، با اتکا به گزارش‌های رسمی، مهور به مهر کارشناس دادگستری و مشاهده افزایش سرمایه شرکت، اقدام به خرید سهام می‌کنند. وقتی قیمت سهام بر اساس دارایی‌های موهوم یا بیش‌برآورد شده (Overvalued) رشد کند، حباب شکل می‌گیرد. ترکیدن این حباب، زمانی که شرکت قصد فروش دارایی را دارد و خریداری به آن قیمت وجود ندارد، منجر به زیان سنگین سهامداران و بی‌اعتمادی به بازار سرمایه می‌شود. [۲۴، ۲۵]

همچنین ارزش‌گذاری برسد، پتنت و دارایی‌های فکری، نیازمند دانش سطح بالا و تسلط بر استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IFRS) است. اکثر کارشناسانی که با نمره‌های علمی پایین و با استفاده از رانت قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب-وکار، پذیرفته شده‌اند، توانایی تشخیص دادن بین روش‌های مختلف ارزیابی، شامل (هزینه مینا، بازار مینا و درآمد مینا) را ندارند. گزارش‌های اشتباه در این حوزه، منجر به شناسایی سودهای موهوم و انحراف در صورت‌های مالی شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌های بورسی می‌شود. [۲۶، ۲۷]

گزارش‌های کارشناسی باید با استانداردهای حسابداری ملی و الزامات سازمان بورس هماهنگ باشد. ضعف علمی کارشناسان جدید، منجر به صدور گزارش‌هایی می‌شود که توسط حسابرسان مستقل یا سازمان بورس رد می‌شوند. این امر و عدم تطابق با استانداردهای گزارشگری مالی منجر به توقف نمادهای معاملاتی، ابطال افزایش سرمایه‌ها و ایجاد تلاطم در بازار می‌شود. [۲۸، ۲۹]

۵. قانون تسهیل و فروپاشی نظام آموزشی و کارآموزی

در کانون کارشناسان رسمی دادگستری و همچنین کانون وکلای دادگستری، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، صرفاً «دروازه ورود» را برای خیل عظیم متقاضیان شاغل در اداره‌های دولتی و خصوصی، سازمان‌های نظام مهندسی، شهرداری‌ها، شرکت‌های مهندسی و حسابرسی و سایر نهادهای مشابه، و نیز برای شمار اندکی از متقاضیان فاقد اشتغال، گشوده است؛ بدون آن که تدبیر مؤثری برای فرآیند آموزش و طی دوره کارآموزی این حجم گسترده از ورودی‌ها اندیشیده باشد. این ناترازی لجستیکی، مشکلات قابل توجه و ساختاری ایجاد کرده است.

مطابق با آیین‌نامه‌های اجرایی قانون کارشناسان رسمی دادگستری، از جمله ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرایی

تجمع کارشناسان در کلان‌شهرهایی چون تهران، مشهد و اصفهان شده است. در حالی که تهران با تراکم بیش از حد کارشناسان مواجه است، استان‌های محروم و شهرستان‌های دورافتاده همچنان با کمبود کارشناس متخصص مواجهند. این امر باعث می‌شود که قضات در مناطق محروم ناچار شوند از کارشناسان شهرهای دیگر استفاده کنند که این موضوع، مدت رسیدگی را افزایش می‌دهد. [۱۷، ۱۸]

همچنین از دیگر آسیب‌های قانون تسهیل کسب‌وکار در وادی کارشناسی، ایجاد پارادایم انحصار به طور پنهان است. به طوری که برخی از قضات برای اجتناب از ریسک ارجاع کار به کارشناسان کم‌سواد جدید، که ممکن است با انتخاب سیستمی و یا قرعه‌کشی رخ دهد، تمایل پیدا می‌کنند که از اختیارات قانونی خود استفاده کنند و پرونده‌های حساس را خارج از نوبت و یا با استناد به تخصص خاص، به کارشناسان قدیمی و معتمد ارجاع دهند. این امر عملاً باعث بازتولید انحصار برای عده‌ای محدود و بیکاری مطلق برای خیل عظیم پذیرفته‌شدگان جدید می‌شود. [۲۰، ۱۹]

۴. قانون تسهیل و پیامدهای سوء اقتصادی آن

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، زمینه‌ساز پیامدهای سوء اقتصادی و تهدید بازار سرمایه است. نقش کارشناسان رسمی در اقتصاد کلان و ارزش‌گذاری استاندارد دارایی‌های بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه در بازار بورس اوراق بهادار تهران، بارز و حیاتی است. ارزیابی دارایی‌های بنگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های تولیدی، شامل زمین، ساختمان، ماشین‌آلات، برسد، مبنای پذیرش و ورود آنها در بازار سرمایه و بورس و افزایش سرمایه، خروج از ورشکستگی و قیمت‌گذاری سهام غیره است. شرکت‌های بورسی، به‌ویژه آن شرکت‌هایی که مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت و زیان‌دهی بیش از نیمی از سرمایه شده‌اند؛ برای اصلاح ساختار مالی و خروج از شمول ورشکستگی، اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌کنند. [۲۱، ۲۲]

این فرآیند به طور مستقیم متکی به گزارش کارشناس رسمی دادگستری است، که دارای صلاحیت، شایستگی و قابلیت لازم است. این مقام به دست نمی‌آید، مگر این که در پذیرش کارشناسان ذی‌ربط سنجش‌های تخصصی لازم به عمل آمده باشد؛ در صورتی که قانون تسهیل، فرآیند سنجش خاص مورد نیاز را حذف کرده است.

از سوی دیگر، ورود کارشناسان کم‌تجربه به این حوزه، ریسک‌های مهلکی را برای بازار سرمایه ایجاد کرده است. ارزیابی‌های خوش‌بینانه و دستوری کارشناس جدیدی که بدون کیفیت‌سنجی و بدون سنجش شایستگی‌های لازم انجام گرفته، ممکن است در محیط‌های بسته و رابطه‌های تنگاتنگ استانی، در برابر فشارهای مدیران

ماده ۱۸۷، هر متقاضی مکلف است دوره‌ای یک‌ساله از کارآموزی عملی و مهارتی را تحت نظارت کارشناس سرپرست یا استاد راهنمایی با حداقل پنج یا ده سال سابقه حرفه‌ای طی کند. [۳۰]

با این حال، اجرای این حکم قانونی و سایر ضوابط لازم‌الاجرا، به دلیل تعداد بیش از حد پذیرفته‌شدگان حاصل از آزمون‌های برگزارشده بر اساس قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، با چالش‌های جدی مواجه شده است؛ به گونه‌ای که در برخی از استان‌ها، تعداد پذیرفته‌شدگان جدید، حتی از مجموع کارشناسان با سابقه موجود پیشی گرفته است. [۳۱]

این بدان معنا است که یک کارشناس سرپرست باید همزمان ۱۰ یا ۲۰ کارآموز را هدایت کند، که عملاً امری غیرممکن است. لذا کارآموزی عملاً حذف یا بی‌خاصیت و صوری شده است. نتیجه این وضعیت، تبدیل دوره کارآموزی به یک تشریفات اداری است. سرپرستان بدون نظارت واقعی بر عملکرد کارآموز، گزارش‌های او را امضا می‌کنند و کارآموز بدون کسب تجربه عملی (Tacit Knowledge) وارد بازار کار می‌شود. [۳۲، ۶]

از یک سو، معیار نامناسب پیش‌بینی‌شده برای قبولی در آزمون‌های قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و حذف سازوکارهای شایسته‌گزینی؛ و از سوی دیگر، پذیرش بی‌حد و حصر و فراتر از ظرفیت واقعی نظام کارشناسی

که اجرای آموزش‌ها و کارآموزی را عملاً ناممکن ساخته است، موجب شده تا سطح علمی و حرفه‌ای کارشناسان پذیرفته‌شده فاصله‌ای معنادار و نگران‌کننده با انتظارات، نیازها و قابلیت‌های لازم و قابل قبول دستگاه قضا، قضات شریف و جامعه داشته باشد.

۶. آسیب‌های اجتماعی و زمینه‌سازی فساد ساختاری

افزایش بی‌رویه تعداد کارشناسان در بازاری که تقاضای آن و تعداد پرونده‌ها ثابت است، یا رشد متناسبی ندارد، منجر به پدیده «کارشناسان بی‌کار» می‌شود. وقتی عرضه کارشناس سه برابر شود، اما تقاضا ثابت بماند، درآمد سرانه به یک‌سوم کاهش می‌یابد. کارشناسی که هزینه‌های دفتر و پروانه را می‌پردازد، اما ارجاع کار ندارد، در برابر پیشنهادها و وسوسه‌انگیز طرفین دعوا آسیب‌پذیر می‌شود. تضعیف سازوکارهای شفاف شایسته‌گزینی و حذف معیارهای ثابت احراز صلاحیت در فرآیند مصاحبه، زمینه را برای کاهش استقلال حرفه‌ای و افزایش احتمال تولید نظریه‌های سفارشی در بازار خدمات کارشناسی فراهم می‌سازد. [۱۷، ۷]

رقابت ناسالم برای گرفتن پرونده، می‌تواند منجر به شکل‌گیری شبکه‌های واسطه‌گری و ناهنجاری‌های دیگری شود که دور از شأن کارشناسی، قوه قضاییه و عدالت است. [۱۰، ۷]

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بررسی قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در حوزه کارشناسی رسمی دادگستری، نشان می‌دهد که این قانون با غلبه رویکرد اقتصادی و با توجه توسعه اشتغال تدوین و تصویب شده است؛ حال آن که چنین رویکردی با ماهیت نهادی و شبه قضایی کارشناسی رسمی سازگار نیست و فاصله‌ای معنادار با اهداف و جهت‌گیری‌های سند تحول قضایی دارد. شواهد و تحلیل‌های ارائه‌شده، حاکی از آن است که ترجیح کمیّت بر کیفیت در فرآیند پذیرش کارشناسان، نه تنها اهداف عالی دادرسی منصفانه و شفافیت اقتصادی را تضعیف کرده، بلکه تحقق مؤلفه‌های بنیادین سند تحول قضایی را نیز با مخاطره مواجه ساخته است. پیامدهای این رویکرد، محدود به نهادهای صنفی و کانون‌های کارشناسی نیست، بلکه از طریق اطاله دادرسی، کاهش اتقان آرا و تضعیف اعتماد عمومی، کلیت نظام قضایی را تحت تأثیر قرار داده و همزمان با ارسال سیگنال‌های نادرست به بازار سرمایه، آثار نامطلوبی بر اقتصاد ملی بر جای گذاشته است. افزون بر این، تضعیف معیارهای حرفه‌ای و سازوکارهای نظارتی، زمینه بروز و گسترش ناهنجاری‌های نهادی در دستگاه قضا و در سطح جامعه را فراهم ساخته است. با توجه به ماهیت انباشتی این آسیب‌ها، استمرار اجرای قانون تسهیل در نهادهای کارشناسی نه تنها به کاهش پیامدهای منفی منجر نخواهد شد، بلکه در بلندمدت موجب تشدید آسیب‌های اجتماعی و سازمانی خواهد شد.

از این رو، اصلاح فوری ماده ۴ قانون و بازگرداندن حداقل کف نمره علمی ثابت، معادل حداقل ۶۰ درصد نمره کل، به عنوان شرط لازم قبولی، مستقل از نظام تراز یا رتبه‌بندی شناور، اقدامی ضروری برای جلوگیری از ورود افراد فاقد دانش پایه و صلاحیت حرفه‌ای تلقی می‌شود. در عین حال، اتخاذ رویکردی مبتنی بر نیازسنجی و ظرفیت‌سنجی واقعی جامعه هدف، با لحاظ ویژگی‌های منطقه‌ای و استانی، می‌تواند به عنوان راهکاری اصولی و منطقی برای تعیین تعداد کارشناسان قابل پذیرش مورد توجه قرار گیرد؛ راهکاری که ضمن حفظ کیفیت تخصصی، پاسخگوی نیازهای واقعی نظام قضایی و اقتصادی کشور خواهد بود. [۳۳]

منابع

۱. صانغ‌زاري، علی، نعیمی، محمدرضا (۱۴۰۳). قانون تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار برای نهاد وکالت و کارشناسی: کارآمد یا ناکارآمد؟. اولین همایش ملی تأثیر متقابل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین
۲. حبیبی، محمود. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی تقنینی و قضایی ماده ۶ طرح تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار. پژوهش‌کده حقوقی شهر دانش.
۳. نریمانی، میثم، آطا‌هریان، سینا، صاحبکار خراسانی، سید محمد و محمدی ایوانکی، محسن. (۱۴۰۲). تبیین تصمیم‌گیری درخصوص تغییر خط‌مشی صدور پروانه وکالت در فرایند تصویب «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار». مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی
۴. تکلو، سمیه. (۱۴۰۲). واکاوی حق دفاع در محاکم در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار و تأثیر آن بر نهاد وکالت دادگستری. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی.
۵. درویشی، محمدجواد. (۱۴۰۴). ارزیابی تأثیر قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار بر جرایم در حوزه وکالت، پنجمین همایش بین‌المللی وکالت، حقوق و علوم انسانی
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۴۰۰). گزارش اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار. مرکز پژوهش‌های مجلس
۷. شمس، عبدالله. (۱۴۰۴). آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین، جلد دوم). تهران: انتشارات دراک.
۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۳). اثبات و دلیل اثبات (جلد دوم: شهادت، کارشناسی، اماره). تهران: انتشارات میزان.
۹. طامهری‌زاده، بی‌بی مهدیه. (۱۴۰۱). نقش کارشناسی در اطاله دادرسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و هنر.
۱۰. سلطانیان، محمدرضا. (۱۴۰۱). چالش‌های کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی شان‌دیز.
۱۱. خوش‌سلوک، مهران، و فتاحی، نوژن. (۱۴۰۳). علت‌شناسی و تحلیل دلایل اطاله دادرسی در محاکم دادگستری ایران. پژوهش‌های نوین در علوم انسانی و حقوق.
۱۲. هدی، بیگدلی آذری، ندا و پایان، وحید. (۱۴۰۲). کاهش اطاله دادرسی در پروتومدیریت دادرسی بر ادله اثبات دعوا. مطالعات فقه و حقوق اسلامی.
۱۳. سرخوش، جواد، و صفنازاد، حشمت. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه نظریه کارشناسی در دادرسی کیفری. همایش بین‌المللی حقوق و فقه اسلامی.
۱۴. سیلاوی، علیرضا، و بوعدنار، صادق. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرات اطاله دادرسی در حقوق ایران و راهکارهای پیشگیری از آن. سومین کنفرانس علمی پژوهشی رهیافت‌های نوین در علوم انسانی.
۱۵. ارنجانی شیرازی، نجمه، و بدیسار، سیدناصرالدین. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر مواعید قانونی بر اطاله دادرسی. هشتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی و حقوق.
۱۶. گل‌دوست جویباری، رجب، و پیوست، رحمان. (۱۳۹۲). نقش قضات در اطاله دادرسی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی.
۱۷. تقی‌زاده، سلمان. گردسپنجانی، اکبر (۱۴۰۴). بررسی نقش، چالش‌ها و فرصت‌های استفاده از هوش مصنوعی در فرآیندهای کارشناسی رسمی دادگستری. چهارمین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب.
۱۸. موسوی، سید امیرحسام، و رمضانی آکردی، حبیب. (۱۴۰۲). افزایش سرمایه ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها؛ مفهوم و ابعاد حقوقی. مطالعات حقوق خصوصی.
۱۹. مرفوع، محمد، و مؤمن‌زاده، محمد مهدی. (۱۳۹۲). تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت؛ چیستی، چرایی، چگونگی. یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران
۲۰. محمدرضایی، فخرالدین، خسرویان، ایمان و دولت زارعی، احسان. (۱۳۹۹). تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مدیریت سود. دانش حسابداری مالی.
۲۱. قناد، مصطفی، و همکاران. (۱۴۰۴). اثر تجدید ارزیابی بر ریسک سقوط سهام: نقش شایستگی مالی. فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی.
۲۲. صالح‌آبادی، علی، و دلیریان، هادی. (۱۳۸۹). بررسی حباب قیمتی در بورس اوراق بهادار تهران. بورس اوراق بهادار، ۱۳(۹)، ۶۱-۷۵.
۲۳. اعتصامی، امیرحسین، و شیری، زهرا. (۱۴۰۲). تجدید ارزیابی شرکت‌های سهامی عام از دیدگاه فقهی و حقوقی. تحقیقات مالی اسلامی.
۲۴. مهرورز حسن باروق، باقر، خردیار، سینا، و وطن‌پرست، محمدرضا. (۱۴۰۱). ارتباط بین ارزش دارایی‌های تجدید ارزیابی شده با شاخص‌های عملکردی شرکت‌ها با تأکید بر محافظه‌کاری در بازار بورس تهران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱(۴)، ۱۱۳-۱۴۱.
۲۵. حاجیان، نجمه، و یوسفی اصل، فرزانه. (۱۴۰۰). تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و اثر آن بر عملکرد شرکت و بازده سهام. فصلنامه حسابداری مالی.
۲۶. خواجوی، شکراله و صالحی‌نیا، محسن. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و رشد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران: نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی.
۲۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۲). آیین‌نامه اجرایی قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۱). قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۲۹. سیدی آرانی، سیدعباس. (۱۴۰۳). تأثیر قانون تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار مصوب ۱۴۰۱ بر ماهیت رسالت (وظایف) سردفتری و ویژگی‌های آن. فصلنامه پژوهش‌های حقوق تجاری و اقتصادی.
۳۰. مختاری، رحیم، و امیریان، افسانه. (۱۴۰۳). افزایش سرمایه از طریق تجدید ارزیابی دارایی موجود در شرکت‌ها. فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه.
۳۱. محمدی، محمد، و ابهری، حمید. (۱۴۰۲). تشریفات دادرسی و نقش آن در اطاله دادرسی در حقوق ایران و مقررات آیین دادرسی مدنی فراملی. مجله مطالعات حقوقی.
۳۲. صالح‌آبادی، علی. (۱۳۹۲). نقش بازار سرمایه در بهبود فضای کسب‌وکار کشور. مجله اقتصادی.
۳۳. مهری، علی، و سهرابی، ندا. (۱۳۹۹). تسهیل فرآیند دادرسی در تعدیل قانونی قراردادهای از دیدگاه قضات. سومین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی.



منوچهر شیبانی اصل

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
راه و ساختمان

تفاوت کسب و کار با حرفه نقدی بر قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار»

چکیده

قانون نویسی، اصول و قواعدی دارد که به لحاظ اهمیت آن، دوره کارشناسی ارشد در رشته حقوق پیش بینی شده است و درسی به نام «اصول و قواعد قانون گذاری» در سطح کارشناسی رشته حقوق نیز اگرچه به میزان یک واحد و به صورت اختیاری وجود دارد. شوربختانه در سال های اخیر شاهد تصویب برخی از قوانین هستیم که در آنها به مواردی از اصول و قواعد مسلم در این حوزه یا توجه نمی شود و یا توجه اعمال شده، اندک و فاقد جامعیت لازم است. نگرش سیستمی در قانون گذاری و تعاملات بخش های مورد حکم قانون با یکدیگر و با محیط و پیش بینی آثار و تبعات حقوقی، فنی و اجتماعی قانون در کمال بیطرفی و بدون نظر پیشینی، ضرورتی انکارناپذیر است. قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب سال ۱۴۰۰ از این مقوله جدا نیست. مبانی نظری قانون و مدل سازی اجرایی و عملیاتی آن و توسعه حوزه آن از «کسب و کار» به «حرفه های مختلف نظیر کارشناسی رسمی، وکالت، سردفتری و مهندسی ساختمان، نه تنها از حیث نظری دارای ایراد است، بلکه دارای آثار و تبعات بسیار منفی و هزینه های فراوان است که بخشی از آن در طول سه سال اجرای آن، ظاهر شده و نمود عینی یافته است. در این مقاله تلاش بر این است تا با نگاهی اجمالی به قانون فوق، چارچوب کلی و الزامات آن در حوزه کارشناسی رسمی بررسی و نقد شود و در نهایت پیشنهادهایی برای اصلاح آن ارائه شود.

۱- مقدمه

مطلب «قانون تسهیل» نامیده می شود، در چنین فضایی شکل گرفته و هدف نهایی آن، رفع این معضلات بوده است. بدیهی است اصلاح این فرآیندها و رفع معضلات و مشکلات موجود و هموارکردن مسیر اخذ این مجوزها اقدامی شایسته و بایسته است که باید در چارچوب نگرش سیستمی و با لحاظ تمامی عوامل موثر در موضوع و حتی با تفکیک انواع کسب و کارها صورت می گرفت.

ایراد مهم وارد بر قانون مرقوم، آن است که فقط بخشی از موضوع مهم صدور مجوزها و زمان و نحوه ثبت و انتشار آنها را مدنظر قرار داده و به فرآیندها نپرداخته است. همچنین در این قانون مفهوم «کسب و کار» با «حرفه» و «حرفه مندی» ممزوج و آمیخته شده و مفهوم حرفه هایی نظیر کارشناسی رسمی، وکالت، سردفتری و مهندسی ساختمان که اساساً حرفه است و کسب و کار

وجود مراحل مختلف و متعدد صدور مجوزهای کسب و کار و بعضاً عدم ضرورت و اهمیت برخی از این مراحل، بروکراسی و کاغذبازی زائد، اعمال سلیق و تصمیمات شخصی و بعضاً فراقانونی در روند صدور مجوزها و مهمتر از همه، طولانی بودن زمان صدور این مجوزها، که در مواردی موجب از دست رفتن فرصت های مطلوب، انگیزه داوطلبان و امکانات موجود شده است، متقاضی را از ادامه مسیر و ایجاد یا ادامه کسب و کار منجر به اشتغال افراد و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و بهره وری منصرف می سازد. از عیوب و ایرادات فرآیندهای صدور این مجوزها است که در موارد مختلف، موجب ناراحتی و اعتراض متقاضیان و حتی ورود ضرر و زیان به مردم و کشور می شود. به نظر می رسد، ایده اصلی تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، که در این



واژه های کلیدی:
قانون گذاری،
قانون تسهیل
صدور مجوزهای
کسب و کار،
کارشناسی رسمی



درخصوص یک فعالیت اقتصادی انحصار ایجاد کند، یا انحصار موجود را بردارد. در تمامی این موارد، اقدام قانون‌گذار می‌تواند حتی پیش از تصویب نهایی قانون بر فعالیت‌های اشخاص مختلف در جامعه تأثیر بگذارد. تأمین یک هدف با وضع قوانین مذکور، نباید با تحمیل هزینه‌های ناخواسته یا گزاف به دیگران، تحقق اهداف دیگر را مختل کند. (انصاری، ۱۳۹۹) از این حیث نیز قانون تسهیل قابل تأمل است.

«نیازسنجی و ارزیابی تأثیرات» نیز از اصول دیگر قانون‌گذاری است. به نظر می‌رسد درخصوص این قانون، نیازسنجی و ارزیابی تأثیرات آن در حوزه کارشناسی رسمی، به قدر لازم و کافی انجام نشده است. در این موضوع خلأ قانونی وجود نداشت، ضرورت چندانی نیز برای این کار ملاحظه نمی‌شد. هر قانون از آن رو وضع می‌شود که مشکلی را حل و فصل کند، یا از بروز مشکل ممانعت به عمل آورد. از این رو، قانون‌گذار همواره باید به این نکته توجه داشته باشد که آنچه انشأ می‌کند، حاصل کدام ضرورت است. (بیگزاده، ۱۳۸۷)

در قانون‌گذاری علمی، قوانین در دو مرحله ارزیابی می‌شود. مرحله پیش از تصویب و مرحله پس از تصویب. در مرحله ارزیابی پیشینی آثار احتمالی تصویب یا عدم تصویب قانونی بر حوزه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه موضوع و اهداف قانون موردنظر با روش‌های علمی ارزیابی می‌شود. هدف آن است که تضمین شود منافع حاصل از تصویب قانون از هزینه‌های آن بیشتر است و مصوبه موردنظر آثار نامطلوبی بر بخش‌های مختلف جامعه نخواهد داشت. (انصاری، ۱۳۹۹)

وضع هر نوع قانون، آثار متفاوتی بر پیکره حقوق هر کشوری به جای می‌گذارد که بازخوردگیری و اصلاح قوانین با توجه به بازخوردهای ناشی از وضع قوانین و مقررات، امری میان‌رشته‌ای خواهد بود. قانون‌گذاری در هر حوزه‌ای آثار غیرقابل انکاری بر سایر حوزه‌های اجتماعی دارد. از این رو، لازم است در قانون‌گذاری، از نگاه تک‌بعدی اجتناب شود. (اسلامی، ۱۳۹۷)

۳- تفاوت کسب‌وکار با حرفه

حرفه (Profession) تفاوت ماهوی با صنف (Guid) و کسب‌وکار (Business) دارد. فرهنگ و بستر حرفه را چنین تعریف می‌کند: «تخصصی شامل مهارت‌ها و روش‌ها و نیز اصول علمی، تاریخی و محققانه که بر آن مهارت‌ها و روش‌ها تأکید دارد و با استناد به سازمان و تشکیلات به اتفاق آرا و استانداردهای والای دستاوردها و رفتار و سلوک پشتیبانی می‌شود و اعضای خود را به مطالعاتی مستمر و نوعی کار متعهد می‌کند که نخستین مقصود آن ارائه خدمات عمومی است.»

بر اساس مطالعات مختلف اندیشمندان بحث

محسوب نمی‌شود، مخدوش شده است. سوم، جرم‌انگاری فراوان در قانون، به نحوی که در یک قانون ۵ ماده‌ای چندین بار جرم‌انگاری شده، حال آن که این امکان وجود داشت که ضمانت اجرایی مناسب دیگری پیش‌بینی شود. این جرم‌انگاری البته علاوه بر محرومیت‌ها و مجازات انتظامی و اداری مقرر در همان قانون است. گویا قانون‌گذار قصد کرده است تعاملات اقتصادی یا حرفه‌ای را در بستر ضرب و زور و کیفری کردن امر و مجازات‌های سنگین، تنظیم کند. این در شرایطی است که کاهش عناوین مجرمانه و توجه به عدم جرم‌انگاری در قانون‌نویسی، از چند سال قبل در قانون‌گذاری مطرح بوده است.

۲- اصول و فنون قانون‌گذاری

قانون‌گذاری دارای اصول و قواعدی است که توجه و دقت در آنها بسیار ضروری و مهم است. از موارد مهم در قانون‌گذاری، می‌توان معطوف بودن قانون به نیازهای واقعی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون را برشمرد. از اصول مهم قانون‌گذاری «اصل ضرورت» است. به این معنی که باید دید که آیا در قانون‌گذاری ضرورتی بر وضع آن وجود دارد یا خیر؟ برای تحقق اهداف راهکارهای گوناگونی است که تنظیم مقررات از آن جمله است. به نظر می‌رسد در موضوع مورد بحث، تدوین مقررات وافی به مقصود بود و نیازی به افزودن کارشناسی رسمی در بستر کسب و کار نبود. گفته می‌شود ضرورت وضع قانون نیز باید از مجرای مباحثه‌ها و گفت‌وگوهای اجتماعی و با استفاده از داده‌های عینی و مطالعات مرتبط با موضوع موردنظر احراز شود؛ نه بر اساس احساس‌ها، سلیقه‌ها و تشخیص‌های فردی یا سیاسی. (انصاری، ۱۳۹۹)

در این باره همچنین «اصل تناسب» مطرح است. با فرض این که وضع قانون ضروری باشد، بر اساس قاعده تناسب باید در هنگام وضع قانون، منافع عمومی و خصوصی مورد مقایسه قرار گیرند و اثر تدابیر مورد نظر قانون‌گذار نسبت به هر یک از آنها ارزیابی شود و در هر حکمی متناسب با وضع و اهمیت هر یک از این منافع تصمیم‌گیری شود. (انصاری، ۱۳۹۹)

در این مقاله با توجه به آثار و تبعات فعلی و پیش‌بینی آتی، رعایت اصل تناسب در تدوین این قانون با تردید روبه‌رو است. از اصول دیگر می‌توان «اصل کارایی» را نام برد. معنای اصل کارایی در قانون‌گذاری آن است که قوانینی باید وضع شود که بتوانند با کمترین هزینه (اعم از هزینه مالی و غیرمالی) بیشترین فایده را به دنبال داشته باشند. قانون‌گذار ممکن است با وضع یک قانون، فعالیت‌ها را ممنوع کند یا ممنوعیتی را بردارد، یا به یک معاهده بین‌المللی ملحق شود، یا

حرفه‌مندی، هر حرفه‌ای دارای ویژگی‌های خاصی است که عبارت است از:

- حاوی مجموعه‌ای از نظریه‌ها و دانش خاص؛
- دارای شأن و مرتبه اجتماعی؛
- دارای جایگاه در رشته‌های دانشگاهی؛
- اشتغال عده‌ای در عمل و نظر به آن؛
- دارای سازمان رسمی برای حرفه‌ای شدن؛
- دارای معیارهای اخلاقی و ارزشی خاص خود؛
- اعطای پروانه به دست‌اندرکاران؛
- مقررات شدید و استانداردهای سطح بالای صلاحیت‌ها؛
- مقررات حرفه‌ای لازم‌الاجرا و لازم‌الاتباع؛
- اطمینان متقابل بین اعضای حرفه و مردم؛
- ادامه کار به خاطر دیگران؛
- تقدم و اولویت ارائه خدمات بر درآمد مالی.

باید گفته شود که در کشور ما واژه حرفه در معانی مختلف استفاده می‌شود. حرفه به معنای شغل، مهارت، تخصص، کسب‌وکار، صنف و موارد دیگر استفاده شده است. در این نوشتار منظور از حرفه، ترجمه واژه Profession است که به شرح فوق، تعریف و ویژگی‌های آن بیان شد و تفاوت این معنا با معانی دیگر باید به دقت مدنظر قرار گیرد.

در بند ۳ ماده قانون بهبود مستمر کسب‌وکار مصوب ۱۳۹۰ «کسب‌وکار» چنین تعریف شده است: «به هر نوع فعالیت تکرار شونده و مشروع اقتصادی از قبیل تولید، خرید و فروش کالا و خدمات، به قصد کسب منافع اقتصادی اطلاق می‌شود.»

دیکشنری لانگمن (Longman Business English Dictionary)، کسب‌وکار را چنین تعریف کرده است: «فعالیتی برای امرار معاش یا کسب درآمد از تولید، یا خرید و فروش محصولات مانند کالاها و خدمات است.» بر اساس تعریف دیکشنری کسب‌وکار، «کسب‌وکار عبارت است از یک سیستم اقتصادی یا یک سازمان که در آن کالاها و خدمات، با کالاها و خدمات دیگر یا با پول معاوضه می‌شود. هر کسب‌وکاری نیازمند سرمایه‌گذاری و مشتریان کافی برای فروش کالا یا خدمات به منظور دستیابی به سود اقتصادی است.» (آقازاده، لطیفی، ۱۴۰۲)

هدف اساسی کسب‌وکار، به دست آوردن سود و بازدهی مالی است. سود حاصل از فروش محصولات و خدمات، میزان بازگشت سرمایه را تعیین می‌کند و برای رشد و توسعه کسب‌وکار لازم و ضروری است. رشد و توسعه کسب‌وکار و اشتغال‌زایی، از دیگر اهداف دارندگان کسب‌وکار است. کسب‌وکارها در حوزه تولید مانند تولید مواد غذایی، ابزار و ماشین-آلات، لباس و پوشاک و... خدمات مانند هتل و رستوران، خدمات

اینترنتی و... در سطح بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای (تجارت و عمده‌فروشی)، محلی (صنوف، خرده‌فروشی و پیشه‌ورمحوری) و خانگی انجام‌پذیر است.

صنف نیز در ماده ۴ قانون نظام صنفی کشور مصوب سال ۱۳۸۲ چنین تعریف شده است: «آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می‌دهند. صنوف مشمول این قانون، با توجه به نوع فعالیت آنها به چهار گروه تولیدی، خدمات فنی، توزیعی یا خدماتی تقسیم می‌شوند.» همچنین در ماده ۲ قانون مرقوم، فرد صنفی این‌گونه تعریف شده است: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، توزیع، خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به‌عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف‌کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته می‌شود.» در تبصره این ماده آمده است: «صنوفی که قانون خاص دارند، از شمول این قانون مستثنی هستند.»

با این تعاریف «صنف» را نیز می‌توان در زیرمجموعه «کسب‌وکار» ملاحظه کرد. در هیچ یک از دو قانون نامبرده به تفاوت‌های حرفه در معنای Profession با صنف و کسب‌وکار پرداخته نشده است. این نکته به غفلت از جایگاه حرفه‌ها و حرفه‌مندی در کارشناسی رسمی، وکالت، پزشکی، مهندسی، سردفتری، حسابرسی، و موارد مشابه منجر شده است؛ به نحوی که جایگاه آنها مخدوش شده است و با قرار دادن زیرواژه صنف، در زمره مشاغل محسوب می‌شوند که فاقد ویژگی‌های حرفه در معنای Profession و فرآیندهای حرفه‌مندی هستند. گرچه بسیاری از وکلای و مهندسان در اشاره به حرفه خود از آن به عنوان «صنف» یاد می‌کنند و این نکته برگرفته از تعریف کلی در قانون نظام صنفی کشور است، اما تبصره ماده ۲ آن به طور صریح حرفه‌مندی و افراد حرفه‌ای را که هر یک دارای قانون مستقل است، از تعریف افراد صنفی و صنف خارج کرده است.

البته این تعاریف در جای خود قابل نقد است و از لحاظ ویژگی‌های «تعریف» از جمله جامع و مانع بودن آنها، ایراد دارد. به هر حال، ضروری بود در تبصره قانون اخیر از واژه «صنف» استفاده نشود. مع الوصف با توجه به اینکه کارشناسی رسمی، وکالت، سردفتری، مهندسی ساختمان، پزشکی و برخی حرفه‌های دیگر، قانون مستقل حاکم بر فعالیت خود دارند، اساساً نباید

جدول شماره (۱)

موضوع	حرفه (Profession)	کسب‌وکار (Business)
مبنای اصلی قانونی	قانون مستقل و جداگانه برای هر حرفه	قانون بهبود مستمر کسب و کار / قانون نظام صنفی کشور
هدف اصلی	ارائه خدمات تخصصی به جامعه و شهروندان	حداکثرسازی سود و انباشت ثروت
مبانی نظری	حاوی مجموعه‌ای از نظریه‌ها و دانش	عدم نیاز به نظریه و دانش
ساختار اصلی	تخصصی، دانش‌محور	اقتصادی، سرمایه‌محور
تحصیلات	دارای جایگاه در رشته‌های دانشگاهی و الزام به داشتن دانش تخصصی، تجربه و مهارت مدون	لازم و ضروری نبودن تحصیلات بعضاً نیاز به مهارت تجربی
آموزش و تجربه	رسمی و منظم	غیررسمی و نامنظم
اصول اساسی	دارای اصول علمی، تاریخی و تحقیقی	فقط دارای اصول تاریخی
نوع فعالیت	تشخیصی، قضاوتی، تصمیمی و مشورتی	خرید و فروش، تولید و توزیع
مسئولیت	دائمی و مادام‌العمر / ناظر بر تشخیص و قضاوت فرد	بامدت محدود (ضمانت محصول) ناظر بر کیفیت محصول
خدمات اعضا	خدمت عمومی / اول ارائه خدمات و بعد حق الزحمه	خدمت خصوصی / اول مزد یا مبلغ و بعد ارائه خدمات
نوع تشکل	حرفه‌ای و مستقل - طبق قانون خاص	طبق قوانین و مقررات عمومی و بعضاً با اساسنامه
هدف اصلی تشکل	دفاع از حقوق جامعه و دفاع از حقوق اعضا	عمدتاً دفاع از حقوق اعضا
نقش تشکل	۱۰۰ درصد غیرانتفاعی، مدیریتی و کنترلی	امکان فعالیت انتفاعی، منافع صنفی
موضوع تشکل	اداره و سازماندهی چهارچوب فعالیت حرفه‌ای حرفه‌مندان	سازماندهی فعالیت شاغلان غیرحرفه‌ای
الزامات خاص ورود به فعالیت	تحصیلات، سابقه حرفه‌ای، آزمون، مصاحبه، کارآموزی، سوگند (برخی حرفه‌ها)، اخذ پروانه اشتغال (یا عناوین مشابه)	بدون الزام خاص، تمایل شخصی اخذ پروانه کسب یا پروانه‌های دولتی
مقررات حرفه‌ای	خاص هر حرفه، سختگیرانه	مقررات عمومی تجاری
استانداردها	مدون، سختگیرانه حاکم بر کار حرفه‌ای و فرآیندهای حرفه	مدون حاکم بر محصول
اخلاق حرفه‌ای	مدون و دارای جایگاه خاص و بااهمیت	صرفاً در چارچوب مسئولیت اجتماعی

تمتایز کند و متعاقباً قانون‌گذار نیز با اصلاح قوانین، به ذکر تبصره‌ای مبهم اکتفا نکند و این امور را با عنوان مشخص و معین جداگانه در قوانین ذکر کند. در جدول شماره (۱) به اختصار تفاوت‌های حرفه (Profession) و کسب‌وکار (Business) بیان شده است.

بنا بر نظریه جامعه‌شناسی به نام «ابوت» افراد حرفه‌ای در سه جنبه از کار تخصص دارند: تشخیص،

در ذیل واژه «صنف» شمرده شود. برداشت‌های نارسا و اشتباه از جایگاه و نوع فعالیت افراد حرفه‌مند از همین نکته آغاز می‌شود. از این رو، به همه حرفه‌مندان توصیه می‌شود تا در اشاره به حرفه خود، به جای «صنف» از واژه «حرفه» استفاده کنند.

به نظر می‌رسد، لازم است فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه‌ای مناسب برای جایگزینی ارائه کند تا آن را از معانی و استفاده‌های دیگر واژه «حرفه» جدا و

یعنی طبقه‌بندی یک مسئله، استنتاج یعنی استدلال درباره آن، حل مسئله، و انجام اقدامی درباره آن. این سه وظیفه به وضوح با یکدیگر در ارتباط هستند، تشخیص یا شناخت، اطلاعات را وارد سیستم دانش حرفه‌ای می‌کند. «حل مسئله دستورالعمل‌های حاصل از این سیستم را اعمال می‌کند و استنتاج زمانی انجام می‌شود که ارتباط بین تشخیص و حل مسئله مبهم باشد.» (مرتضوی، زارع‌پور، ۱۳۹۰)

به این ترتیب، می‌توان گفت که کارشناسی رسمی، کسب‌وکار یا صنف نیست، بلکه امری حرفه‌ای است. کارشناس رسمی فرد حرفه‌مندی است که در حرفه کارشناسی رسمی فعالیت می‌کند. وکالت، سردفتری، مهندسی ساختمان، حسابرسی نیز حرفه است و کسب‌وکار یا صنف در معنای مشخص آن، محسوب نمی‌شود. البته باید به خاطر داشت که حرفه ممکن است در خدمت کسب‌وکار قرار گیرد و حرفه‌مندان به انحای مختلف در اداره یا توسعه کسب‌وکار ایفای نقش کنند.

به نظر می‌رسد با نگرش به تعداد بسیار زیاد دانش‌آموختگان دانشگاهی که غالباً بدون کار و اشتغال در زمینه تحصیلی خود می‌باشند، طراحان قانون تسهیل به این فکر بوده‌اند که با تسهیل مجوزهای کسب‌وکار، امکان اشتغال این افراد را فراهم کنند تا جمع‌کثیری از آنان از بیکاری نجات داده شوند. گرچه ایجاد هر کسب‌وکار و راه‌اندازی آن نیز به این سادگی نیست و ملزوماتی دارد که لزوماً هر دانش‌آموخته دانشگاهی این ملزومات را ندارد، اما چنین به نظر می‌رسد که در میانه راه یا همان ابتدای تدوین طرح، طراحان این قانون به این فکر افتاده‌اند که کارشناسی رسمی، وکالت و سردفتری را هم به عنوان کسب‌وکار به این قانون بیفزایند تا به زعم خود جای بیشتری برای اشتغال دانش‌آموختگان فراهم کنند. غافل از آن که نخست، کارشناسی رسمی کسب‌وکار نیست؛ دوم، شغل نیست و سوم، موجب رفع بیکاری دانش‌آموختگان نمی‌شود. بنابراین قرار دادن چنین فرض‌هایی از اساس مردود بوده است.

ع- ایرادات وارد بر قانون تسهیل

ذکر تفاوت کسب‌وکار با «حرفه» و «حرفه‌مندی» از آن جهت ضروری بود که مبنای قانون تسهیل، همان‌گونه که در عنوان آن نیز آمده است، توجه به تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار بوده است. همان‌گونه که گفته شد، در جای خود امری مستحسن، شایسته و مفید است. زیرا در برخی موارد، مقررات دست‌وپاگیر و غیرضروری به نحوی متقاضیان یا تمدیدکنندگان مجوزهای کسب‌وکار را گرفتار می‌کند که موجب از

دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مانعی در توسعه کسب‌وکار، تولید و عرضه محصول و فرآیندهای مربوط می‌شود که کسب‌وکار را از اساس آن با دشواری یا حتی تعطیلی مواجه می‌کند و این موانع همواره به صورت گلایه‌های مختلف توسط صاحبان کسب‌وکارهای مختلف بیان شده است. اما ایراد آنجاست که قانون‌گذار در این قانون «کارشناسی رسمی»، «وکالت» و «سردفتری» را نیز جزو کسب‌وکار محسوب کرده و آن را صرفاً از منظر خریدوفروش یا تولید و توزیع دیده است. حال آن که به گواه مطلب مختصری که بیان شد، این فعالیت‌ها اساساً «حرفه» هستند و کسب‌وکار محسوب نمی‌شود. یعنی اساس حرفه‌ها از جمله کارشناسی رسمی، وکالت و سردفتری بر درآمد استوار نیست، بلکه مبتنی بر ارائه مطلوب خدمات است.

حرفه‌مند باید قبل از آنکه به فکر درآمد باشد، به ارائه خدمت مطلوب، دقیق، کامل، منطبق با استانداردها و مقررات حرفه و اخلاق حرفه‌ای بیندیشد و آن را به عالی‌ترین نحو ممکن و در توان خود، انجام دهد و سپس به نسبت کار انجام‌یافته و خدمت ارائه‌داده، محقق به دریافت حق‌الزحمه خواهد بود و ای بسا در مواردی حرفه‌مند فعالیت خود را بدون چشمداشت مادی انجام می‌دهد.

قانون‌گذار با قرار دادن این حرفه‌ها ذیل قانون کسب‌وکار، جایگاه آنها را تقلیل داده و حرفه‌مندی را به کسب درآمد به جای خدمت سوق داده است. هیچ حرفه‌مند واقعی، دفتر خود را برای اینکه درآمدی در روز داشته باشد، نمی‌گشاید. ذهنیت حرفه‌مند واقعی چنین است که امر کارشناسی، وکالت یا تنظیم سندی به وی رجوع شود، آن را با نهایت دقت و توانمندی حرفه‌ای انجام دهد. خدمتی که عدالت، انصاف و رضایت در پی آن باشد و البته پس از ارائه خدمت، حق‌الزحمه خود را دریافت کند. پس مهم آن است که حرفه‌مندی را نباید صرفاً از جنبه تولید و توزیع و فروش نگاه کرد. این نگاه ایرادی بزرگ است که در آینده تبعات و آثار بسیار مخربی خواهد داشت. تصور کنید که کارشناس رسمی، وکیل و سردفتر به جای تأمل بر ارائه مطلوب خدمت خود فقط به فکر درآمد و درآمدی هر چه بیشتر باشد و حرفه خود را کسب‌وکار تلقی و قربانی درآمد و سودآوری کند، چه فاجعه‌ای در جامعه، روابط اجتماعی، دادرسی دادگاه‌ها و مراجع قضایی و تنظیم و ثبت اسناد و روابط غیرقضایی اشخاص حقیقی و حقوقی عمومی و خصوصی به وجود خواهد آمد.

دومین ایراد وارد بر این قانون، حذف مبنای نیاز در کشور به کارشناس رسمی است. در گذشته، پذیرش کارشناس رسمی در هر نوبت بر اساس نیاز به کارشناس رسمی در هر محل یا حوزه بود. حتی با این وضع



بپردازند. با وجود خطمشی کاهش مرافعات و پرونده‌های قضایی، افزایش تعداد کارشناسان رسمی که در تعارض با آن خطمشی است، چگونه قابل توجیه است؟

ایرادهای سوم، چهارم و پنجم در نحوه پذیرش کارشناسان رسمی در این قانون، متبلور است. نخست نمره آزمون، دوم حذف مصاحبه فنی و سوم، آزمون‌های مسلسل سالانه.

روش پذیرفته‌شده جهانی و رایج در کشور برای آزمون‌ها، کسب حداقل نیمی از نمره منظور شده (۱۰ از ۲۰ یا ۵۰ از ۱۰۰) است که بیانگر پاسخگویی داوطلب به نیمی از پرسش‌ها و به عبارت دیگر، دارا بودن توانمندی حداقل در تسلط بر نیمی از مطالب ضروری مطرح در آزمون است.

روش مقرر در مفاد تبصره ۱ ماده ۴ قانون تسهیل، حداقل ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات یک درصد حائزان بالاترین امتیاز هر رشته است. در ناکارآمدی این روش، نتایج نمره‌های برخی از قبول‌شدگان در آزمون‌های سال‌های اخیر، چه از منظر قبولی با اخذ نمره صفر در برخی مواد امتحانی، بسیار حائز اهمیت یا قبولی با نمره پایین که نشانگر نداشتن توانمندی کافی فرد علیرغم قبولی است، خود گواه است. از

بسیاری از کارشناسان به علت کثرت تعداد کارشناسان و ارجاع نشدن امر کارشناسی در سال‌های قبل، پروانه خود را تمدید نمی‌کنند. پذیرش بی‌رویه و بدون نیاز، که متأسفانه اکثر پذیرفته‌شدگان نیز در رشته‌هایی هستند که در بسیاری از استان‌ها از نظر تعداد اشباع شده است، به مثابه سونامی کارشناس است. همان‌گونه که متأسفانه بدون آینده‌نگری در حوزه مهندسی ساختمان اتفاق افتاد. این شیوه حرفه‌مندی را از درون تهی می‌کند، فرد کارشناس که به علت کثرت تعداد همکاران نتواند به طور مستمر به کارشناسی بپردازد، از ترتیبات، اصول و مهارت کارشناسی، دانش و مقررات روز جدا خواهد افتاد و ای بسا اظهارنظر وی توأم با خطا و اشتباه باشد. خطا یا اشتباهی که ممکن است در تصمیم قضایی و ملاک قبولی مندرج در قانون است. یا اینکه اصلاً عطا کارشناسی را به لقای آن ببخشند و از این حرفه جدا شوند. در این جا تناقض دیگری در سیاست‌گذاری نیز دیده می‌شود، مگر نه اینکه خطمشی کلی کشور باید بر کاهش اختلافات و پرونده‌های قضایی قرار گیرد؟

به امید روزی که دادگاه‌ها و مراجع قضایی هیچ مراجعه‌کننده‌ای به لحاظ طرح دعوا و مرافعه نداشته باشند و فقط به تصمیمات قضایی مانند امور حسبی

هر دو آسیب‌رسان به حقوق و مال و جان اشخاص و منابع ملی است.

قانون تسهیل، شرایطی فراهم کرده است که برخی از اشخاص بدون آن که حتی خود را دارای شایستگی بدانند، به علت شرایط سهل و به امید کسب درآمد، تشویق می‌شوند تا در آزمون ثبت‌نام کنند. پس از تصویب قانون تسهیل، این پرسش که کدام رشته کارشناسی درآمد بیشتری دارد، یا درآمد فلان رشته در سال چقدر است، پرسش‌های رایجی شده است. در صورتی که در سال‌های دور، نیل به حرفه کارشناسی رسمی برای فرد افتخاری بزرگ بود، زیرا کارشناس رسمی شخصی محسوب می‌شد که در شغل و رشته کاری خود، به درجات عالی و به مرحله‌ای رسیده است که نظر او صائب است، دادگاه از وی نظر می‌خواهد و بر اساس آن تصمیم می‌گیرد، یا رأی صادر می‌کند. اشخاص حقیقی و حقوقی، نظر وی را محترم می‌شمارند. چنین فردی متوجه بود که در بسیاری از قوانین، مراجعه به کارشناس رسمی و اخذ نظر وی الزامی است و باید به این نکته اهمیت خاصی قائل باشد. از این رو، فردی که با زحمت و مزارت به چنین درجه‌ای رسیده بود، ارزش و منزلت جایگاه حرفه‌ای خود را به خوبی می‌دانست و همانند یک حرفه‌مند عمل می‌کرد، نه اینکه به سهولت به آن دست یابد و بلافاصله دنبال درآمد باشد و حرفه را محلی برای کسب‌وکار بداند. تالی فاسد این نوع تفکر چه معضلاتی در پی خواهد داشت، آینده نشان خواهد داد.

از قرائن و شواهد موجود پیداست، نتیجه تغییر فرآیند پذیرش کارشناسی در قانون تسهیل در آینده، بی‌تردید وجود کارشناسان جویای درآمد با توانمندی کمتر، در کنار اندک کارشناسان مبرز و توانمند خواهد بود. قانون تسهیل با ساده‌سازی نیل به کارشناسی رسمی، درکنار تعدد نهادهای ارائه‌دهنده پروانه کارشناسی و تغییرات سازمانی و ساختاری نهادهای فوق، نه تنها جایگاه کارشناسی رسمی را به شدت تنزل خواهد داد، بلکه تأثیرات فراوان منفی در نیل به عدالت و انصاف در دادرسی‌های قضایی و تأمین حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی در موارد غیرقضایی خواهد داشت.

پیش‌بینی می‌شود، جایگاه و اظهارنظرهای کارشناسی رسمی با سقوطی غیرقابل قبول مواجه شود. البته هر تصمیمی که در آن موقع اتخاذ شود، «نوش دارو پس از مرگ سهراب» خواهد بود. همان‌گونه که بسیاری از قضات، حقوقدانان، اندیشمندان، متخصصان و دلسوزان سال‌ها پیش درخصوص حذف دادسراها گفتند و نوشتند، اما اصرارکنندگان بر تصمیم نادرست خود پای فشردند و سال‌ها بعد مشخص شد که این تصمیمی اشتباه بود و به ناچار آن را احیا کردند. اما در

سوی دیگر مصاحبه فنی حضوری که به عنوان یک اصل کلی در همه موارد مشابه الزامی است، موجب بررسی شایستگی فرد از یک سو و مفید بودن سابقه کار اعلامی وی از سوی دیگر است. حذف مصاحبه فنی که در قانون تسهیل پیش‌بینی نشده و گرچه عبارت «طی مراحل مقتضی» ظاهراً دلالت بر ابقای آن دارد، اما عملاً با پیگیری‌های معمول شده توسط مقامات مختلف از مراحل مقتضی حذف شده است؛ از پیامدهای نامناسب این قانون محسوب می‌شود. آزمون‌های مسلسل و پشت سرهم سالانه توسط نهادهای کارشناسی رسمی و حتی برگزاری دوبار در سال در صورت عدم برگزاری در سال قبل به دلایل خارج از اختیار برگزارکننده، که به مسابقه آزمونی شبیه است، نیز در این راستا مزید علت است. آزمون‌های پشت سر هم عملاً به کاهش نمره قبولی منجر می‌شود و این فرآیند را ناکارآمدتر می‌سازد. سوال اینجاست که اگر نظر بر این بود که این حجم زیاد کارشناس رسمی، بدون مصاحبه و با آزمون‌های پی در پی جذب شوند، اصولاً چه نیازی به آزمون بود و کافی بود اعلام شود هر کسی با تحصیلات مربوط و پنج سال سابقه کار، می‌تواند کارشناس رسمی شود، زیرا نهایت فرآیند فعلی چیز آن یا نزدیک به آن نخواهد بود. این نحوه پذیرش، کارآموزی را نیز بسیار دشوار می‌کند، علاوه بر این که تعداد کارشناسان واجد شرایط در هر رشته یا کارشناسانی که اساساً کارآموز قبول کنند، بسیار کمتر از متقاضیان کارآموزی است و در نتیجه کارآموزی کیفیت لازم را دارا نخواهد بود، کارشناس راهنما نیز مواجه با پذیرفته‌شدگانی خواهد بود که در مفاهیم بدیهی و اصول اولیه و مقدماتی اطلاعات لازم و کافی ندارند، طبعاً فرصت و مدت کارآموزی آن چنان نیست که کارشناس راهنما بخواهد کارآموزی را به بدیهیات اختصاص دهد. برخی نکات اجتماعی نیز مانع از آن است که کارآموز را مردود کند. از طرفی هم نمی‌تواند با وجدان راحت طی دوره کارآموزی را تأیید کند.

اینکه برای اخذ حرفه‌مندی در هر حرفه‌ای مراحل سختگیرانه‌ای اعمال شود، نه تنها هیچ‌گونه اشکالی ندارد، بلکه کاملاً ضروری و لازم است. این روند در کشورهای پیشرفته هم جاری است و به این لحاظ است که حرفه‌مندان این کشورها هم در دنیا شهره هستند و هم توان و کارآمدی بسزایی دارند. از این روست که با چنین روندهای سختگیرانه و مراحل سنجیده جایگاه و اعتبار و کار حرفه‌ای، محترم و بسیار شایسته می‌شود. روند سهلگیرانه نیل به حرفه‌مندی، توسط افرادی استقبال و تقاضا می‌شود که یا کارآمدی و توان و دانش کمتری دارند و می‌خواهند به راحتی و بدون دانش و توانمندی لازم وارد حرفه شوند یا به حرفه موردنظر خود فقط از منظر درآمد نگاه می‌کنند و این

شخص است؛ شورای عالی کارشناسان، رییس شورا، کانون استان، هیئت مدیره کانون، هیئت ریسه کانون یا رییس کانون؟
در مجموع، از حیث شکلی و ماهوی، ایرادهای دیگری نیز بر قانون تسهیل مترتب است. اما از آنجا که بحث این مطلب محدود به حوزه کارشناسی رسمی است، پرداختن به این موارد، به فرصتی دیگر موقوف می‌شود.

۵- نتیجه و پیشنهاد

۱-۵- پیشنهاد معادلی مناسبی برای واژه Profession با ویژگی‌های بیان شده، توسط فرهنگستان زبان و ادب فارسی و جایگزینی آن در تمامی قوانین و مقررات مربوط با تعریف جایگاه ویژه و مختص آن.
۲-۵- مطالعه جامع و کاملی در قالب یک طرح پژوهشی درباره نتایج حاصل از چهار سال تصویب و اجرای قانون تسهیل و آسیب‌شناسی آن انجام شود.
۳-۵- بازنگری قانون تسهیل مجوزهای کسب و کار با امعان نظر در مبانی قانونی و حذف بخش‌های کارشناسی رسمی، وکالت و سردفتری از آن به عمل آید.
۴-۵- مطالعه جامع و سیستمی در نحوه پذیرش حرفه‌مندی در حوزه کارشناسی رسمی از ابتدای تأسیس تاکنون و تدوین فرآیند مناسب پذیرش با توجه به تجارب حاصل با تقویت قوت‌ها و رفع ضعف‌ها در کنار استفاده از تجارب کشورهای دیگر و نتایج طرح پژوهشی یادشده و اعمال تغییرات در صورت لزوم، صرفاً در قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری انجام شود.

این فاصله چه شد، بحثی دیگر است. با چنین تجاربی، نگذاریم قانون تسهیل نیز در حوزه‌های حرفه‌ای چند سال بعد به چنین نتیجه‌ای برسد که البته با ضرورت‌های و هزینه‌های پیدا و پنهان بیشتر خواهد بود.
ایراد پنجم آن که قانون‌گذار در صدر تبصره ۱ ماده ۴ «کانون کارشناسان رسمی دادگستری» را موظف به برگزاری آزمون کرده است. حال آن که آزمون‌های کارشناسی توسط شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری در کل کشور به طور سراسری برگزار می‌شود و طبق مفاد ماده ۱ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری در مراکز استان‌ها، که مطابق این قانون تشکیل می‌شوند، به عنوان کانون استان شناخته می‌شوند. آیا باید با توجه به صدر تبصره فوق، چنین پنداشت که کانون هر استان، باید آزمونی جداگانه برگزار کند یا کانون‌ها به اتفاق آزمون برگزار کنند؟ در این صورت تکلیف آزمون‌های برگزارشده توسط شورای عالی با توجه به نص فوق چیست؟ یا اینکه سهو قانون‌گذار در استفاده از واژه‌های شورای عالی به جای کانون بوده است؟ در این صورت چه تضمینی است که در سایر ایرادهای وارد بر این قانون نیز چنین سهوی با توجه اندک صورت نگرفته باشد؟
جرم‌انگاری حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۴ درخصوص برگزار نکردن آزمون سالانه کارشناسی رسمی، نه تنها با سیاست‌های کلی کاهش عناوین مجرمانه و جرم‌زدایی از قوانین مغایر است، بلکه حتی مشخص نشده است که عدم اجرای حکم مقرر معطوف به کدام نهاد و کدام

مراجع

۱. قانون بهبود مستمر کسب و کار، مصوب سال ۱۳۹۰
۲. قانون نظام صنفی کشور، مصوب سال ۱۳۸۳
۳. قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، مصوب سال ۱۳۸۱
۴. انصاری، باقر، اصول و فنون قانون‌گذاری، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۹۹
۵. اسلامی، سید محمدهادی، اصول و فنون قانون‌گذاری، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۷
۶. بیگ‌زاده، صفر، شیوه‌نامه نگارش قانون، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷
۷. آقازاده، هاشم، آقازاده، محمد مهدی، تحلیل کسب و کار، انتشارات سمت، تهران، ۱۴۰۲
۸. مرتضوی، مهدی، زارع‌پور، فضل‌الله، حرفه‌گرایی در مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران ۱۳۹۰
۹. سایت‌های مختلف به زبان انگلیسی در بین تفاوت «کسب و کار» و «حرفه».



پروانه حافظی

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
راه و ساختمان

قانون تسهیل و حرفه کارشناسی؛ از «تسهیل ورود» تا «مدیریت اثرگذاری»

مقدمه

در سال‌های اخیر، تصویب و اجرای «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» با هدف رفع موانع اداری، تسریع فرآیندها و افزایش رقابت در عرصه اقتصادی، تحولی اساسی در نظام صدور مجوزهای حرفه‌ای کشور ایجاد کرد. با وجود اهداف مثبت این قانون در بسیاری از مشاغل، اجرای یکسان آن در حرفه‌های تخصصی و پرریسک، به‌ویژه حرفه کارشناسی رسمی دادگستری، پرسش‌ها و نگرانی‌های بنیادینی را برانگیخته است. مسئله اصلی این است که آیا منطق «تسهیل و افزایش کمیت» با ماهیت «دقت، تأمل و مسئولیت‌پذیری» در کارشناسی قابل جمع است؟ یافته‌های میدانی و تحلیل‌های نهادی نشان می‌دهد که در این میان، کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری به‌عنوان تنها نهادهای مشروع تضمین کیفیت، نقشی حیاتی در خنثی‌سازی پیامدهای منفی این قانون و حفظ قابلیت اتکای گزارش‌های کارشناسی ایفا می‌کنند.

کارشناسی رسمی؛ حرفه‌ای حاکمیتی، نه کسب‌وکار متعارف

نخستین خطای راهبردی در مواجهه با قانون تسهیل، یکی انگاشتن حرفه کارشناسی با سایر مشاغل کم‌ریسک است. کارشناسی رسمی، صرفاً یک «کسب‌وکار» برای امرار معاش نیست، بلکه نهادی حاکمیتی-حرفه‌ای است. کارشناس به‌عنوان «ترجمان واقعیت» و «کاهنده عدم قطعیت»، نقشی تعیین‌کننده در فرآیندهای قضایی و اجرایی دارد. خروجی کار او، یعنی نظریه کارشناسی، به‌طور مستقیم بر جان، مال، حقوق و اعتبار اشخاص و همچنین بر رأی قاضی و تصمیم دستگاه اجرایی اثر می‌گذارد.

در چنین جایگاه خطیری، استقلال حرفه‌ای، دانش چندبُعدی، تجربه میدانی و توان تحلیل روشمند، خط قرمزهای این حرفه محسوب می‌شوند. تقلیل این شاخص‌های کیفی به صرف «داشتن مجوز» و «افزایش تعداد»، نه «گسترش عدالت» که توزیع نابرابر ریسک در جامعه است؛ ریسکی که هزینه نهایی آن را مردم و نظام قضایی پرداخت می‌کنند.

قانون تسهیل و مخاطرات آن برای نظام کارشناسی قانون تسهیل با تمرکز یک‌سویه بر کاهش موانع ورود، عملاً در حرفه کارشناسی را به روی افرادی گشوده است که بخش قابل توجهی از آنان فاقد تخصص میدانی، بلوغ حرفه‌ای و درک عمیق از مسئولیت حقوقی گزارش خود هستند. این وضعیت، مخاطرات چندگانه‌ای را به دنبال داشته است:

۱. جانشینی «سرعت و کمیت» به جای «دقت و کیفیت»: فشار بر تعرفه‌ها و افزایش عرضه، انگیزه‌های اقتصادی را بر انگیزه‌های حرفه‌ای غالب کرده و کیفیت گزارش‌ها را به خطر می‌اندازد.

۲. افزایش ریسک تصمیم‌های قضایی و اجرایی: گزارش‌های سست‌بنیاد و غیرروشمند، مبنای تصمیم‌گیری قضات قرار گرفته و احتمال خطای قضایی را افزایش می‌دهد.

۳. جابه‌جایی ریسک: قانون تسهیل ریسک را حذف نمی‌کند، بلکه آن را از متقاضی ورود به نظام قضایی و از فرد به جامعه منتقل می‌کند. هزینه پایین آمدن آستانه ورود را نه تازه‌وارد، بلکه

کارشناس ضعیف به طور طبیعی از چرخه ارجاع حذف می شود.

۴. آموزش و آزمون های کاربردی اجباری پس از ورود: به جای تمرکز بر آزمون ورودی (که هدف قانون تسهیل است)، می توان با الزام به آموزش های سالانه و برگزاری آزمون های عملی، صلاحیت کارشناسان را به روزرسانی کرد. عدم قبولی در این آزمون ها باید به معنی تعلیق ارجاع باشد.

سناریوی بی عملی و ضرورت بلوغ نهادی

اگر قانون ها به این ابزارها مجهز نشوند، یا از به کارگیری آنها پرهیز کنند، پیامدهای پرهزینه ای نظیر افت کیفیت گزارش ها، افزایش اعتراضات و اطاله دادرسی، تضعیف اعتماد قضات و در نهایت، جایگزینی کارشناسی رسمی با مشاوران غیررسمی و بی اعتبار شدن کامل این حرفه قابل پیش بینی است. در مقابل، پاسخ بالغانه حرفه کارشناسی به تسهیل، «سختگیری هوشمندانه پس از ورود» است. کیفیت، بهترین و مشروع ترین فیلتر است. این رویکرد، نه تنها با قانون تسهیل در تضاد نیست، بلکه با تکمیل آن، زمینه را برای پالایش طبیعی و ارتقای واقعی حرفه فراهم می کند.

قاضی، دستگاه اجرایی و در نهایت، مردم می پردازند. ۴. تضعیف اعتماد عمومی: تداوم این وضعیت، اعتبار تاریخی «برند کارشناس رسمی» را که طی دهه ها با سختگیری علمی شکل گرفته است، به سرعت فرسوده می کند و نظام تصمیم سازی را به سمت استفاده از مشاوران غیررسمی سوق می دهد.

کانون های کارشناسی؛ از نهاد اداری تا سپر نهادی کیفیت

در چنین شرایطی، بزرگترین خطای راهبردی، بی عملی و اکتفا به نقش سنتی «صدر پروانه» است. اگر کانون ها نتوانند میان «دارنده مجوز» و «کارشناس قابل اتکا» تمایز عملی ایجاد کنند، در عمل در تضعیف حرفه مشارکت کرده اند. پاسخ هوشمندانه به قانون تسهیل، تقابل حقوقی یا تلاش برای ابطال پروانه های صادر شده نیست، بلکه «بازتعریف نقش نهادی» از یک شکل اداری به «نهاد تضمین کیفیت» است. راهبرد اصلی باید مبتنی بر یک تمایز کلیدی باشد: «حق ورود» در برابر «حق اثرگذاری». قانون تسهیل، حق ورود را تنظیم می کند، اما این کانون ها هستند که باید با ابزارهای حرفه ای، تعیین کنند که چه کسی حق دارد نظر کارشناسی بدهد و بر تصمیم های قضایی اثر بگذارد.

ابزارهای عملی کانون ها برای مدیریت اثرگذاری و تضمین کیفیت

برای خنثی سازی پیامدهای منفی قانون تسهیل و ایجاد تمایز نهادی میان «ورود قانونی» و «ماندگاری حرفه ای»، کانون ها می توانند از ابزارهای زیر بهره گیرند:

۱. استانداردسازی اجباری گزارش ها (COM): الزام گزارش ها به داشتن چهارچوبی روشن با مفهوم مشخص (Concept)، مستندات کافی (Object) و روش قابل دفاع (Method)، گزارش را از یک «نظر شخصی» به یک «محصول حرفه ای قابل داور» تبدیل می کند. گزارش غیراستاندارد باید برگشت خورده و برای کارشناس امتیاز منفی داشته باشد. در این مدل، تسهیلی فاقد صلاحیت دوام نمی آورد.
۲. ایجاد نظام ارزیابی مستمر کیفیت: نظارت نباید فقط محدود به تخریف های آشکار باشد، بلکه باید کیفیت تحلیلی، انسجام روش و دقت گزارش ها را به صورت مستمر بسنجد. این ارزیابی باید خروجی محور باشد و مستقیماً در رتبه بندی کارشناسان اثر بگذارد.
۳. رتبه بندی واقعی و مدیریت هوشمند ارجاع: ارجاع تصادفی یا مساوی به کارشناسان، در شرایط ناهمگنی شدید کیفیت، خود عامل بی عدالتی است. ارجاع باید بر اساس تخصص واقعی، سابقه و رتبه کیفی (که از ارزیابی مستمر حاصل می شود) صورت گیرد.

نتیجه گیری

قانون تسهیل، مسیر ورود به حرفه کارشناسی را هموار کرده است، اما آینده حرفه کارشناسی نه با محدودسازی ورود، بلکه با «مدیریت اثرگذاری» تبیین می شود. در این مسیر، کانون های کارشناسان رسمی دادگستری آخرین سد نهادی در برابر فروکاستن کارشناسی به یک فعالیت کم هزینه و کم مسئولیت هستند. آنان باید با تفکیک «ورود قانونی» از «اثرگذاری کارشناسی»، با اعمال استانداردهای سختگیرانه، ارزیابی مستمر و مدیریت هوشمند ارجاع، تضمین کنند که صرف داشتن پروانه، مجوز اثرگذاری بر تصمیم های قضایی نیست. بقا و اثرگذاری باید تنها نصیب کسانی شود که توان پاسخگویی به استانداردهای عالی حرفه ای را دارند. دفاع از کیفیت کارشناسی، مخالفت با قانون نیست؛ کوتاه آمدن از کیفیت، خیانت به عدالت و اعتماد عمومی است.



فرصت‌ها و تهدیدهای قانون تسهیل در کارشناسی رسمی

مقدمه

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار مصوب سال ۱۴۰۰ با هدف کاهش موانع ورود به بازار، افزایش رقابت و شفافیت در فرآیند صدور مجوزها تدوین شد. این قانون با ایجاد «درگاه ملی مجوزها» و تقسیم‌بندی مجوزها به دو دسته تأییدمحور، تلاش دارد تا فرآیندهای پیچیده و زمانبر گذشته را ساده‌تر کند. در حوزه کارشناسی رسمی دادگستری، که یکی از مشاغل حساس و تخصصی محسوب می‌شود، اجرای این قانون پیامدهای متعددی به همراه داشته است.

ساده‌سازی بیش از حد ممکن است با این الزامات در تضاد باشد؛ فشار بر نهادهای نظارتی؛ سازمان‌های قضایی و صنفی باید ظرفیت بیشتری برای کنترل و ارزیابی داشته باشند؛

ابهام در تطبیق با قوانین موجود؛ برخی مواد قانون کارشناسان رسمی دادگستری نیازمند بازنگری و هماهنگی با قانون جدید هستند.

بخش چهارم: آثار اجتماعی و اقتصادی

افزایش اشتغال: امکان ورود فارغ‌التحصیلان بیشتر به بازار کار؛

کاهش هزینه‌ها: تسهیل صدور مجوزها هزینه‌های اداری و مالی را کاهش می‌دهد؛

اعتماد عمومی: اگر نظارت کافی وجود داشته باشد، شفافیت می‌تواند اعتماد مردم به کارشناسان رسمی را افزایش دهد؛

ریسک بی‌اعتمادی: در صورت بروز تخلفات یا کاهش کیفیت، اعتماد عمومی به کارشناسان رسمی و نظام قضایی آسیب خواهد دید.

نتیجه‌گیری

قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» در حوزه کارشناسی رسمی دادگستری، فرصت‌ها و تهدیدهای همزمان ایجاد کرده است. از یک سو، این قانون با کاهش موانع و افزایش رقابت می‌تواند عدالت اجتماعی و کیفیت خدمات را ارتقا دهد. از سوی دیگر، نبود نظارت دقیق و ارزیابی علمی می‌تواند منجر به افت کیفیت و افزایش تخلفات شود. بنابراین اجرای موفق این قانون در حوزه کارشناسی رسمی، نیازمند طراحی سازوکارهای نظارتی قوی، بازنگری در قوانین مرتبط و آموزش مستمر کارشناسان جدید است. تنها در این صورت می‌توان از مزایای قانون بهره‌مند شد و پیامدهای منفی آن را کنترل کرد.

بخش اول: معرفی قانون و اهداف

هدف اصلی: کاهش انحصار و رانت در صدور مجوزها سازوکار اجرایی: ایجاد سامانه ملی برای ثبت درخواست‌ها و صدور مجوز، ظرف سه روز کاری

تقسیم‌بندی مجوزها

الف - مجوزهای تأییدمحور (نیازمند بررسی تخصصی و تأیید نهاد صادرکننده)

ب - مجوزهای ثبت‌محور (صدور خودکار پس از ثبت اطلاعات)

تأثیر کلی: افزایش سرعت، شفافیت و دسترسی برابر برای متقاضیان.

بخش دوم: پیامدهای مثبت در حوزه کارشناسی رسمی

کاهش بروکراسی: حذف فرآیندهای طولانی و پیچیده برای ورود کارشناسان جدید؛ افزایش رقابت سالم: امکان ورود افراد متخصص بیشتر، کاهش انحصار و رانت؛ شفافیت اطلاعات: انتشار عمومی مجوزها و جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی؛

تقویت عدالت اجتماعی: فراهم شدن فرصت برابر برای فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط؛ ارتقای کیفیت خدمات: رقابت بیشتر می‌تواند منجر به افزایش کیفیت کارشناسی شود.

بخش سوم: چالش‌ها و پیامدهای منفی

احتمال افت کیفیت: ورود سریع و گسترده افراد بدون ارزیابی دقیق می‌تواند سطح تخصص را کاهش دهد؛

خطر افزایش تخلفات: در صورت نبود نظارت کافی، امکان ثبت اطلاعات نادرست وجود دارد؛

تعارض با ماهیت کارشناسی رسمی: این حرفه نیازمند صلاحیت عملی، اخلاقی و تجربه است.



منصور لطفی

کارشناس رسمی
دادگستری
در رشته بیمه

نقشه راه قانون های استانی برای کاهش پیامدهای نامطلوب قانون تسهیل

مدیریت بحران «کیفیت» در عصر «تورم کمیت»

چکیده

اجرای «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» و حذف ظرفیت از آزمون کارشناسی، نهاد دیرپای کارشناسی رسمی را وارد شیب تند و لغزنده «افزایش کمی» کرده است. به نظر می‌رسد ماشین جذب کارشناس در سرایشی قرار گرفته و فعلاً هیچ ترمزی قادر به توقف کردن آن نیست؛ مجلس شورای اسلامی نیز همچنان بر موضع خود پافشاری می‌کند. در پاسخ به فراخوان نشریه مبنی بر اینکه «کانون‌ها چه راهکارهایی برای کاهش پیامدها دارند؟»، این مقاله استدلال می‌کند که انفعال جایز نیست. راهکارها باید در قالب یک «استراتژی دوگانه» پیگیری شوند: نخست، تداوم رایزنی‌های سطح بالا با قوه مقننه برای خروج ماهیت کارشناسی از شمول این قانون (به عنوان راهکار ریشه‌ای)، و دوم، پناه بردن به استانداردهای بین‌المللی نظیر ISO و IVS ۱۷۰۲۴ برای مدیریت کیفیت در شرایط اشباع بازار (به عنوان راهکار عملیاتی و فوری).



احمد آقامیرزایی

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
برق، الکترونیک و
مخابرات

کنند. وقتی کارشناس جدیدالورود ملزم باشد تا طبق یک «متدولوژی استاندارد» و «فرمول مشخص» عمل کند، نه بر اساس حدس و گمان، ریسک خطا به حداقل می‌رسد و تشتت آرا کاهش می‌یابد. استاندارد، جای خالی تجربه را پر می‌کند.

راهکار سوم: تغییر مدل نظارت با ISO ۱۷۰۲۴ (فیلتر بقا)

وقتی سد ورودی برداشته شد، کانون‌ها باید سد «بقا» را محکم کنند. طبق استاندارد جهانی ISO ۱۷۰۲۴، صلاحیت یک امر لحظه‌ای نیست.

راهکار عملیاتی این است که کانون‌ها تمدید پروانه را منوط به گذراندن دوره‌های آموزش مداوم و پایش مستمر عملکرد کنند. اگر قانون‌گذار اصرار دارد تا ورود آسان باشد، کانون باید با ابزارهای آموزشی و نظارتی مدرن، اجازه ندهد که افراد فاقد صلاحیت علمی در بدنه کارشناسی باقی بمانند.

راهکار چهارم: هوشمندسازی کامل توزیع کار (تضمین عدالت)

با افزایش نجومی تعداد کارشناسان، بزرگترین پیامد نامطلوب، «بیکاری نخبگان» و «فساد در ارجاع» خواهد بود. روش‌های سنتی ارجاع دستی، دیگر پاسخگو نیست. کانون‌های استانی باید به سمت اجرای کامل سامانه هوشمند ارجاع حرکت کنند. حذف کامل مداخله انسانی در ارجاع کار، تنها راهی است که می‌تواند عدالت توزیعی را در میان خیل عظیم کارشناسان تضمین کرده و از ایجاد رانت جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

مسیر پیش‌رو دشوار است، اما بن‌بست نیست. کانون‌های کارشناسان رسمی می‌توانند با اتخاذ یک رویکرد فعالانه، تهدید «قانون تسهیل» را مدیریت کنند. از یک سو باید پرچم اصلاح قانون را بالا نگه داشت و از سوی دیگر با تجهیز به ابزارهای نوین استانداردسازی (IVS) و نظارت هوشمند، اجازه نداد که افزایش کمیت، منجر به قربانی شدن کیفیت و اعتبار کارشناسی شود.

همکاران ارجمند؛ باید بی‌تعارف صحبت کرد. مجلس با تصویب قانون تسهیل، کارشناسی را وارد مسیری پرخطر کرده است. زبان‌های این قانون بر همه دلسوزان نظام قضایی روشن شده است؛ شورای عالی، جلسات متعددی برگزار کرده و موضع قوه قضاییه نیز مشخص است، اما سیل ورودی‌ها همچنان ادامه دارد. اکنون پرسش کلیدی این است: در این وضعیت که «کمیت» از کنترل خارج شده است، کانون‌های استانی چگونه می‌توانند از سقوط «کیفیت» جلوگیری کنند؟ پاسخ در ترکیبی از «مذاکره سیاسی» و «استانداردسازی فنی» نهفته است.

راهکار اول: تداوم مذاکره برای اصلاح قانون (درمان ریشه‌ای)

اگرچه قانون اجرایی شده، اما نباید از مطالبه‌گری خسته شد. همیشه با پیگیری مستمر و ارائه مستندات از آثار زیانبار اجرای یک قانون، امکان اصلاح آن وجود دارد. کانون‌های استانی باید با مستندسازی دقیق پیامدهای منفی قانون (مانند آمار اطلاع دادرسی ناشی از نظرات غیرفنی کارشناسان جدیدالورود)، دوباره باب گفتگو با کمیسیون قضایی مجلس را باز کنند. استدلال اصلی ما همچنان پابرجا است: «کارشناسی رسمی دادگستری» از نظر ماهیتی «کسب و کار» نیست که مشمول رقابت بازار آزاد شود؛ بلکه شأنی از شئون دادرسی است. هدف نهایی باید «استثنا شدن حرفه کارشناسی از قانون تسهیل» باشد.

راهکار دوم: استقرار استانداردهای فنی IVS (سپر دفاعی در برابر بی‌تجربگی)

در گذشته، فیلتر سختگیرانه ورودی باعث می‌شد تا افرادی نخبه وارد شوند که «تجربه و شهود» آنها تضمین‌کننده صحت نظرات‌شان بود. اکنون با حذف ظرفیت، با کارشناسانی مواجهیم که ممکن است فاقد آن تجربه غنی باشند. کانون‌ها برای کاهش آسیب‌های ناشی از نظرات سلیقه‌ای، باید استفاده از استانداردهای بین‌المللی ارزشیابی (IVS) را اجباری



مجید امیرلو

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته راه
وساختمان

دگرگونی مسیر ورود به حرفه کارشناسی آسیب شناسی اجرای قانون تسهیل

چکیده

کارشناس رسمی دادگستری، یکی از ارکان اساسی تحقق عدالت قضایی در نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود. در بسیاری از پرونده‌های قضایی، نظر کارشناسان رسمی نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری قضات دارد. قانون «تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار» با هدف کاهش موانع ورود و مقابله با محدودیت‌های ظرفیت، در چند حوزه از مشاغل و خدمات حرفه‌ای شامل کارشناسی رسمی دادگستری و وکالت و سردفتران اثرگذار شد. این قانون با جایگزین کردن الگوی حدنصاب علمی به جای پذیرش ظرفیت‌محور عملاً مسیر ورود به حرفه را تغییر داد. با وجود مزایایی مانند افزایش دسترسی به خدمات و کاهش شائبه‌های انحصار، اجرای آن در حوزه کارشناسی رسمی دادگستری با چالش‌هایی در سطح کیفیت، نظارت، توزیع منطقه‌ای، کارآمدی دادرسی و حتی تبیین جایگاه حقوقی کارشناس به عنوان یار دادگاه مواجه است. مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی حقوقی، ضمن تبیین چارچوب قانونی، مهم‌ترین چالش‌ها را با آمار و ارقام برگزیدگان در آزمون‌های سال‌های اخیر و راهکارهای اصلاحی قانون تسهیل در جهت بهبود کیفیت امر کارشناسی را بررسی می‌کند.

۱- مقدمه

کارشناسی رسمی دادگستری از جمله نهادهای تخصصی پیوندخورده با عدالت قضایی است. در بسیاری از دعاوی به-ویژه در پرونده‌های فنی، مالی، ثبتی و مهندسی، قاضی بدون نظر کارشناس، قادر به احراز موضوعات تخصصی نیست و گزارش کارشناسی عملاً در استدلال قضایی نقش پررنگی می‌یابد. از این رو، کیفیت و بیطرفی گزارش کارشناسی، نه فقط یک موضوع صنفی، بلکه مسئله‌ای مرتبط با حق دادرسی منصفانه، سرعت رسیدگی و اعتماد عمومی به عدالت است. با تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار مصوب ۲۴ اسفند سال ۱۴۰۰ رویکرد قانون‌گذار درباره پذیرش برخی مجوزهای حرفه‌ای تغییر یافت. در حوزه کارشناسی رسمی، بند الف ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری اصلاح شد و عبارت بر اساس نیاز مناطق کشور حذف شد. همچنین تبصره‌هایی به این بند افزوده شد که تکلیف برگزاری آزمون سالانه و پذیرش بر اساس حد نصاب مشخص را مقرر می‌کند. (۱) تغییر مزبور، به صورت مستقیم بر تعداد پذیرفته‌شدگان، ترکیب کارشناسان جدید، و نیز سازوکارهای تنظیم‌گری کیفیت اثر می‌گذارد.

۲- چهارچوب حقوقی قانون تسهیل در ارتباط با کارشناسی رسمی

مبنای اصلی اثرگذاری قانون تسهیل در حوزه کارشناسی رسمی، تبصره ۱ الحاقی به بند الف ماده ۷ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری است. مطابق این تبصره، کانون کارشناسان رسمی دادگستری و نیز مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه مکلفند هر سال از طریق سازمان سنجش آموزش کشور آزمون برگزار کنند و داوطلبانی که حداقل ۷۰ درصد امتیاز میانگین نمرات ۱ درصد حائزان بالاترین امتیاز در هر رشته را کسب کنند، به عنوان پذیرفته‌شده معرفی می‌شوند. (۱)

این سازوکار، از نظر حقوق عمومی و تنظیم‌گری، پیام مهمی دارد. قانون‌گذار به جای تعیین ظرفیت ثابت، که می‌تواند محل مناقشه انحصار باشد، یک معیار شناور مبتنی بر عملکرد آزمون تعیین کرده است. با این حال، باید توجه داشت که آزمون به تنهایی، تنها یکی از مراحل احراز صلاحیت است و در حرفه‌ای که خروجی آن مستقیماً بر حقوق مردم و رأی دادگاه اثر می‌گذارد، نظام تضمین کیفیت، آموزش، کارآموزی، و پاسخگویی حرفه‌ای نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.



واژه‌های کلیدی:
قانون تسهیل،
کارشناسی رسمی
دادگستری، آزمون
کارشناسان رسمی،
حدنصاب، کیفیت
گزارش کارشناسی،
نظارت حرفه‌ای

نیست، بلکه یار دادگاه و بازوی فنی تصمیم‌گیری قضایی است. این دوگانگی می‌تواند در سیاست‌گذاری مشکل‌زا باشد. اگر محور تصمیم‌گیری صرفاً افزایش تعداد دارندگان مجوز باشد، ممکن است کیفیت گزارش‌ها، بیطرفی و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای به حاشیه رانده شود. در مقابل، اگر تنظیم‌گری سختگیرانه بدون شفافیت باشد، اتهام انحصار و تبعیض تشدید می‌شود. چالش اصلی، طراحی تسهیل هوشمند است. یعنی ورود تسهیل شود، اما تضمین کیفیت و پاسخگویی تقویت نشود.

۲-۴. چالش حد نصاب شناور و اثر آن بر کیفیت تخصصی

مبنای حد نصاب ۷۰ درصد میانگین ۱ درصد برتر معیار رقابتی مناسبی نیست؛ چراکه بسته به سطح دشواری آزمون و توزیع نمرات، ممکن است در برخی رشته‌ها به پذیرش‌های گسترده منجر شود. اگر در کنار این پذیرش، ارزیابی‌های تکمیلی مانند مصاحبه تخصصی، ارزیابی سوابق حرفه‌ای، و دوره کارآموزی سختگیرانه توسعه نیابد، احتمال ورود افرادی با آمادگی ناکافی برای ایفای نقش قضایی تخصصی افزایش می‌یابد. از منظر دادرسی، این امر می‌تواند خود را در گزارش‌های متعارض، ابهام در مستندات و افزایش ارجاع مجدد نشان دهد که در نهایت، اطاله دادرسی را تشدید می‌کند.

۳-۴. فشار بر زیرساخت‌های آموزش، کارآموزی و واحدهای نظارت

هر نظام حرفه‌ای، علاوه بر مرحله ورود، به چرخه تضمین کیفیت وابسته است. آموزش پیش از صدور پروانه، کارآموزی میدانی، آزمون‌های دوره‌ای، نیاز فوری به توسعه ظرفیت دوره‌های آموزشی، استادان و مکان و تجهیزات آموزشی است. اگر این زیرساخت‌ها رشد نکنند، ریسک کاهش کیفیت و ضعف نظارت افزایش می‌یابد و حتی ممکن است موجی از نارضایتی قضات و اصحاب دعوا از گزارش‌های کارشناسی شکل بگیرد.

۴-۴. تمرکز جغرافیایی پذیرش و نابرابری منطقه‌ای

قانون تسهیل، توزیع استانی پذیرفته‌شدگان را به تقاضا یا امتیاز پذیرفته‌شدگان وابسته کرده است. (۱) در عمل، این سازوکار ممکن است به تمرکز پذیرش در کلان‌شهرها منجر شود؛ زیرا فرصت‌های شغلی و حجم پرونده‌ها در مراکز استان‌ها بیشتر است و داوطلبان نیز تمایل بالاتری به این مناطق دارند. نتیجه می‌تواند دوگانه‌ای باشد که همزمان رخ می‌دهد؛ در برخی مناطق تراکم کارشناس افزایش یافته و رقابت فرسایشی و کاهش درآمد کارشناسی ایجاد می‌شود، و در برخی مناطق کم‌برخوردار، همچنان دسترسی واقعی به کارشناس متخصص محدود می‌ماند.

۳- شواهد آماری از آزمون‌های اخیر و دلالت‌های آن (یافته‌ها)

ارزیابی چالش‌های قانون تسهیل بدون توجه به داده‌های عینی آزمون‌ها ناقص خواهد بود. بر اساس اطلاع‌رسانی شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری، در آزمون سال ۱۴۰۲ گزارش شده است که حدود ۳۵/۱۶ درصد از شرکت‌کنندگان پذیرفته شده‌اند و تعداد پذیرفته‌شدگان ۱۰ هزار و ۴۲۵ نفر بوده است. (۳)

در آزمون سال ۱۴۰۳ نیز تعداد ۶۳ هزار و ۵۹۷ نفر ثبت‌نام کردند؛ از این تعداد ۴۷ هزار و ۴۸۴ نفر در جلسه آزمون حاضر شدند و ۸ هزار و ۵۷۳ نفر پذیرفته شدند. (۲) (مطابق جدول شماره ۱) این حجم پذیرش، نشان‌دهنده افزایش جدی جریان ورود به حرفه است که اگرچه می‌تواند دسترسی را بالا ببرد، اما به همان نسبت، بار آموزش، کارآموزی، نظارت و ساماندهی ارجاع کار را افزایش می‌دهد. صرف‌نظر از اختلافات جزئی آماری در منابع مختلف، نکته کلیدی آن است که در دو آزمون پیاپی، با پذیرش چند هزار نفر در هر سال مواجه هستیم؛ موضوعی که در صورت نبود زیرساخت‌های کنترل کیفیت و مدیریت تقاضا، می‌تواند به چالش‌های ساختاری منجر شود.

در سطح کلان نیز بنا بر نقل از رییس شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری، حدود ۸۰ رشته کارشناسی و حدود ۴۵ هزار کارشناس رسمی در سراسر کشور در مجموع دو مرجع وجود دارد. (۴) این رقم در کنار پذیرش‌های سالانه چند هزار نفری، پرسش‌های جدی درباره ظرفیت بازار خدمات کارشناسی، الگوی ارجاع، و سازوکار پالایش کارشناسان را برجسته می‌کند.

۱- جدول آمار قبولی شرکت‌کنندگان در آزمون کارشناس رسمی دادگستری در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴

ردیف	سال آزمون	تعداد شرکت‌کننده در آزمون	تعداد برگزیده در آزمون
۱	۱۴۰۳	۲۹۶۵۰	۱۰۴۵۲
۲	۱۴۰۴	۴۷۴۸۴	۸۵۷۳

۴- چالش‌های اصلی اجرای قانون تسهیل در کارشناسی رسمی دادگستری

۱-۴. تعارض میان تسهیل مجوز کسب‌وکار و ماهیت باری‌رسانی به عدالت

در ادبیات قانون تسهیل، پروانه کارشناسی تا حدی در قالب مجوز کسب‌وکار دیده می‌شود؛ اما از منظر کارکردی، کارشناس رسمی صرفاً ارائه‌دهنده یک خدمت بازاری

۵-۴. اقتصاد خدمات کارشناسی، تعرفه‌ها و انگیزه‌های

ناسالم

افزایش شمار کارشناسان بدون بازطراحی نظام ارجاع و تعرفه، می‌تواند پیامد اقتصادی مهمی داشته باشد؛ کاهش درآمد متوسط و افزایش انگیزه برای جذب کار از مسیرهای غیرحرفه‌ای. در چنین فضایی، خطر شکل‌گیری واسطه‌گری و شبکه‌های غیررسمی ارجاع بیشتر می‌شود؛ مسئله‌ای که به عدالت و بیطرفی لطمه می‌زند. از منظر سیاست کیفری و پیشگیری از فساد نیز، هر جا فشار اقتصادی بالا و نظارت ضعیف باشد، احتمال انحراف افزایش می‌یابد. بنابراین، تسهیل ورود باید همزمان با تقویت شفافیت ارجاع، ثبت الکترونیک فرآیندها و رصد تعارض منافع همراه شود.

۶-۴. افزایش احتمال اطاله دادرسی به واسطه اختلاف نظرهای

کارشناسی

در پرونده‌هایی که گزارش کارشناسی نقش محوری دارد، اختلاف کارشناسان یا ضعف استدلال فنی می‌تواند مسیر پرونده را طولانی کند. در عمل گزارش ناقص یا غیرمستند، منجر به اعتراض طرفین، تعیین هیئت کارشناسی، یا ارجاع به کارشناسی مجدد می‌شود. این امر هم هزینه مردم را افزایش می‌دهد و هم بار سیستم قضایی را بالا می‌برد. بنابراین، افزایش کمی کارشناسان اگر به ارتقای کیفیت منجر نشود، ممکن است برخلاف انتظار، زمان متوسط رسیدگی را افزایش دهد.

۵- راهکارهای پیشنهادی اصلاحی

برای تحقق اهداف قانون تسهیل بدون تضعیف کیفیت عدالت قضایی، مجموعه‌ای از اصلاحات و اقدامات مکمل پیشنهاد می‌شود:

■ در نظر گرفتن حد نصاب حداقل: با توجه به

نتایج نمرات قبولی‌های سال‌های اخیر قانون تسهیل، مشاهده می‌شود، افرادی با نمرات بسیار پایین در آزمون کتبی قبول شده‌اند. پیشنهاد لحاظ شدن نمره حداقلی جهت قبولی در آزمون کتبی

پیشنهاد می‌شود.

■ **طراحی نظام صلاحیت‌سنجی چندمرحله‌ای:** در کنار آزمون کتبی، ارزیابی عملی، مصاحبه تخصصی، و بررسی سوابق حرفه‌ای لحاظ شود.

■ **استانداردسازی کارآموزی:** دو رهکار آموزی با سرفصل‌های مشخص، حداقل ساعات عملی، و ارزیابی خروجی گزارش‌نویسی، اخلاق حرفه‌ای، روش تحقیق و مستندسازی اجرا شود.

■ **رتبه‌بندی و امتیازدهی به عملکرد کارشناسان:** کیفیت گزارش‌ها، میزان اعتراض وارد، رعایت مهلت‌ها، و انضباط حرفه‌ای در یک نظام امتیازدهی لحاظ و در ارجاع کار اثر داده شود.

■ **شفاف‌سازی و هوشمندسازی ارجاع کار:** توسعه سامانه‌های ارجاع با معیارهای روشن و قابل نظارت برای کاهش نفوذ روابط غیررسمی و تعارض منافع.

■ **مدیریت توزیع منطقه‌ای:** کارشناسان با نمرت قبولی پایین‌تر در آزمون کتبی و مصاحبه‌های علمی و کارآموزی در ابتدا در حومه شهرها جهت کسب تجربه تمرکز داده شوند.

۶- جمع‌بندی (نتیجه‌گیری)

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، در حوزه کارشناسی رسمی دادگستری با تغییر مبنای پذیرش از ظرفیت به حد نصاب مسیر ورود به حرفه را دگرگون کرده است. آمار آزمون‌های اخیر نشان می‌دهد، پذیرش سالانه چند هزار نفر، واقعیتی جدید در این حوزه است. (۲) (۳) با این حال، کارشناسی رسمی از حیث ماهیت و اثرگذاری بر حقوق مردم، به تنظیم‌گری کیفیت محور نیاز دارد. بنابراین، موفقیت قانون تسهیل در این حوزه منوط به اجرای بسته‌ای از اقدامات مکمل از جمله درج حداقل نمره قبولی در آزمون کتبی و انجام مصاحبه علمی و آموزش تئوری و انجام دوره کارآموزی و اخذ آزمون پایان دوره‌ها، ارجاع شفاف و نظام پاسخگویی است تا تسهیل ورود به تسهیل عدالت منتهی شود، نه به افزایش اختلافات کارشناسی و اطاله دادرسی.

منابع

۱. شناسنامه قانون: قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار مصوب ۲۴ اسفند سال ۱۴۰۰، ماده ۴ و تبصره‌های الحاقی به بند الف ماده ۷ قانون قانون کارشناسان رسمی دادگستری حد نصاب ۷۰ درصد میانگین ۱ درصد برتر
۲. شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری (hcioe.org): خبر نتایج آزمون کارشناسان رسمی دادگستری در هفته جاری اعلام می‌شود. آمار آزمون ۱۴۰۳ ثبت نام ۶۳ هزار و ۵۹۷ نفر؛ شرکت‌کننده ۴۷ هزار و ۴۸۴ نفر؛ پذیرش ۸ هزار و ۵۷۳ نفر.
۳. پایگاه خبری اختیار (irekhtebar): گزارش آمار تحلیلی داوطلبان و پذیرفته‌شدگان آزمون کارشناسی رسمی ۱۴۰۲ پذیرش ۳۵/۱۶ درصد و حدود ۱۰ هزار و ۴۲۵ نفر.

غفلت قانون گذار از جایگاه واقعی کارشناسان رسمی



مروری بر چالش‌های متوجه نظام کارشناسی رسمی دادگستری، که خود طالب یک بستر حکمرانی بایسته است، نشان می‌دهد که در طول سال‌های متمادی و به درازای عمر این نهاد معتبر، از بدو شکل‌گیری و تأسیس تاکنون، که قدمتی طولانی را در بر دارد و زمانه پیش از انقلاب اسلامی تا شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در کشور را پوشش می‌دهد؛ مبتلابه مسائل و موضوعات قابل تأمل و قابل تعمقی بوده‌ایم. این مسائل می‌طلبند تا با نگاهی منطقی، علمی و ژرف به آنها نگریده شود و با آسیب‌شناسی درست و به دور از نگاه سطحی و احساسی، نسبت به حل آنها اقدام شود.



افشین اوحدی

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
کشاورزی و منابع
طبیعی

مواجه ساخته است؛ به گونه‌ای که در نظام ارجاع کار نیز تبعات آن بروز و ثبوت داشته است. اثر منفی دیگر، حد نصاب پذیرش‌ها است. به گونه‌ای که تهدیدی جدی در امر کیفیت‌سنجی واقعی کارشناسان رسمی و سطح دانش و بینش تخصصی و فردی آنها است که به‌ویژه اثرات میان‌مدت و بلندمدتی را در کیفیت آرای قضایی متکی به نظریات کارشناسی بر جای گذاشته و می‌گذارد.

اگرچه موازی‌کاری نهادی نیز خود مقوله‌ای بحث‌برانگیز است که پرداخت ویژه‌ای را می‌طلبد، به گونه‌ای که شاهد یک نهاد با قدمت کهن دایر بر قانون مستقل و یک نهاد با قدمت جدید دایر بر حاشیه یک ماده قانونی برنامه ملی پیشرفت و در برهه سومین دوره آن هستیم که باز اساساً شکل‌گیری این نهاد جدیدتر نیز با درون‌مایه نقد یک‌سویه به نهاد قدیمی و با بهانه نهاد وکالت و بالعرض نهاد کارشناسی با یدک کشیدن نام قوه صورت گرفت که از این منظر نیز قابل بحث و مذاقه است.

به عنوان استنتاجی از این بحث، مطالبه جدی درباره بازنگری اساسی در این قانون و خارج از شمول قراردادان خصوصاً نهاد کارشناسی رسمی دادگستری، از اجرای قانون موصوف مطرح است. ارائه این دیدگاه صرفاً با نیت آسیب‌شناختی مسئله بوده است و قصد نادیده گرفتن خدمات قابل اعتنا را در مقام خود نداشته و ندارد که در جای خود زینده است، اما نباید ما را دچار غفلت از نقد سازنده گرداند.

از زمره موضوعات چالش‌برانگیز جدید، همانا تصویب قانون موسوم به تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار است که با تأسف، بدون توجه واقعی به جایگاه نهاد کارشناسی رسمی دادگستری، این نهاد را نیز همچون کانون وکلای دادگستری، مشمول قرار داده و هم‌اینک تبعات بسیار منفی اجرای این قانون، جملگی نهادها را تحت تأثیر قرار داده است. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است، آن است که تلقی جایگاه کارشناسی رسمی به عنوان کسب و کار از جانب قانون‌گذار (نمایندگان مجلس شورای اسلامی) تلقی و برداشت نادرستی بوده و از جامعیت کامل برخوردار نبوده است.

باید به این نکته واقف باشیم که این جایگاه، موقعیتی حرفه‌ای از نوع تخصصی تلقی می‌شود و گرچه به هر حال، کارشناسان رسمی دادگستری از قبل پروانه کارشناسی، به نوعی درآمدی نیز دارند؛ اما این درآمد در واقع حق الزحمه مشارکت تخصصی آنها در فرآیند اظهارنظر و تهیه و تنظیم مدارک گزارش و نظریات کارشناسی است که خود به منزله سندی کاربردی و راهنمون تخصصی درخصوص مراجع قضایی و ابزار کمکی بابت اتقان آرای قضایی و کمک به ارتقای علم و اجتهاد قاضی و مقام ذی‌سمت قضایی است. از تبعات اجرای قانون موصوف، برگزاری مکرر آزمون‌های مربوط هم از جانب نهاد موازی مرکز وکلا و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه و هم بلاجبار کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری در گستره کشور با اجرای شورای عالی با هدف جذب کارشناسان بیکار است که خود نقض غرض کرده و بازار را با اشباع



چالش‌های قانون تسهیل برای نظام کارشناسی و راهکارهای عملیاتی

چکیده

قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار که در مجلس یازدهم به تصویب رسید، با حذف ظرفیت‌های پذیرش و ایجاد نصاب شناور، تحولی بنیادین در نظام جذب کارشناسان رسمی ایجاد کرده است. این مقاله با بهره‌گیری از تجربه زیسته نگارنده به عنوان کارشناس رسمی و نگاه تحلیلی-پژوهشی مبتنی بر رصد دقیق و میدانی چندساله، ابتدا به آسیب‌شناسی این قانون می‌پردازد و سپس هشت راهکار عملیاتی را برای کانون‌های استانی در هماهنگی کامل با مرکز کارشناسان قوه قضاییه ارائه می‌دهد. این راهکارها در حیطه اختیارات نهادهای صنفی، طراحی شده‌اند و نیازی به اصلاح قانون ندارند.

تدوین شده است: کانون‌های استان‌ها با چه راهکارهایی می‌توانند پیامدهای احتمالی نامطلوب قانون تسهیل بر نظام کارشناسی را کاهش دهند، یا آنها را به حداقل برسانند؟

فصل اول: آسیب‌شناسی قانون تسهیل از نگاه یک کارشناس

۱-۱. حذف حداقل نمره و بحران کیفیت
یکی از تأمل برانگیزترین جنبه‌های قانون تسهیل، حذف حداقل نمره مشخص و جایگزینی آن با نصاب شناور است. به بیان ساده، اگر تعدادی متقاضی با سطح علمی پایین‌تر در آزمون شرکت کنند، به زور اعداد ریاضی و فرمول‌های آماری، تعدادی از آنها پذیرفته خواهند شد. این پدیده که نگارنده در همان روزهای نخست تصویب قانون (سال ۱۴۰۰) نسبت به آن هشدار داد، اکنون به یک نگرانی جدی تبدیل شده است. «... مطالعات بین‌المللی نیز این نگرانی را تأیید می‌کنند. چیلتون و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی در حرفه وکالت ایالات متحده نشان داده‌اند که کاهش موانع صدور مجوز (مانند معافیت از آزمون) اگرچه تحرک نیروی کار را ۳۸ درصد افزایش می‌دهد، اما وکلایی که با این معافیت‌ها جذب می‌شوند، کیفیت پایین‌تری دارند و بیشتر در معرض تخلفات انتظامی قرار می‌گیرند.» (Chilton et al, ۲۰۲۵)
این یافته، تجربه زیسته مادر نظام کارشناسی ایران را تأیید می‌کند: «تسهیل بی‌ضابطه، به کاهش کیفیت می‌انجامد.»

مقدمه: از «عروسی» تا «مصیبت»

روزگاری در محافل صنفی ما می‌گفتند: «بالاخره عروسی به کوچه ما هم می‌رسد.» این ضرب‌المثل، نمایانگر امید به آینده‌ای روشن‌تر بود. اما امروز، با تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، باید گفت: «مصیبت به کوچه ما رسیده است.»
قانون تسهیل که با شعارهای جذاب «انحصار شکنی» و «تسهیل ورود به کسب‌وکار» در مجلس یازدهم کلید خورد، اکنون به یک چالش جدی برای حرفه کارشناسی رسمی تبدیل شده است. این قانون با حذف ظرفیت‌های پذیرش و جایگزینی آن با نصاب شناور، عملاً در ورودی این حرفه را به روی انبوهی از متقاضیان می‌گشاید؛ بدون آن که زیرساخت‌های آموزشی، نظارتی و معیشتی برای این جمعیت جدید فراهم شده باشد.

شاید بتوان این پدیده را در قالب یک استعاره تبیین کرد: «سفره و مهمان». برای دعوت مهمانان جدید بر سفره‌ای که نان سالم در آن با ظرفیت و برای عده‌ای مشخص وجود دارد، ابتدا باید به فکر افزایش نان و سپس دعوت از مهمانان جدید بود. در غیر این صورت، یا نان کارشناسی با آلودگی‌هایی خاص همراه می‌شود، یا سر سفره اغتشاش رخ می‌دهد، و چه بسا مهمانان گرسنه، اصل سفره را نیز پاره کنند. استعاره از این که رقابت‌های ناسالم کاری، باعث تضعیف اصل پایه‌های عدالت می‌شود و خسارانش برای جامعه و حتی خود این تازه‌واردان افزون‌تر از محاسنش شود! این مقاله با هدف پاسخ به این پرسش کلیدی



علیرضا حبیب‌اللهی بزی

کارشناس رسمی دادگستری در رشته راه و ساختمان عضو مرکز کارشناسان قوه قضاییه



کلیدواژه‌ها:
قانون تسهیل، کارشناسی رسمی، کانون‌های استانی، نظام‌های صدور مجوز حرفه‌ای، خودتنظیم‌گری

۲-۱. استعاره «قایق و مسافر»: ناهماهنگی ظرفیت‌ها

برای سوار کردن نفرات جدید بر پیکر نحیف قایق جامعه کارشناسی، ابتدا باید قایق را بزرگتر کرد، سپس بر تعداد مسافران افزود. این استعاره، ناظر بر واقعیتی انکارناپذیر است: کانون‌ها و مراکز استانی از نظر زیرساخت‌های آموزشی، اداری و نظارتی برای این افزایش جمعیت آماده نبوده‌اند. قانون‌گذار با نادیده گرفتن این واقعیت، قایق کارشناسی را به کشتی طوفان‌زده‌ای تبدیل کرده که هر روز نیز مورد ملامت مسئولان قوه قرار می‌گیرد.

۳-۱. نادیده‌انگاری نهادهای صنفی در فرآیند قانون‌گذاری

شاید تأسف‌بارترین بخش ماجرا، نحوه تصویب این قانون باشد. «... رییس کمیسیون قضایی مجلس در جلسه علنی خطاب به همکاران خود گفت: «چرا فقط حرف خودتان را می‌زنید؟ چرا یک نفر از کانون کارشناسان، از کانون وکلا و... را دعوت نکردید تا آنها هم حرف خودشان را بزنند؟» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۴۰۰). این اعتراف درون‌سیستمی نشان می‌دهد که قانونی با این همه پیامد، بدون مشورت با ذی‌نفعان کلیدی تصویب شده است.

۴-۱. «سنگ لُق»: هزینه‌های پنهان اصلاح یک قانون بد

اگر سنگ لقی کار گذاشته شود، باید انرژی، توان و زمان بسیاری صرف شود تا آن طرح کمی رنگ و آثار مخربش را از دست بدهد. این استعاره، به یکی از مهمترین پیامدهای قوانین شتاب‌زده اشاره دارد: هزینه فرصت‌های از دست رفته. همان انرژی که صرف «کم کردن آثار مخرب» قانون تسهیل می‌شود، می‌توانست صرف ارتقای کیفیت، آموزش و توسعه زیرساخت‌های حرفه‌ای شود.

۵-۱. «تله مصاحبه»: پیش‌بینی گام بعدی قانون‌گذار

قانون تسهیل درباره مصاحبه سکوت کرده بود. این سکوت، از نوع «سکوت معنادار» است. تحلیل آینده‌نگرانه نشان می‌داد که قانون‌گذار یک استراتژی پلکانی دارد: ابتدا قانون را با ابهام تصویب می‌کند تا تأیید شورای نگهبان را بگیرد، سپس با یک استفساریه ساده، مصاحبه را نیز حذف می‌کند. یعنی قبولی در آزمون کتبی معادل با اخذ پروانه کارشناسی رسمی در رشته مربوطه است!

فصل دوم: پشتوانه نظری و تجارب بین‌المللی

۱-۲. دیدگاه آیت‌الله هادوی تهرانی: سختگیری به نفع مردم

«... آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی در دیدار با هیئت مدیره کانون وکلای قم هشدار داد که امروز برای ما کارشناسان نیز راهگشا است: «هر چه در پذیرش وکیل سختگیری بیشتری کنیم، حقوق مردم هم بهتر حفظ می‌شود» (وکلاپرس، ۱۴۰۰). وی با اشاره به نصاب شناور افزود: «با این معیار، نه تنها نخبگان جذب نخواهند شد، بلکه ضعیف‌ترین‌ها در آزمون پذیرفته خواهند شد» (هادی تبریزی، ۱۴۰۰).

این دیدگاه، ریشه در یک اصل بنیادین دارد: مشاغل تخصصی، امانت‌دار حقوق مردم هستند. هر گونه تساهل در ورود به این مشاغل، به معنای تضییع حقوق مردم است. همان‌طور که در فقه، مراجعه به متخصص (مجتهد) واجب است، در مسائل فنی و حقوقی نیز مراجعه به متخصص (کارشناس رسمی) حق مردم است.

۲-۲. تجربه آمریکا: هشدار درباره تضعیف نظام‌های صدور مجوز

«... در سال ۲۰۲۵، ایالت فلوریدا لایحه‌ای را برای تضعیف نظام صدور مجوز حرفه‌ای و حذف الزامات آموزش مدنی به جریان انداخت. ائتلافی از نهادهای حرفه‌ای (ARPL) در واکنش هشدار داد: «حذف این الزامات، نه تنها شهرت این ایالت، بلکه ایمنی عمومی و اعتماد عمومی را به خطر می‌اندازد» (Warislohner, ۲۰۲۵). این ائتلاف تأکید کرد که در ایالت جورجیا، اقدام مشابه به «معوق ماندن درخواست‌ها، افزایش زمان انتظار برای تأیید مجوزها، و هزینه دومیلیون دلاری برای مالیات‌دهندگان» انجامید (همان). این تجربه نشان می‌دهد که ایران در تضعیف نظام‌های حرفه‌ای تنها نیست؛ اما می‌تواند از این هشدارها درس بگیرد.

۳-۲. مطالعه هاروارد: ضرورت بازنگری در نظام‌های صدور مجوز
«... مرکز حقوقی دانشکده حقوق هاروارد در مطالعه‌ای درباره حرفه حسابداری (ژانویه ۲۰۲۴) به این نتیجه رسید که «کاهش الزامات ورود به حرفه، بدون توجه به کیفیت و آمادگی عملی، می‌تواند به بحران‌های جدی منجر شود.» (Dawkins, ۲۰۲۴). این مطالعه نشان داد که صرفاً افزایش ساعات آموزشی، بدون توجه به محتوا و کیفیت، مشکل را حل نمی‌کند.

۴-۲. نظریه خودتنظیم‌گری حرفه‌ای

«... در استرالیا، انجمن تحلیل رفتار (ABA Australia) نظام خودتنظیم‌گری حرفه‌ای را با این استدلال تثبیت کرده است: «خودتنظیم‌گری حرفه‌ای، چارچوبی است که در آن یک حرفه مسئولیت تعیین استانداردها، نظارت بر عملکرد، و پاسخ به نگرانی‌ها را بر عهده می‌گیرد تا از مردم محافظت کند و اعتماد را حفظ کند.» (ABA Australia, ۲۰۲۵) این نگاه، تأکیدی است بر نقش محوری نهادهای صنفی در حفظ کیفیت و صیانت از حقوق مردم.

فصل سوم: «پادزهر تسهیل» و هشتم راهکار عملیاتی برای کانون‌ها و مراکز استانی

از آنجا که بعید به نظر می‌رسد ارکان قانون‌گذاری به این زودی‌ها اشتباه خود را اصلاح کنند، چاره‌ای نیست به جز آن که با استفاده از ظرفیت‌های موجود درون‌سیستمی، سیل بندهایی را ایجاد کنیم. راهکارهای زیر کاملاً عملیاتی و در

حیطه اختیارات نهادهای صنفی است:

راهکار اول: پالایش رشته‌های تحصیلی (کنترل در بدو ورود)

یکی از مؤثرترین راه‌ها برای کنترل کیفیت، پالایش رشته‌های مجاز به شرکت در آزمون است. مثلاً در حوزه کارشناسی ساختمان و املاک، ورود وکلای دادگستری و سایر رشته‌های علوم انسانی و علوم غیرمهندسی در آزمون، یک چالش بزرگ و یک علامت سوال اساسی و بی‌پاسخ است!

پیشنهاد عملیاتی: تدوین جدول تطبیق رشته‌های تحصیلی با گرایش‌های کارشناسی به صورت سختگیرانه در هماهنگی کامل شورای عالی کانون و مرکز. به طور نمونه: نقشه‌برداری فقط در رشته امور ثبتی پذیرفته شود. عمران و معماری منحصراً در رشته راه و ساختمان پذیرفته شوند. از پذیرش رشته حقوق در امور ثبتی (با صلاحیت ارزیابی و موارد فنی- ساختمانی) پرهیز شود، یا سختگیری بیشتری اعمال شود و دامنه فعالیت آنها محدودتر و مختص رشته تخصصی‌شان شود و سایر رشته‌ها و تخصص‌ها نیز با چنین پالایشی در بدو امر و زمان ثبت نام آزمون مواجه شوند. این اقدام در حوزه اختیارات مرکز و کانون‌ها است و نیازی به مصوبه قانونی ندارد.

راهکار دوم: سختگیری در اعطای صلاحیت (صافی دوم)

قانون تسهیل، فرآیند «اعطای صلاحیت» را پیش‌بینی نکرده است. این نقیصه قانونی، فرصتی برای نهاد صنفی ایجاد می‌کند. می‌توان با برگزاری کلاس‌های سنگین و آزمون‌های جدی تشخیص صلاحیت، ورود به بازار کار را مدیریت کرد. **پیشنهاد عملیاتی:** طراحی نظام‌واره صلاحیت‌یابی مشابه آنچه در نظام‌های حرفه‌ای معتبر جهان اجرا می‌شود. این نظام می‌تواند شامل دوره‌های کارآموزی فشرده، آزمون‌های عملی، و ارزیابی‌های میدانی باشد. این اقدام مانند «سیل بند» عمل می‌کند و از ورود سیل گونه افراد به جامعه کاری جلوگیری می‌کند.

راهکار سوم: فعال‌سازی دادرهای انتظامی (تنظیم خروجی)

اگر ورود گسترده به حرفه اجتناب‌ناپذیر است، باید خروجی‌ها را نیز تنظیم کرد. دادرهای انتظامی کانون‌ها می‌توانند با برخورد قاطع و بدون اغماض، تعادل میان ورود و خروج را برقرار کنند.

پیشنهاد عملیاتی: تشدید نظارت‌ها و برخورد قاطع با تخلفات حرفه‌ای، به ویژه برای کارشناسان تازه‌وارد. این اقدام دوفایده دارد: نخست آن که جایگاه کارشناسان خوب را بالا می‌برد و سیره را از ناسره جدا می‌کند. دوم آن که از تورم کارشناسان در قفس تنگ جامعه کاری فعلی جلوگیری می‌کند.

راهکار چهارم: منع ورود بازنشستگان

استدلال اصلی قانون تسهیل این است که کارشناسی یک

«کسب‌وکار» است. بر همین اساس، افراد بازنشسته (که به هر نحوی حقوق بازنشستگی دریافت می‌کنند) نباید وارد این کسب‌وکار شوند، چرا که هم فرصت را از افراد جوان‌تر می‌گیرند و هم فلسفه بازنشستگی را نقض می‌کنند. **پیشنهاد عملیاتی:** تصویب آیین‌نامه‌ای مبنی بر منع ثبت نام برای افرادی که کمتر از سه سال تا بازنشستگی زمان دارند، یا به طور کامل بازنشسته شده‌اند.

راهکار پنجم: توقف تمدید پروانه کارشناسان بالای ۷۰ سال

سلامت روحی و جسمی برای انجام کارشناسی میدانی و حتی مطالعه ساده پرونده‌ها ضروری است. بدیهی است، پس از سنین مشخصی، توانمندی‌های جسمی و حتی حافظه فنی افراد تحلیل می‌رود. موضوع سن بازنشستگی اجباری، در بسیاری از مشاغل و پست‌های حساس وجود دارد و امروزه با پیشکسوتانی مواجه هستیم که حتی امکان حرکتی، گفتار روان، توان خواندن رمز امضای الکترونیکی و امثال آن را ندارند، ولی هیچ مانعی هم برای ادامه کارشناسی در مقابل خود نمی‌بینند!

پیشنهاد عملیاتی: تمدید نکردن پروانه کارشناسان بالای ۷۰ سال، با برگزاری مراسم تکریم و خداحافظی برای آنها. این اقدام هم به نوسازی بدنه کارشناسی کمک می‌کند و هم منزلت پیشکسوتان را پاس می‌دارد.

راهکار ششم: لغو پروانه اساتید دانشگاه (با استثنای محدود)

اعطای پروانه به اساتید دانشگاه که در عمل، فرصت و انگیزه کافی برای حضور میدانی را ندارند، یا به نوعی به فعالیت علمی و آموزشی اشتغال دارند، برای آنها نوعی انحصار مضاعف و برای جامعه کارشناسی، اتلاف ظرفیت ایجاد کرده است و به همین نسبت به افراد فاقد شغل و با وقت آزاد بیشتر، ظلم می‌شود.

پیشنهاد عملیاتی: لغو کلی اعطای پروانه به اساتید دانشگاه، مگر برای وزرا و مقامات خاص یا تشخیص رییس مرکز و کانون یا کمیسیون‌های مربوطه، آن هم به دلیل استفاده از ظرفیت‌های کاری یا برنند آنها.

راهکار هفتم: بازگشت حوزه جغرافیایی ۱۸ ساله

پیش از این، کارشناس باید حداقل از ۱۸ سال سابقه فعالیت برای اخذ پروانه کشوری برخوردار می‌بود، اما اکنون با ۱۰ سال سابقه فعالیت (در مرکز) و ۱۱ سال سابقه فعالیت (در کانون)، عملاً همه کارشناسان شهرستانی، حضور مداوم و محسوس در تهران دارند و عملاً در مواقع زیادی کارها از دست کارشناسان تهرانی یا کارشناسان ساکن در شهرهای بزرگ خارج شده است. **پیشنهاد عملیاتی:** بازگشت به شرط حداقل ۱۸ سال سابقه فعالیت برای اخذ پروانه کشوری. این اقدام در صلاحیت شورای عالی است و فقط اراده مشترک کانون و مرکز را می‌طلبد.

راهکار هشتم: الزام به گواهی سلامت پس از ۶۰ سال
پس از ۶۰ سالگی، توانمندی‌های جسمی و روحی برای
انجام کارشناسی‌های میدانی و حتی به جز آن کاهش
می‌یابد. تضمین سلامت کارشناس، تضمین حقوق

مردم است.
پیشنهاد عملیاتی: الزام به ارائه گواهی سلامت روحی
و جسمی از مراکز معتبر طرف قرارداد، برای تمدید
پروانه کارشناسی پس از ۶۰ سالگی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پایان این تحلیل، بی‌مناسبت نیست که از سعدی بزرگ یادی کنیم که فرمود:
به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل / و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم
شاید در این نبرد نابرابر، نتوانستیم از کیان حرفه‌مان آنچنان که باید دفاع کنیم. شاید صدای ما به گوش
قانون‌گذار نرسید. شاید متولیان امر، سکوت کردند یا در انفعال فرو رفتند. اما دست کم می‌توانیم به فردا و
همکاران آینده بگوییم: ما به راه بادیه رفتیم، به قدر وسع کوشیدیم، و این میراث را به شما سپردیم تا اگر
روزی توانستید، آنچه را که ما نتوانستیم به سرانجام برسانید.
هشت راهکار ارائه شده در این مقاله، پادزهرهایی تلخ اما کارساز هستند. اجرای هماهنگ آنها نیازمند اراده
جمعی کانون‌های استانی و مرکز کارشناسان قوه قضاییه است. اگر این راهکارها به موقع اجرا نشوند، باید
منتظر موجی از کارشناسان ناآماده باشیم که نه تنها به حقوق مردم و البته خودشان آسیب می‌زنند، بلکه
منزلت دیرینه حرفه کارشناسی رسمی دادگستری را نیز به مخاطره می‌اندازند.
در پایان، این نقد و این پرسش را به قانون‌گذاران محترم تقدیم می‌کنیم: در اینکه در جامعه وکلای
دادگستری بعضی با اخذ مبالغ کلان حق الوکاله به این نوع نگاه در قانون‌گذاری طرح تسهیل صدور
مجوزهای کسب‌وکار دامن زده‌اند، حرفی نیست و با شما هم‌نظریم؛ اما این که برای مهار آن جامعه، یک
صنف موازی دیگر که در ظاهر خدمات قضایی ارائه می‌دهد، اما در ماهیت با شغل قضاوت هم‌راستا است
را در کنار جامعه وکلا مطرح کنید، این موضوع یا ناشی از درک کم قانون‌گذاران از ماهیت کارشناسی رسمی
است، یا واقعاً به عنوان کاتالیزور در مهار جامعه بزرگتر وکلا و به ناچار مطرح شده است؟!
در هر صورت، گاهی انسان‌ها از فرصت حیات محدود خود نهایت بهره را می‌برند، برای خود باقیات‌الصالحات به جا
می‌گذارند و بعضی چیز دیگر. نام شما در تاریخ حرفه کارشناسی رسمی دادگستری در کنار کدام یک خواهد نشست؟!

منابع و مأخذ

۱. باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۴۰۰). اظهارات رییس کمیسیون قضایی مجلس درباره طرح تسهیل. دریافت شده از [آدرس در صورت نیاز].
۲. وکلایپرس، (۱۴۰۰). آیت‌الله مهدی هادوی: هر چه در پذیرش وکیل سختگیری بیشتری کنیم، حقوق مردم هم بهتر حفظ می‌شود. دریافت شده از <https://vokalapress.ir>
۳. هادوی تهرانی، مهدی. (۱۴۰۰). دیدار با هیئت مدیره کانون وکلای قم.
۴. مقبولی، هوشنگ. (۱۴۰۰). عبور مجلس از عدالت. [در دسترس آنلاین].
۵. مجموعه پست‌های انتقادی و پیشنهادی مرتبط با موضوع توسط نگارنده در فضای مجازی. ۱۴۰۰-۱۴۰۴
۶. Chilton, A., Goldin, J., Rozema, K., & Sanga, S. (2025). Occupational Licensing and Labor Market Mobility: Evidence. Harvard Law School Working Paper from the Legal Profession.
۷. Warislohner, F. Y. (2025). Crossing the Line: A Cautionary Tale for States Undermining Professional Licensing. Alliance for Responsible Professional Licensing (ARPL) Report.
۸. Dawkins, M. A. (2024). Accounting for Licensure. *Harvard Law School Center on the Legal Profession, Research Paper No. 24-01.
۹. ABA Australia. (2025). Professional Self-Regulation Framework. Australian Behavioural Analysis Association.
۱۰. Allensworth, R. (2025). Is professional licensing a racket? Freakonomics Radio / University of South Florida.



کاربرد تجهیزات فنی در تشخیص اصالت اسناد مشکوک و مجعول

الف) دستگاه ویدئو اسپکترال - VSC

۱- مقدمه:

جعل اسناد یکی از مهمترین جرایم علیه اعتماد عمومی است که در آن، تغییر، تحریف یا ساخت سند به منظور فریب اشخاص یا مراجع رسمی انجام می‌شود. امروزه با پیشرفت ابزارهای جعل، روش‌های سنتی تشخیص جعل (مشاهده چشمی، ذره‌بین و مقایسه خط) به تنهایی کافی نبوده و مجهز شدن به ابزارهای علمی و فنی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از این ابزارها، دستگاه ویدئو اسپکترال (مقایسه‌کننده طیفی تصاویر - VSC - video spectral comparator) است که با توجه به غیرمخرب بودن و عدم آسیب رساندن به اسناد، استفاده از آن در بررسی اسناد، کاربردهای فراوانی داشته و نقش بسزایی در حوزه اسناد، امنیت و کشف جعل دارد و تصویربرداری از اسناد به وسیله آن، امکان آشکارسازی اختلافات پنهان در اسناد را فراهم می‌کند.

۲-۳ - Hyperspectral Imaging (تصویربرداری فراطیفی): یعنی ثبت صدها باند پیوسته طیفی با دقت بالا

اساس کار تصویربرداری به روش اسپکترال در این است که هر جوهر، کاغذ و ماده‌ای بر اساس مواد تشکیل‌دهنده، امضای (نشانه، ویژگی) طیفی مخصوص به خود را دارد که مبنای تشخیص اختلافات در تصویربرداری با این روش است و وقتی در معرض طیف‌های نوری و فیلترهای جداکننده قرار می‌گیرد، عکس‌العمل‌های متفاوت و قابل

۲- تعریف تصویربرداری به روش اسپکترال

تصویربرداری به روش اسپکترال، روشی است که می‌توان تصویر یک سند را با استفاده از طیف سنجی و نورهای مرئی و نامرئی، با طول موج‌های متفاوت و استفاده از فیلترهای جداکننده، ثبت کرد و مورد تجزیه و تحلیل فنی قرار داد.

۳- انواع تصویربرداری به روش اسپکترال

۱-۳ - Multispectral Imaging (تصویربرداری چندطیفی): یعنی ثبت تصویر در چند باند مشخص (UV، مرئی، IR)



غلامحسین روحی سرا

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
تشخیص اصالت خط،
امضا و اثر انگشت

■ تشخیص چاپ‌های متفاوت (چاپ جوهرافشان، لیزری، افسست) و تشخیص تغییرات بین چاپ‌های اصلی و جعلی.

۵-۳- بررسی مدارک هویتی و مالی

■ کارت‌های اعتباری، چک، پول نقد یا اوراق بهادار برای کشف جعل یا تغییر؛
■ تشخیص امضاهای جعلی یا تغییرات در ارقام و نوشته‌ها.

۵-۴- کاربرد در پرونده‌های قضایی

■ تجزیه و تحلیل مدارک عادی، رسمی، امنیتی، بهادار و اوراق هویتی.
■ ارائه شواهد تصویری دقیق از جعل یا دستکاری در اسناد.

۶- ویژگی‌های فنی و مهم دستگاه VSC

■ نور قابل تنظیم: IR، UV، نور مرئی با طول موج‌های مختلف؛
■ بزرگ‌نمایی و ضبط تصویر: برای مقایسه دقیق جزئیات؛
■ قابلیت تشخیص آثار پنهان: مثل رد پاک‌شدگی‌ها، هولوگرام، چاپ امنیتی و آثار فرعی جوهر.

به طور خلاصه: دستگاه ویدیو اسپکتروال ابزاری است برای کشف جعل و بررسی دقیق اسناد و مدارک از طریق تصویربرداری از اسناد با استفاده از نورهای مختلف و سپس تحلیل تصویری حرفه‌ای آن.

تمایز از خود نشان می‌دهد و این تفاوت‌ها توسط کارشناس، مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی فنی قرار می‌گیرد.

۴- مبانی علمی کاربرد اسپکتروال در جعل:

اساس تشخیص جعل با روش اسپکتروال بر این موارد استوار است:

■ تفاوت در جذب و بازتاب نور؛
■ تفاوت در عبور نور از لایه‌های جوهر؛
■ تفاوت در واکنش جوهرها در نورهای UV و IR؛
این تفاوت‌ها اغلب با چشم غیرمسلح قابل مشاهده نیستند.

۵- دامنه استفاده از دستگاه ویدیو اسپکتروال (کاربردها)

۱-۵- شناسایی و بررسی جعل اسناد

■ بررسی امضا و دست‌خط: امکان تشخیص تغییرات در امضا، الحاقات یا پاک‌کردن و اصلاح متن روی اسناد؛

■ شناسایی جوهر و مداد: با تابش نور در طول موج‌های مختلف (IR، UV و نور مرئی) می‌توان نوع جوهر یا مداد مورد استفاده را تشخیص داد و تفاوت بین جوهرهای قدیمی و جدید را مشخص کرد؛

■ تشخیص اسناد تقلبی: مانند پاسپورت، شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه یا اوراق بهادار.

۲-۵- تحلیل ویژگی‌های چاپ و کاغذ

■ بررسی نوع کاغذ، لایه‌های امنیتی و چاپ روی سند؛

جدول ۱- کاربردهای دستگاه ویدیو اسپکتروال و اهداف استفاده از آن

کاربرد	هدف بررسی	نور مورد نیاز
تشخیص اصالت یا عدم اصالت امضا	بررسی تغییرات امضا، الحاقات یا اصلاحات	نور مرئی-IR-UV
تشخیص جوهرهای مختلف	بررسی نوع و اختلاف جوهرهای استفاده شده	UV-IR
تشخیص پاک‌شدگی‌ها یا اصلاح متن	بررسی آثار پاک‌کننده‌ها یا جوهر اصلاحی	UV- نور مرئی
تشخیص اصالت اسناد هویتی خاص	بررسی پاسپورت، کارت ملی، شناسنامه، گواهینامه	UV-IR- نور مرئی با فیلترهای خاص
تشخیص اصالت اوراق بهادار	چک پول، اسکناس، اوراق بهادار	UV- نور مرئی و گاهی IR
تحلیل کاغذ و چاپ	بررسی چاپ افسست، لیزری، جوهرافشان و نوع کاغذ	نور مرئی-IR
تشخیص لایه‌های امنیتی	هولوگرام، خطوط منفی، واترمارک	UV- نور مرئی با زاویه خاص
ارائه شواهد در جرم‌شناسی	مستندسازی جعل و تغییرات در اسناد برای مراجع قانونی	تمام طول موج‌ها (UV، IR، مرئی)

۷- انواع نورها در دستگاه ویدیو اسپکترال و کاربرد آنها

۱-۷ نور مرئی (Visible Light):

هدف استفاده: بررسی جزئیات ظاهری سند شامل متن و امضا.

کاربرد اصلی: تشخیص تغییرات و اصلاحات در متن با چشم، بررسی آثار پاک‌کن یا اضافه شدن جوهر یا مداد، مقایسه امضا با نمونه اصلی برای تشخیص اصالت یا عدم اصالت آن.

نمونه‌های مورد بررسی: سندهای دستی، فرم‌ها، برگه‌های قرارداد و اسناد رسمی.

نحوه استفاده: نور مرئی به چشم انسان شبیه نور معمولی است، اما با VSC می‌توان آن را جهت بزرگ‌نمایی و بررسی جزئیات متمرکز کرد.

مثال‌ها:

■ تشخیص این که آیا بخشی از متن با جوهر یا مداد، اضافه یا پاک شده است؛

■ بررسی و مقایسه امضا با نمونه‌های اساس تطبیق.

۲-۷ نور UV (ماورای بنفش):

هدف استفاده: آشکارسازی ویژگی‌های پنهان و امنیتی اسناد.

کاربرد اصلی: شناسایی هولوگرام‌ها و واترمارک‌ها؛ تشخیص تغییرات جوهرهایی که با چشم دیده نمی‌شوند؛

بررسی جوهرهای فلورسانت روی اسناد امنیتی. نحوه استفاده: نور UV موجب می‌شود تا مواد فلورسانت در جوهر یا کاغذ روشن شود و تغییرات یا عناصر پنهان آشکار شوند.

نمونه‌های مورد بررسی: کارت ملی، پاسپورت، اسکناس، اوراق بهادار، و پرچسب‌های امنیتی. مثال‌ها:

■ بررسی هولوگرام روی کارت شناسایی یا پاسپورت؛

■ تشخیص تغییرات جوهر که با چشم معمولی دیده نمی‌شوند.

۳-۷ نور IR (مادون قرمز):

هدف استفاده: تشخیص تغییرات پنهان، تفاوت چاپ و اختلاف جوهرها.

کاربرد اصلی: آشکارسازی تغییرات در متن اصلی که با چشم دیده نمی‌شوند، تشخیص تفاوت چاپ لیزری، جوهرافشان و افسست، بررسی جوهرهای قدیمی و جدید و لایه‌های پنهان کاغذ.

نمونه‌های مورد بررسی: قراردادها، اسناد مالی، برگه‌های قانونی، اسکناس و چک.

نحوه استفاده: نور مادون قرمز می‌تواند از روی جوهر عبور کند، یا بازتاب متفاوت داشته باشد و بخش‌هایی را که تغییر کرده‌اند، آشکار کند.

جدول ۲- انواع نورهای مورد استفاده در دستگاه ویدیو اسپکترال و کاربردهای آنها

نور مورد استفاده	عملکرد	کاربرد اصلی	دلایل فنی قابل مشاهده
نور مرئی (Visible Light)	نور مرئی به چشم انسان شبیه نور معمولی است، اما با VSC می‌توان آن را جهت بزرگ‌نمایی و بررسی جزئیات متمرکز کرد.	بررسی جزئیات ظاهری سند، امضا، دست خط و تغییرات متن.	تشخیص پاک کردن یا اصلاح متن با جوهر/مداد- تشخیص امضای جعلی- مقایسه دست خط با نمونه اصلی.
نور ماورای بنفش (UV)	نور UV باعث می‌شود تا مواد فلورسانت در جوهر یا کاغذ روشن شود و تغییرات یا عناصر پنهان آشکار شوند.	شناسایی ویژگی‌های پنهان، هولوگرام، واترمارک و جوهرهای خاص.	تشخیص تغییرات در هولوگرام پاسپورت یا کارت ملی- تشخیص تغییرات جوهر غیرقابل مشاهده با چشم- رؤیت عناصر فلورسانت روی اسناد امنیتی.
نور مادون قرمز (IR)	نور مادون قرمز می‌تواند از روی جوهر عبور کند یا بازتاب متفاوت داشته باشد و بخش‌هایی را که تغییر کرده‌اند، آشکار کند.	تشخیص جوهرهای قدیمی و جدید، تغییرات چاپ و بررسی لایه‌های پنهان روی سند.	اصلاحات به وجود آمده در متن اصلی سند- تفاوت چاپ لیزری، جوهرافشان و افسست- آشکار شدن تغییرات مخفی در کاغذ یا جوهر.

مثال‌ها:

■ تشخیص این‌که آیا متن اصلی سند دستکاری شده است؛

■ بررسی تفاوت‌های چاپ (لیزر، جوهرافشان یا فست) و لایه‌های کاغذ.

نکته مهم: بعضی کاربردها ترکیبی هستند. به طور نمونه، برای تشخیص امضای جعلی یا تغییرات دقیق در متن، نیاز به ترکیب نور مرئی و IR است تا هم جزئیات سطحی و هم لایه‌های پنهان دیده شود. و یا اینکه استفاده از UV و IR با هم می‌تواند تغییرات جوهرهای فلورسانت یا غیرفلورسانت را دقیق‌تر نشان دهد.

باید توجه داشت که ترکیب نورها دقت تشخیص را افزایش می‌دهد. به طور نمونه:

■ UV + IR برای شناسایی تغییرات پنهان جوهر؛

■ مرئی + IR برای بررسی همزمان جزئیات سطحی و لایه‌های مخفی.

۸- کاربردهای اصلی اسپکتال در کشف جعل

همان‌گونه که در بالا اشاره شد؛ جوهرها، کاغذها و مواد امضای (نشانه، ویژگی) طیفی مخصوص به خود دارند؛ لذا اسنادی که به ظاهر یکسان هستند، در صورت استفاده از جوهرهای متفاوت، در طول موج‌های مختلف رفتار متفاوتی دارند. بنابراین کاربردهای اصلی استفاده از تصاویر اسپکتال عبارتند از:

۱-۸- تشخیص اختلاف جوهر (Ink Differentiation):

کاربردها:

■ تشخیص نوشته‌های الحاقی؛

■ تشخیص نگارش در زمان‌های مختلف (قدمت)؛

■ تشخیص امضا یا اعداد اضافه شده.

۲-۸- تشخیص نوشته‌های پاک شده یا پوشانده شده:

با استفاده از تصویربرداری در طیف‌های مادون قرمز یا فرابنفش.

کاربردها:

■ تشخیص نوشته‌های پاک شده با مواد شیمیایی؛

■ تشخیص نوشته‌های پوشانده شده با جوهر دیگر.

۳-۸- تعیین تقدم و تأخر در متن اسناد:

کاربردها:

■ تشخیص این‌که امضا قبل از متن بوده یا بعد از آن؛

■ تشخیص این‌که مهر قبل از نوشته زده شده یا پس از آن.

این موضوع در دعوی حقوقی اهمیت بالایی دارد.

۴-۸- بررسی جعل امضا

تصویربرداری اسپکتال می‌تواند منجر به موارد زیر شود:

■ بازنویسی امضا؛

■ تمرین امضا؛

■ توقف‌های غیرطبیعی قلم را بهتر از روش‌های سنتی نشان دهد، به‌ویژه وقتی با نظر کارشناس خط همراه شود.

۵-۸- تشخیص دستکاری در اسناد تایپی

در اسناد تایپی می‌توان موارد زیر را مشاهده کرد:

■ تغییر پرینتر؛

■ تغییر تونر؛

■ جایگزینی صفحات (با اسپکتال قابل تشخیص است، حتی اگر کاغذ ظاهراً یکسان باشد).

۶-۸- آشکارسازی نوشته‌های فشاری (Indented Writing):

نوشته‌هایی که روی برگه قبلی بوده و فقط اثر فشار باقی مانده، با نوردهی و طیف مناسب نمایان می‌شوند.

۹- مزایای روش اسپکتال در تشخیص جعل

■ غیرمخرب (عدم آسیب به سند)؛

■ دقت بالا؛

■ قابل ترکیب با سایر روش‌های کارشناسی؛

■ قابل ارائه در دادگاه به‌عنوان دلیل علمی.

۱۰- جایگاه حقوقی و قضایی

در نظام قضایی ایران:

■ تصویربرداری اسپکتال به‌عنوان روش علمی کارشناسی شناخته می‌شود.

■ گزارش آن می‌تواند مبنای نظر کارشناس رسمی دادگستری باشد.

■ معمولاً در کنار کارشناسی خط و بررسی کاغذ و مرکب استفاده می‌شود.

۱۱- نمونه کاربرد عملی

به طور مثال، در یک قولنامه ملکی:

■ مبلغ معامله با خودکار مشابه اضافه شده است؛

■ تاریخ دستکاری شده است؛

■ امضا بعداً الحاق شده است.

با تصویربرداری اسپکتال:

■ اختلاف جوهر مشخص می‌شود؛

■ تقدم و تأخر نوشته‌ها تعیین می‌شود؛

■ جعل اثبات پذیر می‌شود.

۱۲- جمع‌بندی

تصویربرداری اسپکتال یکی از پیشرفته‌ترین روش‌های کشف جعل اسناد است که با آشکارسازی تفاوت‌های نامرئی، امکان تشخیص علمی، دقیق و غیرمخرب جعل را فراهم می‌کند. این روش به‌ویژه در دعوی حقوقی و کیفری و بررسی اسناد مهم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ادامه دارد...



بررسی علل ساختاری ناترازی و تنش آبی از منظر کارشناسی، مدیریتی و حقوق عمومی

چکیده

بحران آب در ایران به مرحله‌ای رسیده است که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً پیامد تغییر اقلیم و یا کاهش بارندگی دانست. شواهد رسمی، داده‌های میدانی و مطالعات علمی معتبر نشان می‌دهد که ناترازی آبی کشور، بیش از هر عامل طبیعی، ریشه در ناترازی عمیق مدیریتی، ضعف حکمرانی منابع آب، تصمیم‌گیری غیرعلمی و حذف نظام‌مند نظر کارشناسان مستقل دارد. این مقاله با رویکردی تحلیلی، انتقادی و مبتنی بر اصول حقوق عمومی، نشان می‌دهد که استمرار این روند، نه تنها امنیت آبی، بلکه حقوق اساسی ملت، توسعه پایدار و حتی تمامیت سرزمینی کشور را با مخاطره مواجه ساخته است. در پایان، راهکارهایی ارائه می‌شود که اجرای آنها نه یک انتخاب سیاسی، بلکه یک تکلیف قانونی و ملی است.

متحد عربی با بارشی بسیار کمتر، به شاخص ۹۹ درصدی دست یافته‌اند. (World Bank Data, ۲۰۲۳) طبق گزارش رسمی شرکت مدیریت منابع آب ایران، در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۰۰ میلیارد مترمکعب بارش در کشور ثبت شده که فقط ۲۵ درصد آن به طور مؤثر مدیریت شده است. همزمان، بیش از ۸۹ درصد آب تجدیدپذیر کشور در بخش کشاورزی و باران‌دانی کمتر از ۴۰ درصد مصرف می‌شود. این ارقام، نه قابل تفسیر سلیقه‌ای هستند و نه قابل انکار. کشوری با این سطح از اتلاف منابع، قربانی طبیعت نیست؛ قربانی مدیریت ناکارآمد است.

خطای ساختاری در سیاست‌گذاری (پروژه‌محوری به جای حکمرانی)

طی سه دهه گذشته، سیاست غالب مدیریت آب کشور، بر سدسازی و انتقال آب بین حوضه‌ای استوار بوده است. این رویکرد، بدون توجه کافی به ظرفیت اکولوژیک حوضه‌ها و بدون ارزیابی جامع پیامدها، اجرا شده و نتیجه آن، افت سالانه نیم تا یک متر از سطح آب‌های زیرزمینی بوده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، سال ۱۴۰۱)

از منظر حقوق اداری و مالی، پرسش جدی این است: وقتی میلیاردها تومان از منابع عمومی صرف طرح‌هایی می‌شود که نه تنها مسئله را حل نکرده‌اند، بلکه بحران را تشدید کرده‌اند، آیا این امر مصداق اتلاف منابع عمومی نیست؟ در مقابل، کشورهایی با شرایط اقلیمی دشوارتر، با تکیه بر بازچرخانی آب، اصلاح الگوی مصرف و فناوری، بحران را مدیریت کرده‌اند. تفاوت در بارش

بحران آب (از مسئله فنی تا مطالبه حقوق ملت)

آب، دیگر صرفاً یک منبع طبیعی یا نهاده تولید نیست؛ آب، امروز به موضوعی مرتبط با حقوق اساسی مردم، امنیت ملی و مسئولیت مستقیم حاکمیت تبدیل شده است. تنش‌های اجتماعی ناشی از کم‌آبی، فرونشست زمین، نابودی زیست‌بوم‌ها و مهاجرت‌های اجباری، همگی نشان می‌دهند که بحران آب، از مرحله هشدار عبور کرده و وارد مرحله هزینه‌سازی غیرقابل بازگشت شده است.

در چنین شرایطی، نسبت دادن وضعیت موجود به اقلیم خشک، نه یک تحلیل علمی، بلکه گریز از مسئولیت است. واقعیت این است که بحران آب ایران، بیش از آنکه محصول کم‌بارشی باشد، نتیجه تصمیماتی است که بدون اتکال به داده، بدون مشارکت کارشناسان مستقل و بدون ارزیابی‌های دقیق فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی اتخاذ شده‌اند. از منظر حقوق عمومی، این پرسش به طور جدی مطرح است: وقتی پیامد تصمیمات غیرعلمی، تضییع حق مردم در برخورداری از محیط زیست سالم و آب پایدار است، مسئولیت حقوقی این تصمیمات بر عهده کیست؟

وضعیت موجود

طبق اعلام وزارت نیرو در سال ۱۴۰۲، میانگین بارش سالانه ایران حدود ۲۴۰ میلی‌متر است. این رقم، ایران را در زمره خشک‌ترین کشورهای جهان قرار نمی‌دهد. با این حال، شاخص دسترسی پایدار به آب شرب در سال ۱۴۰۱ حدود ۸۱ درصد گزارش شده است. این در حالی است که کشورهایی مانند امارات



مهدی لایق گیلو

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
مهندسی آب



واژگان کلیدی:
بحران آب، ناترازی
مدیریتی، حکمرانی
آب، حقوق عمومی،
مسئولیت دولت

نیست؛ تفاوت در عقلانیت تصمیم‌گیری است.

سوءمدیریت آب، عاملی که اقلیم را هم تخریب می‌کند

مطالعات علمی معتبر (Nature Climate Change، ۲۰۱۹) نشان می‌دهد که افت شدید سطح آب‌های زیرزمینی می‌تواند تا ۱۵ درصد کاهش بارندگی محلی ایجاد کند. در ایران، افت بیش از ۲۵ متر سطح آب‌های زیرزمینی طی چند دهه گذشته، به این معنا است که سیاست‌گذاری‌های نادرست، خود به عامل تشدید خشکسالی تبدیل شده‌اند. افزون بر این، آلودگی شدید هوا و افزایش ذرات معلق که نتیجه مستقیم سیاست‌های ناکارآمد انرژی و حمل‌ونقل است، فرآیند بارش مؤثر را مختل کرده است. این یعنی بحران آب، حاصل زنجیره‌ای از تصمیمات نادرست در چند حوزه مدیریتی است؛ زنجیره‌ای که هیچ‌یک از حلقه‌های آن اتفاقی نیست.

ریشه بحران (ناترازی در نظام تصمیم‌سازی)

مسئله آب، پیش از آن که در دشت‌ها و رودخانه‌ها باشد، در ساختار گزینش مدیران و فرآیند تصمیم‌گیری است. حذف نخبگان مستقل، بی‌اعتنایی به نظر کارشناسان رسمی و تقدم وفاداری سیاسی بر تخصص، نتیجه‌ای به جز تصمیمات پرهزینه و غیرقابل دفاع نداشته است. اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط‌زیست را وظیفه‌ای عمومی و غیرقابل اغماض می‌داند. هر تصمیم مدیریتی که منجر به تخریب منابع آب و محیط‌زیست شود، در تعارض مستقیم با این اصل قرار دارد و از منظر حقوق عمومی، قابل پرسش و پیگیری است.

کارشناسان رسمی دادگستری (ظرفیت قانونی مغفول)

بر اساس قوانین مربوط به کانون کارشناسان رسمی دادگستری، این بدنه تخصصی امکان مشارکت مشورتی در فرآیندهای تقنینی، اجرایی و قضایی را دارد. با این حال، در عمل، صدای کارشناسان مستقل در سیاست‌گذاری آب یا شنیده نمی‌شود، یا پس از تصمیم‌گیری دعوت می‌شود. این رویکرد، نه تنها ناکارآمد، بلکه از منظر حقوقی، محل تأمل و پرسش جدی است.

راهکارها (آنچه باید انجام شود)

بدیهی است که با بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسان رسمی و تقویت تعامل، همفکری و هم‌افزایی آنان با کارشناسان حوزه آب در وزارت نیرو، می‌توان مجموعه‌ای از پیشنهادها عملی و مؤثر برای رفع بحران آب کشور تدوین کرد. موارد زیر می‌تواند در زمره این پیشنهادها متعدد قرار گیرد:

۱- اعلام بحران آبی به عنوان اولویت اصلی ملی و تدوین نقشه ملی حکمرانی آب بر اساس داده‌های واقعی و ایجاد سامانه یکپارچه پایش مصرف (مانند الگوی عربستان و سایر کشورهای منطقه)؛

۲- اعلام برنامه‌های اصولی و عملیاتی به منظور ترغیب و مشارکت عمومی در حل بحران آب، توأم با اصلاح الگوی مصرف؛

۳- بازنگری در الگوی آبیاری و الگوی کشت ملی بر اساس ارزش اقتصادی و ارزش و اعتبار محلی آب در هر حوضه آبریز و ممنوع شدن کشاورزی پُر آب‌بر؛

۴- استفاده از فناوری‌های نوین در کشاورزی در مراحل کاشت، داشت و برداشت؛

۵- تغذیه مصنوعی دشت‌ها به منظور کنترل و مهار سیلاب‌ها و تعادل بخشی سفره‌های آب زیرزمینی و جلوگیری از فرونشست زمین و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از خشک شدن چشمه‌ها، قنات‌ها و عمیق‌تر و شور شدن چاه‌ها؛

۶- بازسازی شبکه‌های آبرسانی به علت هدررفت و نشت آب ناشی از فرسودگی شبکه؛

۷- تفکیک شبکه آب شرب و شست‌وشو از همدیگر، برای حفظ آب شیرین با ارزش برای مصرف شرب؛

۸- تهیه و در اختیار گذاشتن ابزار و لوازم کاهش مصرف به مردم و تشویق آنان به استفاده از شیرهای آب چشمی هوشمند؛

۹- لغو طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای غیرضروری تا انجام ارزیابی‌های دقیق فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی؛

۱۰- جانمایی و حتی انتقال صنایع بزرگ پُر آب‌بر به سواحل جنوبی و شمالی کشور، مانند صنایع معدنی مربوط به فولاد، مس، سرب، روی، سیمان، صنایع ذوب و ریخته‌گری فلزات، صنایع شیمیایی و پتروشیمیایی، صنایع آلومینیوم، شیشه، نیروگاه‌ها و... با در نظر گرفتن مشوق‌هایی همچون معافیت مالیاتی، پرداخت وام کم بهره و در اختیار گذاشتن زمین مجانی؛

۱۱- ایجاد تاسیسات آب شیرین‌کن در سواحل جنوبی؛

۱۲- بازچرخانی یا بازگردانی آب با روش تصفیه پساب صنعتی صنایع مختلف؛

و مهمتر از همه:

۱۳- عضویت کارشناسان رسمی دادگستری، دانشگاهیان و سازمان‌های مردم‌نهاد متخصص در حوزه آب در شورای عالی آب کشور و فعال‌سازی بیشتر آن شورا.

۱۴- اصلاح نظام انتصاب مدیران و حذف گزینش‌های سیاسی از فرآیند مدیریت منابع طبیعی.

تصریح می‌شود که اجرای این راهکارها، اگرچه به عنوان پیشنهاد عرضه شده است، اما آنها یک انتخاب اختیاری نیستند، بلکه تکلیفی مدیریتی و قانونی هستند و جزو مطالبه عمومی و ملی محسوب می‌شوند.

۷- جمع‌بندی نهایی (بحران آب، آزمون مسئولیت‌پذیری حاکمیت):

بحران آب در ایران، بحران بارندگی نیست؛ بحران پاسخگویی است. تا زمانی که تصمیمات غیرعلمی بدون هزینه باقی بمانند، مدیران غیرمتخصص پاسخگو نباشند و نظر کارشناسی مستقل نادیده گرفته شود، هیچ برنامه‌ای به سرانجام نخواهد رسید.

نجات آب ایران، پیش از هر چیز، نیازمند اصلاح حکمرانی، بازگرداندن علم به جایگاه تصمیم‌سازی و پذیرش مسئولیت حقوقی خطاهای گذشته است. این یک توصیه نیست، بلکه یک ضرورت ملی و یک تکلیف قانونی است.



مطالعه تطبیقی کارشناسی رسمی دادگستری در ایران و ۱۰ کشور مطرح جهان

چکیده

کارشناسان رسمی دادگستری (Official judicial experts) نقش حیاتی در سیستم‌های قضایی جهان ایفا می‌کنند، به‌ویژه در مواردی که دانش تخصصی، خارج از توانایی قضات و وکلای قرار گیرد، وجود این کارشناس ضروری است. این مقاله با هدف تحلیل تطبیقی ساختار، نحوه انتخاب، مسئولیت‌ها، جبران خدمت و قدرت قانونی کارشناسان رسمی دادگستری در ایران و ۱۰ کشور مطرح در جهان (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ژاپن، کانادا، استرالیا، روسیه، چین و ژاپن) تهیه شده است. روش تحقیق، ترکیبی از تحلیل قوانین، مطالعه موردی و مقایسه نظام‌های حقوقی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای با سیستم قضایی کامن‌لا (Common Law) کارشناسان رسمی دادگستری بیشتر به عنوان شاهد طرفدار عمل می‌کنند (طرف خواننده یا خواهان)، در حالی که در کشورهای با سیستم قضایی مدنی (Civil Law) نقش آنها بیشتر به عنوان کمک‌کننده به دادگاه است. این مقاله با ارائه جداول تفاوت‌های ساختاری، روش‌های ارجاع، جبران خدمت را به صورت شفاف تطبیق می‌دهد و پیشنهادهایی برای اصلاح نظام کارشناس رسمی دادگستری در ایران ارائه می‌کند.

■ مطالعه پرونده‌های قضایی شاخص در هر کشور
■ تحلیل جداول تطبیقی تهیه شده در ۱۰ کشور منتخب
داده‌های گردآوری شده در قالب جداول تطبیقی سازمان‌دهی شده و با استفاده از روش مقایسه‌ای، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. محدودیت اصلی این پژوهش، عدم دسترسی کامل به اسناد رسمی برخی کشورها (مانند چین و روسیه) بوده که با بهره‌گیری از منابع ثانویه معتبر تا حد امکان جبران شده است.

نظام کارشناسی، تعاریف متعارف بین‌المللی و تعریف آن در ایران

- تعاریف بین‌المللی
- تعریف در نظام قضایی کامن‌لا: (Common Law) کارشناس رسمی فردی است که دارای دانش تخصصی در حوزه‌ای معین بوده و براساس این تخصص، نظریه‌ای کارشناسی را در دادگاه ارائه می‌دهد. این نظریه باید مبتنی بر روش‌های علمی معتبر و قابل اتکا باشد [۱].

- تعریف در نظام قضایی مدنی (Civil Law): کارشناس قضایی (Expert Judiciaire) شخصی است که توسط دادگاه منصوب می‌شود و وظیفه او کمک به قاضی در فهم مسائل فنی و تخصصی است، بدون آن که از یکی از طرفین دعوا حمایت کند. این تعریف در کشورهای مانند فرانسه و آلمان رایج است [۲].

- تعریف در نظام قضایی ایران: براساس قانون آیین دادرسی مدنی (مواد ۲۷۰ و ۲۷۱) و قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۱۸۶)، کارشناس رسمی فردی است که از میان فهرست کارشناسان مورد تأیید وزارت دادگستری توسط دادگاه انتخاب می‌شود. وظیفه این فرد ارائه نظر فنی درخصوص موضوعات تخصصی پرونده است. کارشناسان رسمی در فهرست‌های ملی ثبت شده‌اند و معمولاً از رشته‌های مختلف علمی و فنی انتخاب می‌شوند [۴].

در هر سیستم قضایی، مسائل فنی و تخصصی «مانند» تشخیص و ارزیابی امور مهندسی، تحلیل اسناد مالی، یا بررسی اصالت اثر هنری» نیازمند دانش تخصصی هستند که قضات و وکلای نمی‌توانند به‌تنهایی ارزیابی کنند. در این زمینه، کارشناسان رسمی، دادگستری به عنوان پلی بین علم، تخصص و حقوق عمل می‌کنند. این نقش در کشورهای مختلف با توجه به ساختار حقوقی، قضایی و فرهنگی، متفاوت است. در ایران، کارشناسان رسمی از سوی دادگاه‌ها یا دادرها از روی فهرست رسمی تعیین می‌شوند، در حالی که در کشورهایی مانند آمریکا، کارشناسان توسط طرفین یا یکی از آنها، انتخاب می‌شوند و نقش آنها بیشتر به عنوان «شاهد‌های تخصصی» است. این تفاوت‌ها می‌تواند بر کیفیت تصمیم دادگاه، عدالت و اعتبار قضایی تأثیر بگذارد. این مقاله با هدف تحلیل تطبیق مختصر این نظام‌ها، با تمرکز بر ۱۰ کشور مطرح جهان، تلاش می‌کند تا بهترین روش‌ها را شناسایی و پیشنهادهایی برای بهبود نظام کارشناسی دادگستری در ایران ارائه دهد.

روش تحقیق

پژوهش با بهره‌گیری از روش تطبیقی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از منابع حقوقی مختلف مرتبط گردآوری شده‌اند:

- مطالعه قوانین و مقررات قضایی کشورهای مورد بررسی، از جمله: قانون آیین دادرسی مدنی ایران، قانون اصول آیین دادرسی کیفری آلمان، قانون ادله فرانسه، و قانون فدرال ادله ایالات متحده آمریکا
- مراجعه به منابع معتبر حقوقی بین‌المللی، نظیر انتشارات، کمیسیون بین‌المللی وکلا
- بررسی گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (UNODC) در زمینه تقویت نظام‌های قضایی



علی مرادی

کارشناس رسمی
دادگستری در رشته
وسایط نقلیه دریایی و
غواصی



وژگان کلیدی:
کارشناس رسمی
دادگستری،
سیستم قضایی
مدنی، سیستم
قضایی کامن‌لا،
جبران خدمت،
تطبیق حقوقی

۴. نحوه ارجاع کار به کارشناسان رسمی در کشورهای مختلف

ارجاع کار به کارشناسان رسمی (در رشته‌های مختلف) بسته به سیستم قضایی، اداری و فرهنگی هر کشوری متفاوت است. در کشورهای غربی مانند ایالات متحده، بریتانیا و کانادا، ارجاع معمولاً از طریق سازمان‌های مستقل، شوراها یا دادگاه‌ها صورت می‌پذیرد؛ مثلاً در پرونده‌های قضایی، دادگاه به صورت رسمی کارشناسان منتخب دادگاه (Court-Appointed Experts) را انتخاب می‌کند یا طرفین دعوی از کارشناسان مستقل، خودشان کارشناسی را انتخاب می‌کنند که باید دارای صلاحیت رسمی از سوی سازمان‌های حرفه‌ای مانند انجمن پزشکان یا انجمن مهندسان باشند. در آلمان و ژاپن، کارشناسان رسمی اغلب به عنوان بخشی از سیستم دولتی یا نهادهایی مانند دادگاه‌های تخصصی یا وزارتخانه‌ها، استخدام و آموزش دیده‌اند و فقط آنها می‌توانند نظرات رسمی درخصوص موضوع تخصصی حوزه مرتبط صادر کنند. در ایران، ارجاع به کارشناسان رسمی از طریق دادگاه‌ها صورت می‌گیرد و کارشناسان باید از طریق آزمون‌های تخصصی انتخاب شوند و اسامی آنها در فهرست رسمی ثبت می‌شود. در همه کشورها، کارشناسان رسمی باید دارای صلاحیت‌های قانونی، بیطرفی و پاسخگویی به مسئولیت‌های اخلاقی و حرفه‌ای و حقوقی باشند، اما نحوه انتخاب، نظارت و تعیین صلاحیت آنها متفاوت است؛ «از سیستم‌های متمرکز تا بازارهای رقابتی مبتنی بر اعتبار حرفه‌ای و تخصصی»، متنوع هستند.

جدول شماره (۱) نحوه ارجاع کارهای کارشناسی به کارشناسان رسمی دادگستری در ایران و کشورهای منتخب را نشان می‌دهد. کشورها به دو گروه اصلی تقسیم شده‌اند: کشورهایی که سیستم قضایی آنها براساس «کامن‌لا» اداره می‌شوند و کشورهایی که براساس «قانون مدنی» امور قضایی آنها اداره می‌شود.

در مقایسه، ایران از نظر جبران خدمت کارشناسان در حداقل سطوح قرار دارد و عمدتاً تحت تأثیر تورم و محدودیت‌های بودجه‌ای عمل می‌کند. (تعرفه مصوب قوه قضائیه برای جبران خدمت کارشناسان سقف حداکثری تعیین کرده است و سازوکار تعیین دستمزد، مبلغ مندرج در قراردادها در نظر گرفته شده است. زمانی که این مبلغ به حداکثر خود برسد، به نوعی میزان دستمزد متوقف می‌شود.) در کشورهای توسعه‌یافته مانند آلمان و آمریکا سیستم‌های شفاف، بازارمحور و تخصص‌محور دارند که ارزش کار تخصصی را به خوبی منعکس می‌کنند. همچنین، در ایران انگیزه‌های مالی برای کارشناسان کمتر است که می‌تواند بر کیفیت کار تأثیر منفی بگذارد. این نکته بر بازنگری تعرفه و متناسب‌سازی براساس میزان تخصص و حجم کار تأکید می‌کند.

جدول شماره (۲) مقایسه جبران خدمت کارشناسان در کشورهای منتخب و همچنین ایران را نشان می‌دهد. کشورها بر اساس سیستم قضایی خود کارشناسان را انتخاب می‌کنند و موضوع پرونده به آنها ارجاع داده می‌شود.

۶. تفاوت کارشناسان رسمی دادگستری در ایران و کشورهای منتخب

در سراسر جهان، کارشناسان رسمی دادگستری افراد متخصصی

۵. نحوه ارائه جبران خدمت (دستمزد) و مقایسه تعیین جبران خدمت در ایران و کشورهای منتخب

جبران خدمت یا دستمزد، به مجموع پرداخت‌ها به کارشناسان به عنوان جبران برای خدمت انجام‌شده گفته می‌شود. نحوه تعیین

جدول شماره (۱) مقایسه کشورهای مبتنی بر قانون مدنی و کامن‌لا

ردیف	معیار	کشورهای با حقوق مدنی (فرانسه، آلمان، ژاپن، روسیه)	کشورهای کامن‌لا (آمریکا، بریتانیا، کانادا، استرالیا)
۱	نحوه انتخاب	توسط دادگاه از فهرست رسمی	توسط طرفین (مگر در موارد خاص)
۲	استقلال	متوسط (مستقل اما تحت نظارت دادگاه)	بالا (آزادانه کار می‌کنند)
۳	جبران خدمت	ثابت و متوسط (۱۰۰-۳۰۰ یورو/ساعت)	بالا و متغیر (۱۵۰-۵۰۰ دلار/ساعت)
۴	نوع گزارش	دقیق، مبتنی بر استانداردهای فنی دولتی	جامع، مبتنی بر روش علمی و منابع
۵	قابلیت انتخاب توسط طرفین	مجاز فقط به صورت پیشنهاد (بدون تصمیم‌گیری)	مجاز و رایج
۶	پذیرش در دادگاه	پذیرفته می‌شود، اما قابل چالش است.	نیازمند ارزیابی علمی
۷	مسئولیت قانونی	بالا (مسئولیت مدنی و گاه کیفری)	بالا (می‌توانند به خاطر گزارش نادرست مجازات شوند.)
۸	آموزش و تخصص	مدرک + عضویت در انجمن رسمی + آزمون	مدرک + تجربه + تأیید تخصصی
۹	وضعیت حرفه‌ای	حرفه‌ای با حقوق محدود و بخشی از خدمت عمومی یا دولتی	یک حرفه مستقل و پردرآمد

هستند که با توجه به تخصص علمی یا فنی و تجربه خود، در فرآیند قضایی برای روشن سازی موضوعات پیچیده (مانند اختلافات مالی، مهندسی و غیره) که درباره آنها اختلافاتی وجود دارد و از جانب یکی از طرفین دعوی مطرح شده، به دادگاه کمک می کنند. با این حال، نحوه انتخاب، وضعیت حقوقی، نقش و استقلال این کارشناسان در ایران و کشورهای بررسی شده، تفاوت های قابل توجهی دارد.

در ایران، کارشناسان رسمی دادگستری توسط قوه قضاییه (معمولاً دادگاه ها یا دادرسی ها) انتخاب می شوند. این کارشناسان باید دارای حداقل مدرک تحصیلی متناسب در رشته مربوطه (حداقل لیسانس) باشند، در آزمون کارشناسی رسمی شرکت کنند و پس از تأیید، در فهرست کارشناسان قرار گیرند. کارشناسان تحت نظر دادگاه عمل می کنند. این سیستم بیشتر متمرکز است و کارشناس مستقل معمولاً مورد پذیرش قرار نمی گیرد. همچنین، مبلغ جبران خدمت کارشناسان در ایران پایین است که به این سبب، انگیزه های حرفه ای را تحت الشعاع قرار می دهد.

در مقابل، در کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا کارشناسان دادگستری عمدتاً «مستقل» هستند و توسط یکی از طرفین دعوی (خواهان یا خوانده) استخدام می شوند. البته دادگاه نیز می تواند کارشناس مستقل منصوب کند. جبران خدمت این کارشناسان معمولاً از مکانیسم بازار آزاد تعیین می شود و شهرت، سابقه علمی، تجربه و تخصص آنها تعیین کننده اعتماد به نظرشان است. در این سیستم، کارشناسان مسئولیت حرفه ای، اخلاقی و حقوقی سنگینی دارند و اگر کار آنها تقلبی یا نادرست باشد، ممکن است مجازات مدنی یا کیفری تحمل کنند. میزان جبران خدمت آنها بالا است و بر اساس ساعت کاری و تخصص محاسبه می شود.

در آلمان، کارشناسان دادگستری اغلب از فهرست معتبر و مورد تأیید وزارتخانه ها یا انجمن های حرفه ای (مانند انجمن مهندسان) انتخاب

می شود. این کارشناسان از استقلال زیادی برخوردارند و باید دارای گواهینامه تخصصی و سابقه کاری کافی باشند. دادگاه نقش مهمی در انتخاب و تأیید کارشناس دارد، اما کارشناس مستقل نیز می تواند منصوب شود. سیستم آلمان ترکیبی از استقلال حرفه ای و نظارت دولتی است و کیفیت گزارش های کارشناسی در آن بسیار مورد تأکید است. در انگلستان، کارشناسان رسمی بیشتر به صورت مستقل فعالیت می کنند و طبق قانون، وظیفه اصلی آنها پیشبرد عدالت و ارائه نظر بیطرفانه به دادگاه است، نه دفاع از طرفین که آنها را استخدام کرده است.

جدول شماره (۳) - تفاوت های کارشناسان رسمی دادگستری در ایران و کشورهای منتخب را نشان می دهد. به طور خلاصه، تفاوت اصلی بین ایران و کشورهای منتخب در «استقلال کارشناس، نحوه انتخاب، بیطرفی، جبران خدمت و مسئولیت» برآورد شده است. در ایران، کارشناس عمدتاً نقش اجرایی (تهیه لایحه و گزارش) برای دستگاه قضایی دارد، در حالی که در کشورهای با سیستم قضایی کامن لا، کارشناس، یک متخصص مستقل با مسئولیت اخلاقی، حرفه و حقوقی بالا، است که نظر او تأثیر مستقیمی بر تصمیم دادگاه تأثیر می گذارد. سیستم قضایی ایران تقریباً مشابه گروه دوم (کشورهای با سیستم قضایی مدنی) است.

۷. نتیجه گیری

این مطالعه نشان می دهد که نظام کارشناسی دادگستری در ایران متمرکز، کم بودجه و کم استقلال است. در مقابل، کشورهایمانند آمریکا، آلمان، انگلیس با ترکیبی از استقلال کارشناسان، ارزیابی علمی نظریه ها و جبران خدمت مناسب، به سمت کارشناسی مستقل و قابل اعتماد حرکت کرده اند. در ایران، انتخاب کارشناس از فهرست کانون کارشناسان رسمی صورت می گیرد و طرفین دعوی نمی توانند به طور مستقل کارشناس تعیین کنند که در این رویه،

جدول شماره (۲) - مقایسه نحوه جبران خدمت (دستمزد) در ایران و کشورهای منتخب

ردیف	کشور	مکانیسم تعیین جبران خدمت	میزان جبران خدمت
۱	ایران	تعرفه جبران خدمت بر اساس دستورالعمل قوه قضاییه تعیین می شود.	میزان جبران خدمت بر اساس نوع کار، از سوی طرفین دعوی پرداخت می شود. معمولاً مبلغ قرارداد ملاک جبران خدمت در نظر گرفته شده است.
۲	آمریکا	با توافق طرفین و تأیید دادگاه.	توسط طرفین پرداخت می شود.
۳	بریتانیا	قانون اداری دادگاه ها (Courts and Legal Services Act 1990)	اگر کارشناس یکی از طرفین باشد: توسط طرف مربوطه و اگر کارشناس مشترک باشد: توسط طرفین به نسبت سهم، جبران می شود.
۴	فرانسه	دستورالعمل وزارت دادگستری فرانسه	توسط دولت پرداخت می شود. مبلغ ثابت و افزایشی بر اساس پیچیدگی موضوع
۵	آلمان	ZPO, 404(4)	توسط دولت پرداخت می شود. هزینه بر اساس زمان و پیچیدگی محاسبه می شود.
۶	ژاپن	قانون آیین دادرسی مدنی ژاپن، ماده ۳۶۰	توسط دولت پرداخت می شود. مبلغ بر اساس نوع پرونده تعیین می شود.
۷	کانادا	Canada Evidence Act, s. 24	توسط طرفین پرداخت می شود. در موارد خاص، دادگاه می تواند هزینه را توزیع کند. اگر طرفین انتخاب کنند: توسط طرفین پرداخت می شود.
۸	استرالیا	Evidence Act 1995 (Cth), s. 79	اگر دادگاه منصوب کند: توسط دادگاه پرداخت می شود.
۹	روسیه	قانون آیین دادرسی مدنی روسیه، ماده ۸۲	توسط دولت پرداخت می شود. مبلغ بر اساس رشته و پیچیدگی، ثابت است.
۱۰	چین	قانون آیین دادرسی مدنی چین، ماده ۷۷	توسط دولت پرداخت می شود. مبلغ ثابت و کم است.

جدول شماره (۳) - تفاوت کارشناسان رسمی دادگستری در ایران و کشورهای منتخب

ردیف	معیار	کشورهای مدنی (فرانسه، آلمان، ژاپن، روسیه، چین)	کشورهای کامن لا (آمریکا، بریتانیا، کانادا، استرالیا)	ایران
۱	نحوه انتخاب	توسط دادگاه از فهرست رسمی	توسط طرفین (مگر در موارد خاص)	توسط دادگاه از فهرست رسمی
۲	استقلال	متوسط (مستقل اما تحت نظارت دادگاه)	بالا (آزادانه کار می‌کنند.)	پایین (وابسته به دادگاه و وزارت دادگستری)
۳	جبران خدمت	ثابت و متوسط	بالا و متغیر	پایین و متغیر
۴	نوع گزارش	دقیق، مبتنی بر استانداردهای فنی دولتی	جامع، مبتنی بر روش علمی و منابع	نیمه جامع، مبتنی بر دستورالعمل و رویه‌های دادگاه
۵	قابلیت انتخاب توسط طرفین	مجاز فقط به صورت پیشنهاد (بدون تصمیم‌گیری)	مجاز و رایج	ممنوع
۶	پذیرش در دادگاه	پذیرفته می‌شود، اما قابل چالش است.	نیازمند ارزیابی علمی	معمولاً (بدون ارزیابی علمی) پذیرفته می‌شود.
۷	مسئولیت قانونی	بالا (مسئولیت مدنی و گاه کیفری)	بالا (می‌توانند به خاطر گزارش نادرست مجازات شوند.)	محدود (بدون مسئولیت مدنی/کیفری مشخص)
۸	آموزش و تخصص	مدرک + عضویت در انجمن رسمی + آزمون	مدرک + تجربه + تأیید تخصصی	مدرک تحصیلی + تجربه + آزمون + عضویت در کانون
۹	وضعیت حرفه‌ای	حرفه‌ای با حقوق محدود و بخشی از خدمت عمومی	یک حرفه مستقل و پردرآمد	نه یک حرفه مستقل، بلکه وظیفه اضافی

دستمزد را تأیید و ابلاغ می‌کند، اما طرفی که گزارش به ضرر او باشد، از پرداخت آن طفره می‌رود.

۹. پیشنهادها

- افزایش جبران خدمت براساس معیارهای حرفه‌ای؛
 - تدوین روش‌های نوین علمی در تهیه لایحه و گزارش کارشناسی؛
 - آموزش و استانداردسازی.
- بهبود نظام کارشناسی رسمی دادگستری در ایران، نه تنها به ارتقای عدالت قضایی، بلکه به افزایش اعتماد عمومی به دادگاه‌ها و کاهش شکایات از نظرات کارشناسی کمک شایانی خواهد کرد.

کاهش کیفیت نظرهای تخصصی و افزایش احتمال سوءاستفاده سیستم دور از ذهن نیست. همچنین، جبران خدمت ناچیز، باعث می‌شود تا خروجی کار مطلوب نباشد. اصلاح سیستم کارشناسی در ایران نیازمند افزایش استقلال، بهبود جبران خدمت، تقویت معیارهای انتخاب و ایجاد مکانیسم‌های پاسخگویی و نظارت حرفه‌ای است. جبران خدمت در سیستم قضایی ایران، یکی از چالش‌های اصلی کارشناسان محسوب می‌شود، زیرا علاوه بر اینکه کارشناس باید کاری را که به او ارجاع شده، به نحو احسن انجام دهد؛ از سوی دیگر نگران دریافت حق الزحمه خود است و بارها اتفاق افتاده است، با وجودی که قاضی درخواست تتمه

مراجع و منابع

- [1] (Daubert v. Merrell Dow Pharmaceuticals, 509 U.S. 579 (1993).
- [2] Code de procédure civile, Art. 223-1 à 223-12, France
- [3] قانون آیین دادرسی مدنی ایران، ماده ۲۷۰-۲۷۲، ۱۳۹۲، ۲۷۲.
- [4] دستورالعمل اجرایی کارشناسی دادگستری، وزارت دادگستری ایران، ۱۳۹۷.
- [5] Zivilprozessordnung (ZPO), Germany
- [6] Civil Procedure Rules (CPR), Part 35, UK
- [7] Canada Evidence Act, R.S.C., 1985, c. C-5
- [8] Evidence Act 1995 (Cth), Australia
- [9] Гражданский процессуальный кодекс Российской Федерации, ст. 82, 2025
- [10] OECD (2021). *Judicial Expertise in Civil and Criminal Cases: Comparative Perspectives*. Paris: OECD Publishing
- [11] UNODC (2020). *Handbook on Judicial Expertise*. Vienna: United Nations Office on Drugs and Crime
- [12] Harvard Law Review (2022). "Expert Witnesses and the Adversarial System". Vol. 135, No. 7
- [13] *International Bar Association (IBA) (2023). *Guidelines on the Use of Expert Evidence in International Arbitration
- [14] موسسه تحقیقات حقوقی مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲). بررسی نظام کارشناسی دادگستری در ایران و مقایسه با کشورهای پیشرو*. تهران: انتشارات مجلس.
- [15] دانشگاه علامه طباطبائی، گروه حقوق تطبیقی (۱۴۰۳). *تحلیل نظام کارشناسی قضایی در کشورهای اروپایی و آسیایی*. تهران: انتشارات دانشگاهی.
- [16] World Bank (2022). *Justice for All: Strengthening Judicial Systems in Developing Countries*. Washington, DC



نشست مشترک رؤسای کانون‌های کارشناسان رسمی، وکلا و سردفتران برگزار شد؛ امضای تفاهم‌نامه همکاری میان سه نهاد حقوقی

محل کانون وکلای دادگستری مرکز برگزار شد. به گزارش روابط عمومی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، در این جلسه، مهمترین موضوعات مشترک و راه‌های تقویت هماهنگی میان سه نهاد بررسی شد.

همچنین در پایان جلسه، تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه میان کانون کارشناسان رسمی، کانون وکلا و کانون سردفتران و دفترياران به امضا رسید. هدف از انعقاد این تفاهم‌نامه، ایجاد سازوکار مشترکی برای پیگیری مسائل حرفه‌ای و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی هر یک از این نهادها در تعامل با مراجع ذی‌صلاح است. گفتنی است؛ بر اساس توافق رؤسای کانون‌ها، برگزاری جلسات مشترک به صورت منظم ادامه خواهد داشت.

سومین نشست هم‌اندیشی رؤسای کانون کارشناسان رسمی، کانون وکلا و کانون سردفتران و دفترياران، روز دوشنبه ۱۰ آذر ماه سال جاری در



به مناسبت روز زن انجام شد؛

دیدار رییس و هیئت‌مدیره با بانوان شاغل در کانون کارشناسان تهران



به مناسبت فرارسیدن سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) و گرامیداشت روز زن، دکتر محمدجواد تیموری، رئیس هیئت‌مدیره کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، به همراه اعضای هیئت‌مدیره این کانون با بانوان شاغل در کانون دیدار کردند.

به گزارش روابط عمومی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، در این دیدار، مسئولان کانون ضمن تبریک این روز و قدردانی از تلاش‌های بانوان همکار، به نقش اثرگذار آنها در پیشبرد امور اداری و پشتیبانی فعالیت‌های تخصصی این کانون اشاره کردند. همچنین لازم به ذکر است؛ رئیس و اعضای هیئت‌مدیره کانون با حضور در محل کار واحدهای مختلف، از نزدیک با بانوان همکار دیدار کردند و با اهدای گل، از زحمات و تلاش‌های ارزنده آنان تقدیر به عمل آوردند.





در نشست تخصصی دادیاران دادرسی انتظامی تأکید شد؛

نقش پررنگ دادیاران در صیانت از جایگاه حرفه‌ای کارشناسی رسمی



حاضر در جلسه، دیدگاه‌ها و پرسش‌های خود را درباره رویه‌ها و مسائل اجرایی رسیدگی به تخلفات انتظامی مطرح کردند که دادستان انتظامی کانون و معاون وی به این پرسش‌ها پاسخ دادند.

لازم به ذکر است؛ برگزاری این نشست‌ها در راستای افزایش دقت، انسجام، سرعت و انضباط در رسیدگی‌های انتظامی و در جهت تقویت اعتماد عمومی به نهاد کارشناسی رسمی، گامی مهم و مؤثر ارزیابی می‌شود.

نشست تخصصی دادیاران دادرسی انتظامی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، روز شنبه ۲۹ آذرماه ۱۴۰۴ با حضور دادستان انتظامی، معاون دادستان انتظامی و بیش از ۱۳۰ نفر از دادیاران، در سالن آمفی‌تئاتر ساختمان شماره ۲ کانون برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، این نشست با اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید آغاز شد. در ادامه، دکتر پیمان وهاب‌کاشی، عضو هیئت‌مدیره کانون کارشناسان استان تهران، ضمن خوش‌آمدگویی به حاضران، بر اهمیت ارتقای کیفیت رسیدگی‌های انتظامی و نقش دادیاران در صیانت از جایگاه حرفه‌ای کارشناسی رسمی تأکید کرد.

گفتنی است؛ در بخش اصلی برنامه، فریبرز قاسمی، دادستان انتظامی کانون کارشناسان استان تهران، و پدرام بهین‌شاد، معاون دادستان انتظامی، به تبیین مباحثی پیرامون نقش دادیاران در راستای ارتقای کیفیت رسیدگی به تخلفات انتظامی، لزوم رعایت دقیق اصول، پروتکل‌ها و آیین‌نامه‌های رسیدگی و نیز چالش‌های موجود در فرآیندهای انتظامی پرداختند.

بر اساس این گزارش، بخش پایانی این نشست به پرسش و پاسخ اختصاص داشت و دادیاران



نشست خبری «همایش ملی توسعه نظام کارشناسی رسمی» برگزار شد

رسمی دادگستری استان تهران و دکتر پژمان وهاب‌کاشی مدیرمسئول این همایش، ضمن تشریح اهداف، رویکردها و محورهای تخصصی همایش، توضیحاتی درباره نحوه برگزاری، فرآیند ارسال و داوری مقالات و شیوه مشارکت کارشناسان ارائه کردند. همچنین تیموری با تأکید بر ضرورت توسعه و ارتقای نظام کارشناسی رسمی، این همایش را فرصتی برای تقویت جایگاه حرفه‌ای کارشناسان، ارتقای کیفیت خدمات کارشناسی و افزایش هم‌افزایی نهادی دانست. در ادامه نشست، وهاب‌کاشی با اشاره به ابعاد علمی همایش، آن را بستری برای تبادل تجارب تخصصی و تولید ادبیات علمی در حوزه کارشناسی رسمی عنوان کرد.

در بخش پایانی این نشست، خبرنگاران حاضر پرسش‌های خود را مطرح کردند و مسئولان همایش به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ دادند. لازم به یادآوری است؛ در صورت مساعد بودن شرایط کشور، همایش ملی توسعه نظام کارشناسی رسمی در روزهای ۱۹ و ۲۰ فروردین سال ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد.

نشست خبری «همایش ملی توسعه نظام کارشناسی رسمی» روز شنبه ۶ دی‌ماه در ساختمان شماره یک کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان تهران، در این نشست، دکتر محمدجواد تیموری، رییس کانون کارشناسان



میان تسهیل و تشخیص

یک سقف فرو ریخته

منصور صفرزاده

«میان تسهیل و تشخیص» متنی تحلیلی-روایی است که از یک حادثه عینی-ریزش یک سقف - به تأملی ساختاری درباره نسبت قانون تسهیل با حرفه کارشناسی می‌رسد. کسب‌وکار تابع منطق بازار و معطوف به سود است؛ اما حرفه کارشناسی غایتی متفاوت دارد و آن عدالت و صیانت از اعتماد عمومی است. نظر کارشناس کالایی صرف نیست و نمی‌توان تشخیص تخصصی را به مجوز ورود تقلیل داد. خلط منطق سود با منطق حرفه، خطر جایگزینی کارایی اقتصادی به جای مشروعیت و دقت روشی را در پی دارد و می‌تواند به عدالت آسیب بزند.

بخش اول

احراز

سال ۱۴۰۶ بود.

پرونده‌های «سه گزارش برای یک حادثه» دیگر استثنا محسوب نمی‌شد. تکرار شده بود؛ آن قدر که دیدن سه نظریه متعارض درباره یک رخداد، دیگر کسی را شگفت زده نمی‌کرد.

در اتاق دادگاه انتظامی، سه عضو هیأت رسیدگی پشت میز نشسته بودند: قاضی احمدی در میانه، سمت راست او مهندس آیدین داور و سمت چپ مهندس رادمان.

پرونده باز بود.

سه گزارش کنار هم قرار داشت. و عکسی از سقف فرو ریخته: لبه دال شکسته، میلگردی بیرون زده، و زونکن‌ها و کارتن‌های اداری که بر آوار پخش شده بود.

قاضی احمدی با لحنی منظم گفت: موضوع روشن است. ریزش سقف آپارتمان طبقه دوم ساختمانی چهارطبقه.

یک مالک، یک مستأجر زیان دیده.

اما منشأ حادثه محل اختلاف است.

مکتب کوتاهی کرد و برگه‌ها را مرتب نمود و ادامه داد: گزارش اول، تأمین دلیل مستأجر، تغییر کاربری طبقه فوقانی به پایگانی، دیوی کارتن‌های پرونده، افزایش بار مرده، و در نتیجه ریزش.

گزارش دوم، تأمین دلیل مالک، نقص اجرا، ضعف نظارت، و ایراد اجرایی در سقف.

گزارش سوم، نظریه کارشناس منتخب دادگاه، اشتباه در طراحی سازه.

برگه‌ها را روی میز گذاشت.

سه گزارش: سه علت. سه مسیر مسئولیت. برای یک سقف.

سکوت کوتاهی شکل گرفت.

مهندس رادمان با لحنی سنجیده گفت: اختلاف نظر در کارشناسی امر غریبی نیست. کارشناسی تحلیل است، و تحلیل همواره با تفسیر همراه می‌شود.

مهندس داور آرام پاسخ داد: اختلاف نظر طبیعی است. اما اختلاف در نقطه آغاز، مسئله ساز است.

قاضی نگاهش را به او چرخاند: منظورتان از «نقطه آغاز» چیست؟

داور یکی از گزارش‌ها را جلو کشید: این گزارش با فرض افزایش بار شروع کرده، پیش از آن که ظرفیت بابرری سقف به طور مستقل سنجیده شود.

گزارش دوم را نشان داد: این یکی از فرض ضعف اجرا آغاز کرده؛ ترک‌ها و کیفیت بتن را برجسته کرده، اما اثر بارگذاری را به صورت

مقایسه‌ای نسنجیده است.

سومی را برداشت: و این گزارش، طراحی را علت دانسته، بی آن که محاسبات اولیه بازسازی شود؛ ادعا کرده خطا وجود داشته، اما نشان نداده «کجا»، «چرا» و «به چه میزان».

مکتب کوتاه.

هر سه، پیش از تثبیت کامل داده‌ها، به سوی نتیجه حرکت کرده‌اند.

قاضی گفت: تفاوت میان «تثبیت داده» و «حرکت به نتیجه» را دقیق‌تر توضیح دهید.

داور با لحنی فنی و آرام پاسخ داد: در هر بررسی تخصصی، مرحله‌ای وجود دارد که باید از تبیین جدا بماند. ثبت بی‌طرفانه واقعیت عینی؛ اندازه‌گیری، آزمایش، سنجش ظرفیت، و مستندسازی. این مرحله را می‌توان «احراز» نامید.

مکتب کرد.

پس از احراز، چند تبیین ممکن شکل می‌گیرد. انتخاب معتبرترین تبیین از میان آن‌ها «تشخیص» است.

اگر تشخیص پیش از احراز بنشیند، داده‌ها به جای آن که مبنا باشند، در خدمت فرض قرار می‌گیرند.

رادمان اندکی به جلو خم شد: در میدان عمل، تفکیک کامل این دو همیشه ساده نیست. کارشناس ناگزیر است هم مشاهده کند و هم تحلیل. فرآیند، خطی و آزمایشگاهی نیست.

داور سر تکان داد.

درست است. مسئله، تفکیک مطلق نیست؛ مسئله تقدم است. این که ذهن، پیش از تثبیت داده، به نتیجه نچسبد.

قاضی با دقت گفت: بنابراین پرسش این است، آیا در این پرونده، تقدم احراز بر تشخیص رعایت شده است یا نه؟

داور پاسخ داد: قرائن نشان می‌دهد که این تقدم، دست‌کم در بخشی از گزارش‌ها مخدوش شده است.

رادمان گفت: یا شاید مسئله، شیوه تنظیم گزارش‌ها باشد، نه نیت کارشناسان.

قاضی پرسید: شیوه تنظیم چگونه می‌تواند بر نتیجه اثر بگذارد؟

رادمان پاسخ داد: هنگامی که از کارشناس خواسته می‌شود علاوه بر توصیف وضعیت موجود، علت را نیز اعلام کند، مرحله مشاهده و تحلیل در هم ادغام می‌شود. و این هم‌زمانی می‌تواند تقدم احراز را تضعیف کند.

داور افزود: به‌ویژه در تأمین دلیل، که ماهیت آن تثبیت وضعیت عینی است، نه تعیین علت یا مسئولیت.

قاضی لحظه‌ای سکوت کرد: یعنی نوع پرسش، مسیر اندیشه را



شکل می‌دهد؟

داور گفت: بله، سؤال، جهت نگاه را تعیین می‌کند.

رادمان ادامه داد: و اگر پرسش از ابتدا ناظر به علت باشد، ذهن به سوی پاسخ علت محور حرکت می‌کند، حتی پیش از آن که داده‌ها کامل شوند.

سکوت.

قاضی به سه گزارش نگاه کرد: پس مسئله ما صرفاً اختلاف نتیجه نیست. مسئله احتمال جابه‌جایی ترتیب است.

داور گفت: جابه‌جایی میان احراز و تشخیص.

رادمان آرام افزود: و اگر این جابه‌جایی تکرار شود، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً خطای موردی دانست.

قاضی نگاهش را از عکس سقف برداشت: نخستین پرسش ما این است، آیا در این پرونده، احراز بر تشخیص مقدم بوده است یا نه؟ سه عضو هیأت، به گزارش‌ها خیره ماندند. سقف یک‌بار فرو ریخته بود. اما اکنون پرسش، پیش از علت حادثه، درباره روش دیدن حادثه بود.

بخش دوم

کمیت، کیفیت، و آنچه پنهان می‌ماند

سقف یک‌بار فرو ریخته بود. اما اکنون مسئله، تنها علت آن نبود؛ مسئله کیفیت دیدن آن بود.

قاضی احمدی سکوت را شکست: اگر در این پرونده تقدم احراز بر تشخیص رعایت نشده باشد، باید بپرسیم این رخداد، خطایی موردی است یا نشانه تغییری گسترده‌تر در میدان حرفه.

نگاهش میان دو عضو دیگر گردش کرد: شما چه می‌بینید؟

مهندس رادمان پاسخ داد: وقتی سه گزارش مستقل، با ساختاری مشابه به نتیجه رسیده‌اند، احتمال خطای صرفاً فردی کاهش می‌یابد. باید به شرایط محیطی حرفه نگاه کنیم.

قاضی پرسید: منظورتان از «شرایط محیطی» چیست؟

رادمان گفت: در پنج سال اخیر، تعداد کارشناسان در برخی رشته‌ها چند برابر شده است. ترکیب حرفه تغییر کرده. رقابت برای ارجاع افزایش یافته. این تغییر کمی، بی‌اثر نیست.

قاضی با دقت گفت: منشأ این افزایش کمی چه بود؟

رادمان مکث کوتاهی کرد و ادامه داد: قواعد ورود بازتعریف شد. صدور پروانه دیگر به ظرفیت عددی وابسته نبود. مبنای ورود، احراز شرایط عینی شد: مدرک، سابقه، آزمون. این منطق در چارچوب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار تثبیت شد. هدف آن، افزایش دسترسی و رفع انحصار بود.

قاضی گفت: یعنی کمیت افزایش یافت.

رادمان پاسخ داد: بله. و افزایش کمیت، رقابت ایجاد می‌کند. رقابت، رفتار حرفه‌ای را جهت می‌دهد.

مهندس داور پرسید: رقابت چه چیزی را تقویت می‌کند؟

رادمان گفت: آنچه نظام به آن پاداش می‌دهد. اگر سرعت ارجاع اهمیت یابد، سرعت تقویت می‌شود. اگر قالب و ظاهر گزارش سنجش‌پذیرتر باشد، همان برجسته می‌شود. و اگر ارزیابی کیفیت عمیق دشوار باشد، شاخص‌های ساده‌تر جایگزین آن می‌شوند.

قاضی گفت: پس دوگانه‌ای شکل می‌گیرد: کمیت و کیفیت.

داور آرام پاسخ داد: بله، اما باید بپرسیم «کیفیت» را چگونه تعریف می‌کنیم.

مکثی کوتاه کرد: کیفیت نگارش؟ کیفیت سرعت؟ یا کیفیت استدلال؟

رادمان گفت: در هر نظام خدماتی، کیفیت مفهومی چندلایه است.

داور ادامه داد: اما در حرفه کارشناسی، کیفیت بنیادی، دقت در تقدم احراز بر تشخیص است. گر این تقدم مخدوش شود، گزارش می‌تواند منظم، مستدل و حتی قاطع به نظر برسد، اما بنیاد روش شناختی آن سست باشد.

قاضی گفت: یعنی ممکن است کمیت افزایش یابد، ظاهر کیفیت حفظ شود، اما دقت تحلیل تضعیف گردد؟

داور پاسخ داد: دقیقاً، در بازاری که اطلاعات نامتقارن است، کارشناس بیش از انتخاب‌کننده می‌داند ارزیابی کیفیت واقعی در لحظه دشوار است. آنچه قابل مشاهده‌تر است، جایگزین آن می‌شود.

رادمان بالحنی متوازن گفت: این خطر وجود دارد. اما راه‌حل آن، بازگشت به انحصار نیست. اگر به نام کیفیت، مسیر ورود محدود شود، عدالت دسترسی آسیب می‌بیند. و انحصار نیز تضمین‌کننده کیفیت نیست.

قاضی گفت: بنابراین مسئله، انتخاب ساده میان کمیت و کیفیت نیست. مسئله، نحوه تنظیم حرفه است.

داور افزود: اگر تنظیم تنها بر تسهیل ورود متمرکز باشد، و سازوکاری مستقل برای سنجش دقت روش وجود نداشته باشد، افزایش کمیت می‌تواند فشار غیرمستقیمی بر کیفیت وارد کند.

رادمان پرسید: این فشار چگونه عمل می‌کند؟

داور پاسخ داد: وقتی رقابت برای ارجاع افزایش می‌یابد،

کارشناس ممکن است ناآگاهانه به سمت گزارش‌هایی برود که سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر، و کم‌چالش‌ترند. در چنین فضایی، زمان صرف‌شده برای احراز دقیق داده‌ها، مزیت رقابتی فوری ایجاد نمی‌کند.

قاضی گفت: یعنی نظام پاداش، ترتیب را تغییر می‌دهد.

داور گفت: بله. اگر پاداش بر سرعت باشد، سرعت تقویت می‌شود. اگر بر قطعیت ظاهری باشد، قطعیت برجسته می‌شود. اما دقتی که نیازمند مکث و سنجش است، کمتر دیده می‌شود.

رادمان آهسته گفت: پس ما با دو مطالبه هم‌زمان مواجهیم، یکی افزایش کمیت برای عدالت دسترسی، و دیگری حفظ کیفیت برای عدالت تصمیم.

قاضی گفت: و پرسش این است که آیا طراحی تنظیم حرفه، این دو را هم‌زمان دیده است یا نه؟

سکوت کوتاهی در اتاق نشست. سقف فرو ریخته بود. اما اکنون مسئله تنها آن نبود. پرسش این بود که: آیا در مسیر گسترش دسترسی، ستون پنهان کیفیت، بی‌آنکه دیده شود، تحت فشار قرار گرفته است یا نه؟

بخش سوم

هزینه

در زدند. رئیس دفتر نیم‌تنه‌اش را داخل آورد: زبان دیده حاضر است. قاضی احمدی گفت: بفرمایید.

مردی وارد شد. چهل و چند ساله ...

لباس کار بر تن. دست‌هایی زخم‌خورده، که به جای کاغذ، به آجر و سیمان خو گرفته بود. لحظه‌ای ایستاد.

قاضی بالحنی رسمی و یکنواخت گفت: خودتان را معرفی کنید و مختصر، مطالبتان را بیان کنید.

مرد گفت: حسن ... مستاجر طبقه دوم. روز حادثه، سقف آشپزخانه ریخت. طبقه بالا در اختیار مالک بود؛ تبدیلیش کرده بود به بایگانی.



سه گزارش آمده، هرکدام یک علت گفته‌اند. شش ماه است با

خانواده‌ام در خانه برادرم زندگی می‌کنم. فقط می‌خواهم بدانم مسئول کیست. از چه کسی باید خسارت بگیریم؟

قاضی گفت: اظهارات شما ثبت شد. مدارک را به دفتر تحویل دهید. در صورت نیاز با شما تماس گرفته می‌شود. مرد سری تکان داد. چیزی برای افزودن نداشت. خارج شد در بسته شد. سکوت.

قاضی گفت: ما درباره کمیت و کیفیت سخن گفتیم. اما اکنون باید درباره هزینه سخن بگوییم.

رادمان گفت: در هر نظامی، خطا هزینه دارد.

داور پاسخ داد: تفاوت در محل توزیع هزینه است.

قاضی پرسید: توضیح دهید.

داور گفت: در کسب‌وکار، اگر خدمتی ضعیف باشد، مشتری ناراضی می‌شود و به ارائه‌دهنده باز نمی‌گردد. هزینه خطا عمدتاً به تولیدکننده آن بازمی‌گردد.

مکثی کوتاه کرد:

اما در حرفه‌ای که نظر آن مبنای رأی قضایی است، خطا پیش از آن که اصلاح شود، در متن دعوا اثر می‌گذارد...

رادمان گفت: مگر در نهایت، نظام انتظامی و رسیدگی مجدد آن را اصلاح نمی‌کند؟

داور پاسخ داد: شاید اصلاح کند. اما زمان بازمی‌گردد. زیان دیده نمی‌تواند «کارشناس را عوض کند» تا شش ماه گذشته را جبران کند. بلا تکلیفی، پیش از اصلاح، واقع شده است.

قاضی گفت: یعنی بازار، هزینه را به‌طور کامل به تولیدکننده خطا بازمی‌گرداند.

داور گفت: بله. هزینه توزیع می‌شود: بر زمان دادگاه، بر اعصاب طرفین، و گاه بر احتمال صدور رأیی که بر پایه کامل‌ترین تشخیص بنا نشده است.

رادمان آرام گفت: با این حال، راه‌حل نمی‌تواند بازگشت به انحصار باشد. قاضی گفت: مسئله انحصار یا تسهیل به‌تنهایی نیست. مسئله این است که آیا میان این دو، سازوکاری برای تحمل و توزیع

سکوت. داور گفت: اگر ورود بر احراز حداقل‌ها استوار باشد، و سنجش عمیق‌تر تشخیص به مرحله‌ای مؤثر واگذار نشود، فاصله‌ای ایجاد می‌شود میان «دارای مجوز» و «دارای قوه تشخیص».

رادمان گفت: و اگر تشخیص را معیار اصلی ورود قرار دهیم، مرجعی باید آن را بسنجد. و آن‌جا خطر سلیقه، تمرکز قدرت، و بستن مسیر ورود پدید می‌آید.

قاضی آهسته گفت: پس هر دو مسیر هزینه دارد.

او برگه‌ای برداشت و به عکس سقف نگاه کرد: ما نمی‌توانیم هم‌زمان ورود را کاملاً تسهیل کنیم، تشخیص را تضمین کنیم، و هزینه خطا را به صفر برسانیم.

سکوت طولانی‌تر شد.

رادمان گفت: بنابراین باید بپذیریم که میان هزینه‌ها انتخاب می‌کنیم. داور گفت: و پرسش این است که چه کسی حق این انتخاب را دارد.

قاضی نگاهش را به در بسته دوخت: قانون؟ نهاد حرفه؟ یا مردی که سقف بر سرش فرو ریخته است؟

هیچ پاسخ قطعی‌ای در اتاق نبود.

قاضی ادامه داد: اگر تسهیل را انتخاب کنیم، باید بپذیریم اختلاف‌ها افزایش می‌یابد. اگر سخت‌گیری در تشخیص را انتخاب کنیم، باید بپذیریم دسترسی محدود می‌شود.

مکثی عمیق.

اما اگر هیچ سازوکاری برای جبران فاصله میان کمیت و کیفیت طراحی نشده باشد، آن‌گاه این شکاف، پیامد اتفاقی نیست.

داور آرام گفت: بلکه محصول طراحی است.

سه عضو هیأت ساکت ماندند.

اکنون پرسش دیگر این نبود که علت ریزش چه بود؛

پرسش این بود که عدالت تسهیل شده،

هزینه‌اش را بر دوش چه کسی می‌گذارد.

و این پرسش، در هیچ گزارش کارشناسی نیامده بود.



محمدیوسف طاهری قزوینی؛ اولین وزیر راه و ترابری پس از انقلاب

طاهری در سال ۱۳۳۰ از دانشکده فنی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. وی در ۱۴ مهر ماه سال ۱۳۴۰ موفق به اخذ پروانه کارشناسی رسمی دادگستری در رشته مهندسی راه و ساختمان شد و صلاحیت‌هایی چون امور مربوط به ساختمان‌ها اعم از بتن مسلح، فلزی و متعارف شامل متره برآورد، مخارج، ارزیابی، تشخیص حسن انجام کار، تعیین میزان خسارات و تعمیرات، امور راه آهن شامل مسیریابی، زیرسازی، پل سازی و ابنیه فنی، رسیدگی به اختلافات فی مابین پیمانکاران، کارفرمایان و مشاوران در امور تخصصی را دریافت کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۶ طاهری در اداره کل نظارت فنی وزارت راه، از ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ در شرکت شهرآرا و از ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ در اداره کل ساختمان وزارت راه مشغول به کار بوده و در سال ۱۳۶۰ بازنشسته شده است. همچنین وی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ در آموزشگاه عالی وزارت راه و در فاصله سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ در آموزشگاه عالی تکنیکوم نفیسی به تدریس بتن و بتن آرمه مشغول به کار بوده است.

بر این اساس، طاهری در سال ۱۳۳۵ کار خود را در این وزارتخانه با کار در اداره کل نظارت فنی شروع کرد؛ در سال ۱۳۵۷ به مقام وزارت رسید و در نهایت در اواخر سال ۶۰ به تقاضای خود از وزارت راه و ترابری بازنشسته شد.

مفاخر کانون

مهندس محمدیوسف طاهری قزوینی (متولد یکم اردیبهشت سال ۱۳۰۶) اولین وزیر راه و ترابری پس از انقلاب در دولت موقت بازرگان بود.

وی در دولت موقت مهندس بازرگان (۲۴ بهمن سال ۱۳۵۷ تا ۱۲ آذر سال ۱۳۵۸) وزیر راه و ترابری بوده است. طاهری زمانی که مسئولیت وزارت راه و ترابری را برعهده گرفت، ۵۳ ساله بود. او از همان روزهای ابتدای پیروزی انقلاب به عنوان وزیر راه و ترابری انتخاب شد و دوره وزارتش تا خرداد ماه ۱۳۵۹ یعنی کمتر از دو ماه قبل از شروع جنگ تحمیلی، ادامه داشت.

در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۸ امام خمینی (ره) حکم انتصاب طاهری به سمت وزیر راه و ترابری را به شرح زیر مرقوم فرمودند:

«جناب آقای یوسف طاهری قزوینی، طبق پیشنهاد شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، جنابعالی به سمت وزیر راه و ترابری منصوب می‌شوید. از خداوند متعال، توفیق جنابعالی را در ایفاء وظایفی که عهده دار شده‌اید و جلب رضای مقدسش را خواهانم.»

به این ترتیب، طاهری از تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۰ خرداد سال ۱۳۵۹ وزیر راه و ترابری کشور در دوره نخست وزیری بازرگان و دوره تشکیل شورای انقلاب بود. با روی کار آمدن دولت رجایی، کابینه دولت هم تغییر کرد و شهید کلانتری، جایگزین طاهری در وزارت راه و ترابری شد.



مهندس
محمدیوسف
طاهری قزوینی
از همان روزهای
ابتدای پیروزی
انقلاب به عنوان وزیر
راه و ترابری انتخاب
شد و دوره وزارتش
تا خرداد ماه ۱۳۵۹
ادامه داشت

امور مربوط به ساختمانها اعم از بتن مسلح و فلزی و متعارف شامل متره برآورد مخارج ارزیابی تشخیص حسن انجام کار تعیین میزان خسارات و تعمیرات و نقشه برداری شامل مثلث بندی مساحی ترازبایی پیاده کردن نقشه تشخیص حدود ثبتی املاک و امور راه آهن شامل مسیریابی زیر سازی و پل سازی و ابنیه فنی .

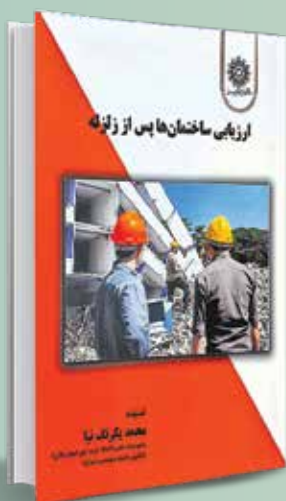
آقای طاهری قزوینی - یوسف
(مهندس راه و ساختمان)



خیابان پاسداران بوستان ۳ - پلاک ۳
تلفن: ۲۳۷۱۶۸ - ۸۳۲۲۶۶
تاریخ شروع کارشناسی: ۱۳۴۰/۷/۱۴

برگرفته از کتاب
اسامی کارشناسان
رسمی دادگستری
۱۳۶۰

معرفی کتاب



ارزیابی ساختمان‌ها پس از زلزله

- مولف: محمد یکرنگ‌نیا
- ناشر: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- چاپ اول ۱۴۰۳



مواد و مصالح ساختمانی

- مولف: علی شیوا
- ناشر: مولف
- چاپ اول ۱۳۹۷



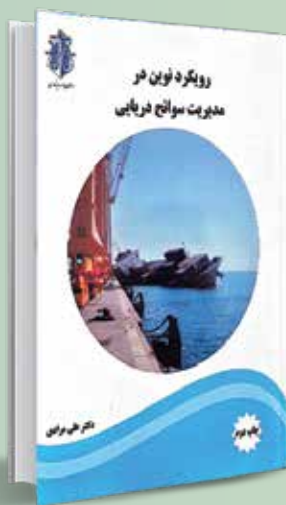
کارشناسی آتش‌سوزی و حوادث

- مولفین: ناصر رهبر، مجید سعیدی فرحانی
- ناشر: چاپ و نشر
- چاپ اول ۱۴۰۴



طراحی سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی

- مترجم: حسین عالمی‌راد
- ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ایران
- چاپ اول ۱۳۸۳



رویکرد نوین در مدیریت سوانح دریایی

- مولف: علی مرادی
- ناشر: سازمان بنادر و دریانوردی
- چاپ اول ۱۳۹۸



راهنمای کنوانسیون تیر و تیر الکترونیکی

- مولف: ناصر محمدحسینی
- ناشر: وکیل
- چاپ اول ۱۳۹۶



ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری

طبق بند ح ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری «موفقیت در آزمون علمی و تجربی و گزینش صلاحیت اولویت‌های اخلاقی» شرط اخذ پروانه کارشناسی رسمی برای متقاضیان می‌باشد.

